

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۸ صفحه

۸۳

پیکار

سال دوم - دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۵۹ بهار ۳۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- احسان طبری مرتد علیه هنرمارکسیستی رهنمود میدهد صفحه ۴۶
- بازهم تقی‌ش عقاید، بازهم اخراج و ... بازهم مبارزه صفحه ۲۱
- آوارگان جنگ: از دیروز تا امروز چه فرقی کرده‌اند؟ صفحه ۱۶
- رسا ترجمان شود، فریاد میگردد!! صفحه ۲۱
- افشای: روحانیون بزرگ مورد تأیید آیت‌الله خمینی چه کسانی بودند؟ صفحه ۱۸

رهنمود در باره شعارهای تبلیغی در میان آوارگان جنگ

مدها هر آره حکمی ستوان سنجده مستقم این حکم ارجاعی مشکلات فراوانی را برای مردم جمهوری اسلامی سار آورده‌اند. در سمد استدا کونسدنا با سبب و تاروا، شهیدسد و ارجاع، اذت و کتک زند، آوارگان را محسوره با زکنت به مناطی جنگ زده‌سما، اما موفس

بچه در صفحه ۲۲

بمباران ۹۲ دهگده توسط رژیم جمهوری اسلامی برای تسخیر اشنویه

صفحه ۵



جنگ

ایران و عراق و چشم انداز آن

هفتاد روز از جنگ آشکارا رونما می‌گردد. اس جنگ بنا بر ما هیت غبرعا دلایه و ارتجاعی این، هما نظور که اسلار میرفت جزید بختی و فلاکت برای کارگران و زحمتکشان دو کشور ببار رنیا و ردوا ز همین روه روز که را آغاز جنگ میگردد زدا همه توهم نوده‌ها نسبت به رژیمهای حاکم هر دو کشور و روحیه دفاع طلبی و شویبیتی آنها کاسته نده و کمر به تبلیغات سراپا دروغ بورژوازی و اعوان و انصارش گوش فرا میدهند اما مساله بهمین جا ختم نمیشود و این تنها نوده‌ها نیستند که این جنگ آنها را دچار مشکل ساخته است. رژیمهای ایران و عراق یعنی همانهایی که در ادامه سببهای خود جنگ را بنا ساخته شده‌اند، نتوانسته و نخواهند توانست گریبان خود را از دست عوارض و نتایج این جنگ خلاص کنند و هرگاه این روند ادامه یابد بدون تردید تا قوس مرگ سیاسی این رژیمها را با خود بصدا در خواهد آورد. ایران را در نظر بگیریم:

بقیه در صفحه ۲

گزارشی از جنگ لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در کارخانه مینو

صفحه ۳

رزمندگان و راه کارگر از حرف تا عمل

صفحه ۹

چین: رویز نویسندها کمونیستها را محاکمه می‌کنند

صفحه ۱۷

گرانی: فقر و فلاکت برای توده‌ها و درماندگی برای رژیم

صفحه ۷

گرانی بنزین و اعتصاب رانندگان تاکسی

صفحه ۸

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ **سرمقاله**

جنگ بر بهران اقتصاد و سیاسی ای کسه رژیم زمان فردای قیام با آن روبرو بسوددر ایضا دوسیمتری اثرگذار شده و آن را افزایش داده است. بنا بودی قسمت اعظم سیاست نفتی کاهش بسیار وسیع صدور نفت به خارج، کاهش درآمد ارزی، پایین آمدن سطح تولیدات داخلی، عدم امکان تامین کالاهای وارداتی، بیکاری کارگران، گرانگونی و کمبود مایحتاج عمومی، افزایش سرسام آور تورم، شیاهای تسلیحاتی رژیم و نا شرمخرب آن بر روی تورم و زندگی زحمتکش، آوارگی و مشکلات ناشی از آن و... اینها همه نتایج اولیه و ابتدائی این جنگ در زمینه اقتصاد بوده است. که اگر آن را در کنار ابعاد دنیای سیاسی این جنگ، یعنی افزایش نا رضایی عمومی مردم، فرو ریختن توهم آنها نسبت به رژیم، رشد حرکات اعتراضی و شکل گیری جنبش اعتراضی علیه رژیم، تا شایسته مقابله بحران پائین در بالا و احکامی جنگ قدرت در بالا، نتوانی رژیم در تثبیت و تمرکز قدرت سیاسی خود، شکست در جبهه جنگ با عراق و عدم امکان جبران این شکست و عوارض سیاسی آن و... قرار دهیم، خواهیم دید که رژیم جمهوری اسلامی در متن چه بحران اقتصادی و سیاسی عمیق و وحشتناکی بسر میرسد. و البته این چپسوزی نیست که خود رژیم، بویژه جناح بورژوازی لیبرال آن، از آن بی اطلاع باشد، یعنی مدبران نامحسوس خود به آیت الله خمینی در تاریخ نیم آبان مینویسد:

چند بار درباره بدتر شدن وضع اقتصاد کشور عرض مطلب کرده ام. خود نیز نمیدانم امروز دولت دیناری ندارد و دارد از بانک مرکزی میگیرد، خرج میکند. با وجود جنگ، تورم چه بجز سزایران خواهد آورد؟ خدا خود رحم کند...

... مردم دارند میگویند، در شهرهای خوزستان اضطراب به آنها پت است. در شهرهای دیگر هیچ چیز نیست و صفها هر روز طولانی تر میشوند. حرفهای بنی صدر حدکافی گویا هستند و نیازی به تفسیر ندارند. بنی صدر با شامه تیز لیبرالی اش، خطر بحران را که در کمین رژیم جمهوری اسلامی نشسته است، بخوبی احساس می کند و میداند که در آنجا، این بحران را تشدید و تعمیق تر خواهد کرد تا آنجا که بقول خود او، نه از تا ک نشان مانده و نه از تا ک نشان.

خطر آنچنان جدی است که نه تنها بنی صدر، بلکه جناح بورژوازی حزب جمهوری نیز علیرغم تمامی هدفها و استفاده های که در این جنگ و برهانه انداختن آن داشته و هنوز هم در دو علیرغم تمامی دشنامهای که نشانی لیبرالها میکنند، همانند لیبرالها ظالم آن است که بنحو "برو- مندا نه ای" این جنگ پایا ن پذیرد، چرا که می دانند و بهتر است بگوئیم فهمیده است که اینبار خطر جدی است و مساله بودن و نبودن کمیته قدرت سیاسی و البته کُل قدرت سیاسی در میان است و

دگر نمیتوان همچون گذشته به شعار صدور انقلاب اسلامی و نابودی حکومت بعث عراق دلخوش بود و هرگونه بلنند بیروزی در این مورد میتوانند بیسه قیمت نابودی خود و وکل رژیم تمام شود.

وضع دربار عراق نیز تفاوت کیفی با آنچه در مورد ایران گفتیم ندارد. رژیم عراق که در ابتدا با هدف برهم زدن قرارداد ۱۹۷۵ الحزایر و کسب موضع برتر در دهانه خلیج و شط العرب و جلوگیری از فعالیت تبلیغاتی ایران علیه عراق و کمکهای ایران به سازمانهای اسلامی موجود در عراق مثل "الدعوه" و "پیکار اسلامی" حمله را آغاز کرد، در شرایط فعلی در برابر گسترش این جنگ قرار گرفته و تاکنون نیز بیهای کزافی را با بت آن برداخته و این کشور را اگر نه در حد ایران، دچار بحران وسیع اقتصادی و سیاسی نموده است.

از اینرو آنچه که برای رژیمهای ضد خلقی ایران و عراق، علیرغم تمامی اختلافات سیاسی و ارضی موجود مطرح است، حفظ قدرت سیاسی و جلوگیری از واگیری بحران و در همین رابطه جنبش توده ای رشدیابنده ایست که نابودی آنها را هدف گرفته است. بورژوازی همانطور که در تاریخ نیز با رها انفاق افتاده حاضر است برای حفظ خود سرکوب انقلاب در کشور خودی در کنار بورژوازی کشورهای دیگر که آن زمان برای کسب سود بیشتر با او در حال جنگ بود، قرار گیرد و لوسو

بخطریک لقمه نان!

رشت:

روز شنبه ۱۷ آبانماه گروهی از زانندگان شخصی که شخم خا نوده خود را از راه مسافرکشی سپر میکنند جهت دریافت کوبین بنزین به استانداری گیلان میروند. اما استانداری انقلابی در پاسخ خواست بحق آنها جنگ ارتجاعی ایران و عراق را چاقی کرده و سر آنها میکوبد که "ما در حال جنگ هستیم و شما نباید به ما اینقدر فشار برید". یکی از زانندگان زحمتکش پاسخ میدهد که "شما روزی سی تومان به زن و بچه های ما بدهید ما همین حالا به جنگ میرویم" استانداری مرتجع رو - به پاسداران سرما به کرده و میگوید "این شخص را بگیرید او آمریکایی است!! پاسداران بلافاصله شروغیسه تیراندازی هوایی کرده و سپس بر روی راننده ها آتش گشودند. در این حادثه چند نفر محروم شد که یکی از آنان در بیمارستان جان سپرد.

این منطق رژیمهای ارتجاعی است که پاسخ بیکاران را با گلوله و سرب مذهب دهد. اما این سرکوبها با رای مقابل با واگیری مبارزات زحمتکش نخواهد داشت و رشد آگاهی توده ها را سرخ پیروزی آنان را هموارتر خواهد ساخت با استفاده از اعلامیه کمیته گیلان سا زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

آنکه این سازش بقیمت از دست رفتن بخش مهمی از خاک کشور خود باشد. ایران و عراق نیز از این قاعده عمومی مستثنی نبوده و نخواهند بود. و اما موضع امپریالیستها در قبال جنگ و خاتمه آن بدین گونه است: هم به توضیح مواضع امپریالیستها، اعمال آمریکا و شوروی و کشورهای اروپائی در قبال جنگ و آغاز آن بپردازیم بطور مختصر با بداهت که هر دو کشور ایران و عراق برای امپریالیستها و بویژه آمریکا و شوروی چه از نظر اقتصادی (و بویژه نفت) و چه از نظر سیاسی و سوق الجیشی اهمیت تعیین کننده ای دارند و از اینرو در برابر هرگونه تغییر و تحولی که بنحوی موقعیت آنها را در این منطقه حاس تضعیف نماید حواسیت فوق العاده نشان میکنند. اما در جنگ ایران و عراق نه تنها موجب کند شدن صدور نفت به این کشورها، بلکه از آن مهمتر به حدت یابی بحران در ایران و عراق انجام میدهد است که در ادامه خود میتواند به تضعیف و حتی سقوط رژیمهای این دو کشور بیاورد و این چیزی است که در شرایط فعلی بهیچوجه با منافع امپریالیستها در این کشورها و در منطقه سازگاری ندارد.

موضع حمایت آمیز آمریکا و آلمان از ایران بویژه پس از تصمیم مجلس به آزادی گروگانها، موضع سوسیال امپریالیسم شوروی و دولت فرانسه در حمایت از هر دو کشور ایران و عراق کوشش سا زمان ملل و مسافرت اولاف پالعه به ایران و عراق جهت بررسی پیشنها دات دو کشور و راهیابی به صلح و پاسخ در مجموع مساعدی که هر دو کشور نسبت به این مساله ابراز داشته اند، تماما بیانگر نگرانی امپریالیستها و رژیمهای این دو کشور از ادامه جنگ و مشکلاتی است که در این رابطه برای آنها بوجود خواهد آمد.

نکاتی را که بر شمردیم این مساله را مسلم میسازد که جنگ میان ایران و عراق بهیچوجه نمیتواند در درازمدت ادامه یابد و طرفین نه میخواهند و نه توان آن را دارند که این جنگ را در درازمدت ادامه دهند. اما نکته مهمی که باید در اینجا به آن اشاره شود این است که این مساله بهیچوجه بمعنای آن نیست که رژیمهای ایران و عراق قادرند در فاصله کوتاهی مثلا چند هفته به این جنگ خاتمه دهند. این امر بهیچوجه امکان پذیر نیست. مثلا رژیم ایران که ما همها توده ها را برای جنگ با عراق و سرنگونی صدام کافر تشویق و ترغیب کرده و وعده پیروزی و ملاقات در کربلا و بغداد را به آنها داده است و در این راه جان هزاران نفر از هموطنان ما را مایه گذاشته و خاتمه خرابی صدها هزار نفر از مردم زحمتکش را باعث شده است و هم اکنون نه تنها کوچکترین پیروزی ای بدست نیآورده، بلکه تمنعی از خاک کشور را نیز از دست داده است.

بقیه در صفحه ۱۶

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



جنگ، بهانه‌ای برای تشدید استثمار کارگران معدن کرمان

جنگ بین ایران عراق، جنگی است غیر-عادلانه و به ضرر کارگران و زحمتکشان دو کشور که فقط بدفع سرمایه‌داران است. شروع جنگ "فشار کار"، "افزایش تولید"، "گرانی"، "اخراج کارگران" و... را به دنبال داشته و همواره مفلکت و بدبختی را برای آنها به ارمغان آورده است. قبلا در معدن هجده کارگر کرمان ۴۶ ساعت در هفته به کار طاقت فرسا مشغول بوده‌اند و علاوه بر ۴۶ ساعت کار ۴ ساعت اضافه‌کار داشته‌اند، که هم‌اکنون بطور متوسط در حدود ۱/۲ حقوق کارگران قطع شده است. علاوه بر فشار کار رئیس معادن گفته است که: "برای هفته‌های آینده ساعت کار افزایش می‌یابد".

کارگران معادن از "خیرات" جنگ بی بهره نمانده‌اند، حقوق آنها کاهش یافته، کمبود و گرانی سوخت و رزاق زندگی را بیشتر بر آنها سنگ می‌کند و هر چه می‌گذرد، آنها بیشتر به ما هیت جنگ و تسلیحات مسومانه رژیم می‌برند و توهم آنها نسبت به رژیم بتدریج در حال فسر و ریختن است.

گزارشی از: جنگ لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در کارخانه مینو

مزدور مستقیم کارفرما بود، آنها در طی مدتی که بر سر کار بودند تنها هیچ کاری به نفع کارگر-ان انجام ندادند، بلکه برعکس جلوی رشد مبارزات کارگران را گرفته و در نتیجه موجب نا رضایتی کارگران شدند بعد از آن کارگران نیز بعزت نداشتن اتحاد دموق به ایجاد تشکیلات خودنگر دیدند.

در یک مرحله از انتخابات برای "شورا"، بین هیئت مدیره از طرفی و مزدوران کارفرما و فنانها از طرف دیگر، اختلاف و درگیری پیش می‌آید که در واقع اشکالی بود از اختلاف بین دو جناح هیئت حاکمه (لیبرالها و بنی مدرنیک - طرف و حزب جمهوری اسلامی از طرف دیگر) در جریان این درگیری هیئت مدیره موقت می‌شود که سه تن از آنها سر قیاب را اخراج کند (علی موسی - راه‌رو رئیس کارگری - شیخی رئیس انتظامات و خوشبخت متعدی انبار). در نتیجه کارگران بطور نسبی از این عمل پشتیبانی میکنند، اما از بقیه در صفحه ۱۴

کارخانه مینو به سبب مبارزات با تکیه بعد از قیام و جریان کارگران یک هفته‌ای "حاج علی خسرو نای" یکی از بزرگترین سرمایه‌داران ایران و پیروزی نسبی کارگران در این جریان، شهرت خاصی دارد. ما در شماره‌های گذشته "پیکار" شما را در جریان مبارزات کارگر-ان مینو و تاجا رب و در سهای آن قرار داده‌ایم و اینک به بررسی تحولاتی می‌پردازیم که بخصوص بعد از جنگ تا عادلانه کنونی در کارخانه رخ داده‌اند:

بعد از انحلال "دفتر هماهنگی" که بنام تشکیلات رهبری کننده مبارزه کارگران در جریان کارگران تشکیل بود، بعزت نبود یک تشکیلات کارگری قدرت بدست هیئت مدیره موقت که توسط شورا کارگری انتخاب شده بود، افتاد که بعد از دو نفر از طرف وزارت متابع و معاون بعنوان مدیران دولتی به آنها اضافه شد هیئت مدیره جدید در مجموع متماثل به لیبرالها بود و سیاست لیبرالی را دنبال میکرد و یک نفر از آنها نیز

با تعطیل شدن کارخانه دباغی کلیه کارگران کارخانه پیکار مانده‌اند

چندی پیش کارخانه دباغی واقع در جاده فدائیان اسلام (شهری) به علت نرسیدن مواد اولیه تعطیل و کارگران آن بیکار می‌شوند. صاحب این کارخانه فردی است به نام مهندس خالقیان که قبلا از طرفداران سرخست شاه بود و امروز طرفدار حزب جمهوری شده است. خالقیان مدتی پیش به کارگران کارخانه گفته است: من دیگر بوی خود شما احتیاج ندارم، پول با خریدن را بگیرید و بروید و هر کس اعتراضی دارد بروید هر کاری که دلش میخواهد بکند. کارگران دباغی در سخت ترین شرایط کار میکنند، آنها از هیچ امکانات بهداشتی برخوردار نیستند و خیلی از آنها بدلیل مرطوب بودن محیط کار دچار مسموم شده‌اند. اکنون در شرایط گرانی و سردی هوا بیکاری زندگی آنها و خانواده‌شان را بسختی تهدید میکند.

کارگران کارخانه ناسپونال اصفهان خواهان جلوگیری از خروج کالا شدند

کارگران رازیا دگسند. کارگران وقتی این جواب را شنیدند، مضمون را زبیش خوانان ادامه مبارزه شدند و یکی از کارگران پشت میکروفون رفته و گفت: ما تا تحقق خواسته‌های خود جلوی خروج کالا از کارخانه را میگیریم. شما می‌کارگران با صدای بلند گفته‌ها را تأیید کردند.

خواسته‌های این کارگران شرح زیر است:

- ۱- اضافه حقوق
- ۲- استفاده از خدمات عمومی کارخانه (مثل تلن و غیره).
- ۳- بهتر شدن کیفیت غذایی و...

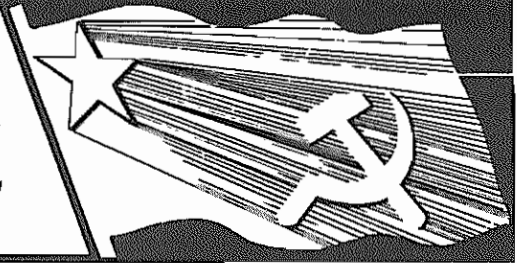
کارگران این کارخانه قبلا توانسته‌اند ۴۰ ساعت کار در هفته را به مورد اجرا بگذارند.

چندی پیش کارگران کارخانه ناسپونال واقع در جاده اصفهان، یکی از نمایندگان خود را برای پیگیری درخواستها به تهران فرستاده بودند. بعد از چند روز کارگران پیشنهاد میکنند که آقای هاشمی (سما پنده‌ای که به تهران فرستاده بودند) نتایج اقدامات خود را در حضور کارگران باز گوید.

آقای هاشمی میگوید: "من برای زیاد کردن حقوق پیش صاحب کارخانه و مقامات دولتی (از جمله آقای اسدی) رفتم، ولی آنها به خواست ما کارگران پاسخ منفی دادند. حتی می‌گویند: "به علت بیماری‌ها و انبار ناسپونال تهران و سوختن کالاها و خسارتی که به این خاطر به کارخانه وارد آمده نمی‌توانند حقوق

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۷)

اصل چهارم: بیان حقایق (انتکاء به منافع تاریخی توده‌ها)

اصل اساسی اجبرناک‌بندی ورزدوبرای انسان‌ها
اصولاً بطرف مندرمشودکه:
"طنبعاً ما به هر چیزی که توده‌ها می‌گویند
تسلیم نخواهیم شد. چرا که توده‌ها سرعسی
اوقات، سوره درآیند و فرسودگی و خستگی
استثنائی حامل ارغشها و رنجهای بیش
از حد و احساساتی تسلیم‌مشوندکه
بهبوجه سرورسب" (۱)

یک اصل کمونیستی همواره عین‌کننده
حرکت کمونیستی است و آن در نظر گرفتن منافع
تاریخی طبیعی توده‌ها است. انتکاء به منافع
تاریخی توده‌ها در تبلیغ صورت‌بان حقایق
طوره‌گرمشود این اصل در حقیقت اساسی ترین
پرسیب تبلیغ محسوب‌مشود. درست است که
با ادعایات توده‌ها را در نظر داشت و نیز باید
به اساسی ترین نیازهای توده‌ها پاسخ گفت و
همچنین با توده‌ها در آمیختن و از آنها جدا نماندن،
اما این به اصل تبلیغ در بربرجم اصل چهارم
بایستی انجام‌میکرد. کمونیست‌ها در تبلیغ‌شد
به عوام‌معرسی و تثبیت به هر شیوه‌ای برای نمود
در توده‌ها و با تائید سبب ترین عواطف غیب‌مانده
- ترس توده‌ها، بلکه به منافع استراتژیک و
تاریخی توده‌ها می‌اندیشند و به اصول
جاودانه مارکسیسم لنینیسم وفا دارند. منافع
تاریخی توده‌ها اجابت‌میکند که حقایق رایج
توده‌ها بگوئیم به آنها دروغ نگوییم و به این
گفته‌جاودانه‌ما رکن‌بایند با شیم که "حقیقت
همیشه انقلابی است". انتکاء به منافع توده‌ها
بالاتر از هر سبب و اصلی است و اگر هر سبب
دیگری بحای این اصل اساسی در نفاذ افتد،
باید از جلوی راه استعرا این اصل کنار رود،
لنین در ۱۹۱۷ تا کمدی نظری بر این مطلب
دارد:

"ما و تنها ما هستیم که جنبش‌بخلی و خوبی
توده‌ها و سلوا و حمیری بسیار مهم و عمیق‌تر
از آن، یعنی منافع اساسی توده‌ها را بحساب
می‌آوریم" و ادا‌مه‌میدهد:
"لشوک‌بها سخا طر تائیس منافع توده‌ها و
سوق دادستان به عمل انقلابی، شونیسیم
را در کرد و در این راه تعبیر خلی و خوبی
آنها را نه برای نمکس غرا صولی در مقابل
آن بلکه بمنظور دست‌باز رسیدن به مبارزه‌ای
اصولی برای کسب‌کامل از شونیسیم
اجماعی مورد اسفا ده قرار دادند."
هما نگونه‌که مناهده مسود، لنین هنگامیکه
اصل توجه بر وجهات توده‌ها با اصل انتکاء به
منافع توده‌ها در تضاد می‌افتد، بر اصولیست

اسلحه تیزی بدل‌مشود که دل حقیقت را می
شکا فدیو با هشاری و دلآوری تضادهای موجود در
طن حامع را عریان‌میکند و برای زحمتکشان
و اعبات حامع را بدرستی و با صداقت منعکس
مکند. تا کمد کمونیست‌ها برای این اصل اساسی از
دید "اخلاق گرامانه" آنها نانی نمیشود، بلکه
سخا طرا بنست که کمونیست‌ها معتقدند تا کمال
جامع و محبوبیت، امری احتیاب‌ناپذیر است
انقلاب یک حقیقت است و بیروزی بیرولتا ربا سر
سورزوری نیز انعکاس دقیق واقعیت مبارزه
طبقاتی است. همان‌ان حقایق از آنر و بسود
توده‌ها است که این حقایق سناسرا مل ماتریالیسم
دبا لکنیک حیرا بسود زحمتکشان عمل‌میکند
سخا طرهمین است که رفیق ما شومعتقد است:

"ما با بدردفاع از حقیقت استوار با شیم
و حقیقت ایجاب‌میکند که موضعی صریح
اختیار کنیم، ما کمونیست‌ها پوشا نمدن
نظریات خود را پیوسته شرم‌آور شده ایم،
روزنامه‌های تحت رهبری حزب ما و مجموعه
کار تبلیغاتی ما با بدحاشیها رسانده. موضع
صریح داشته‌اند، نیز ویرا سا شدند و هر کس
نساند در آنها بهمانند." (۲)

- ما کمونیست‌ها معتقدیم حقیقت، جانبدار است. - و همان آن هر چند بطور موقتی و تاکتیکی، نتیجه‌بخش‌ناشد، بطور استراتژیک در جهت منافع توده‌هاست.
- باید حقیقت را گفت، اما چگونه، و کجا و چه موقع و به چه کسانی. آثار شیبست‌ها انعطافی را در بیان حقایق نمی‌پذیرند و رویزونیست‌ها اساساً با بیان حقایق دشمنند.

انحرافات رویزونیستی و آثار شیبستی در ارتباط با تبلیغ حقایق

رویزونیست‌ها که صاحب اصل مارکسیستی نمی
- توانند خود را منطبق‌کنند، دیگر بطور کامل
با این پرسیب دشمنی می‌ورزند. آنها به منافع
تاریخی سورزواری متکی هستند نه به منافع
توده‌ها و همین است که حقایق را بسود سورزواری
واروسه‌میکند. رژیمهای ضدحلفی را انقلابی
حامبرند و جنگهای ارتجاعی را عادلانه قلمداد
میکند، دوست‌رادمن، و دشمن‌راد دوست طبقه
کارگر معرفی‌میکند. آنها دشمن حقیقتند، چرا
که "حقیقت، همیشه انقلابی است." و آنها دشمن
انقلابند. آنها بسوسه دروغ را تبلیغ‌میکند
مثلاً به درویمهای حرب توده‌ها را منوردمستوان
اسفا در کرد و روزی، آب‌الله‌خستی را منرح
مسافید و در دیگر انقلابی، روزی لبرالها را
سورزواری ملی و انقلابی و دموکرات می‌نامند
و ورود دیگر آنها را لبرال و... هرما رکه‌اوستند
- ای را تبلیغ‌میکرد از منافع سورزواری حرکت
مکرد و تلون مزاحی رویزونیست‌ها نیز در همین
- حاست. کمونیست‌ها دروغ نمیکوشند، دحارنایی

مدس ترسب‌شواسن در تبلیغ‌شد -
الساع این اصل اساسی فرار میگردند و اس
توجه عظیم به اس اصل، تبلیغ کمونیست‌ها
را از تبلیغات نمابندگان در کطبقات
جدا میسازد. سورزواری و حتی خرده‌سورزواری
سخا طر بیروزیهای آبی خود منافع آبی توده‌ها
را لکد مال‌میکند. آنها از سوسه‌های نکسرف
تبلیغاتی برای نفوذ در توده‌ها اسفا ده‌میکند
احساسات را به ماری میگردند و عوام‌معرسی
مکند... تا در آنها نفوذ‌کنند، اما کمونیست‌ها
همواره از انجا دسوسه‌های عرا صولی، حمال،
ها هو، دروغ، معلوم‌نما شی و... سخا طر موقتست
در تبلیغات احتیاب‌میکند، حتی، اگر در کوتاه
مدت کسیهای را سر منحل‌نمود، سلعاعات
کمونیستی، ما کما ولستنی و با راکما سستی
سنت. ما کمونیست‌ها معتقدیم "حقیقت، جاندار
است." و همان آن هر چند بطور موقتی و تاکتیکی
سسخه‌بخش‌ناشد، بطور استراتژیک در جهت
منافع توده‌ها است. مدس ترسب تبلیغ‌شد

(۱) - نقل قولهای لنین از کتاب علم انقلاب
در روانشناسی اجتماعات اثر سورشت آفریده شده
است.
(۲) - ما شو - منتخب آثار، جلد ۴، جگمگوما هفت
نحر سبه روزنامه حسی سری ژسائو

خلق ها و مسئله ملی



درد...!

درد بر انقلاب چون شهید کاک "ماس بی کم" بهشمرگه کوپله وگاک شوان "فرطاننده" نظامی یک دسته از بهشمرگان کوپله و دیگر شهیدای جنبش مقاومت خلق کرد.

غارت روستای قم قلعه بدست پاسداران

مهاباد ۵۹/۸/۱۹

در این روز یک سون مرکب از ارسون و پاسداران ارجمندمان رفته بمقدمه پاسدار حرکت کردند. اس سون در سر راه خود بعد از درگیری کوباهی با سمرگان دمکرات و اردوستانی "قم قلعه" کردند. سروهای ضد خلق، محسن ورود، شروع به آتش زدن خانه ها و غلوه و غلاب روسا... شان و عارت دکا بها نمودند. آنها ۱۲ خانه را به آتش کشیدند و ۴ دکان را عارت کردند. سپس مردوران رژیم اس رکس یکی دو نفر را حالی روسا صحن خروج آروسا مورد حمله سمرگان دمکرات قرار گرفتند. و در سحاه اس درگیری ۸ نفر از سروهای ضد خلق شلاک رسدند. همجنس یک سمرگه شهید شده که پاسداران نظیر و حسابا به حسان او را ارحده در آورند.

فائتومه های جمهوری اسلامی اسباب بازی محتوی مواد منفجره بزمین ریختند

مربوان

— کریم از روستای "خا و" به قصد بردن اسباب بازی برای فرزندان یکی از آنها را برداشت که منفجر شد و او را به شهادت رساند. سمرگه های سزبا برداشتن یکی دیگر از آن اسباب بازیها بسدت زخمی شد.
این جاسوس رژیم جمهوری اسلامی، با رهسار توسط اسرنا لبسم آمریکا در روستا م تکرار رسد ولی خلق مهران و بیسار ما رسوا رینا پیرا رسد و اسالنگران را ارحاک خود بیرون راند. خلق مهران کردن سزبا بحمل سخی ها و ادا به مبارزه همراه خلقهای دیگران، سرکوبگران را به زاید و رخواهد آورد.
(بقتل از حیرتا به ۸۸ کوپله)

رژیمیهای ضد خلقی ایران و عراق برای کشتار رحمتگان هر دو کشور از هیچ جایست و وحشیگری رویگردان نیستند. در حالیکه ستون ارتشی عراق در روستای مرزی "گانی مبران" دهات اطراف را به توب می بندند، فائتومه های رژیم جمهوری اسلامی در روز ۵۹/۸/۷ بعد از سبازان شهرسنجوبین (کردستان عراق) که باعث کشته و زخمی شدن عده زیادی از مردم بسد فاع آنجا کردند، هنگام بازگشت در اطراف روستای "خا و" "مقدار زیادی اسباب بازی مانند عروسک، ماشین کوکی، کبف و... در شعاع چند صد متری به زمین ریخت. یک نفر سنا م علاج حاجی

غارت و آتش زدن روستاها توسط مزدوران رژیم

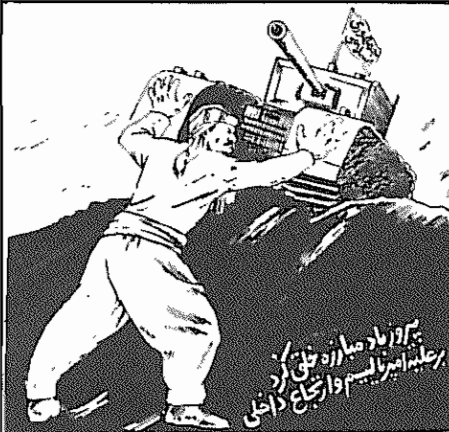
نقد ۵۹/۸/۱۰

عده ربا دی با سار و حاس مسفر در سیر عده همراه احدین تاک و خود و وار طریقی روسای فارا به روسای "کلوان" حمله کردند. آنها صحن غارت دکاها و اموال مردم اهالی زحمتکن را با وحشیگری هر چه سنا مریا سروجا فو و حسانی و سرسره مورد حمله قرار داد و حدود ۲۵ نفر از آنها را کور و زخمی نمودند. پاسداران و جاشها سدار عارت روسای "کلوان" به روسای "اسرنا د" (سازاوه) حمله کردند. در اسن روسا، مردوران رژیم طی درگیری کوباهی، یک سمرگه را شهید و سمرگه دیگری را دستگیر نمودند. پاسداران و جاشها اس ارحروج کردن عده ربا دی از اهالی، روسا را به آتش کشیدن در سجداس و خشک رینا، سدار ربا دی از خانه ها مزارع، و غلوه دامها و حیوهای سوحسی بکلی در آس سوخته و با سو سدید، اخبار رسیده حاکی است که با احد زور اس ارحمله، روسای "سازا د" در آس می سو حه است. مزدوران رژیم اس از اسام حسان خود در دوروسای مذکور، به طسرد

راکت سینه و سبها نا خمبار و توبیهای مسفر در با دکان را سدار مری حلدان آنها را رسوا سس فرار منداند. در اس حملات لسکر ۶۴ ارومیه، گروهان ۱۹۸ سبک سراسر شهر، سو بخانه مراع مسفر در با دکان حلدان و کردان ۱۰۹ سلسا س شرکت دادند. هدف رژیم جمهوری اسلامی از سربا مری اس حملات کسیده اس بود که اسناد اس اهدام دهاب از کیکهای روسا نشان سس سمرگان مسفر در اسوبه خلوکتری سوده و سسبه اسنوبه حمله کند. اما با وجود اس، مردم شهر و سمرگان مهران در مسال حملات اس سحی مقاومت کرده و سروهای ضد خلقی را و ادا رسه عیب سسی نمودند

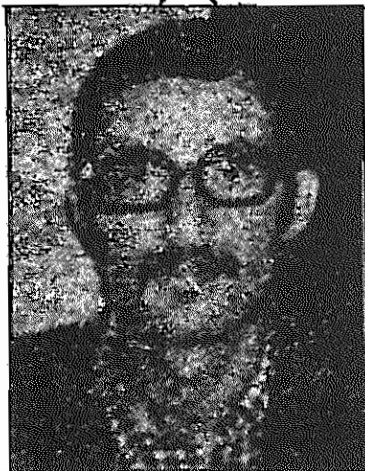
بمباران ۹۲ دهکده توسط رژیم جمهوری اسلامی برای تسخیر اشنویه

رژیم جمهوری اسلامی برای خارج کردن شهر اشنویه از دست بهشمرگان جنبش مقاومت خلق کرد، با بسیج بخش اعظم مزدوران خود در منطقه در تدارک حمله ای وسیع به اشنویه بود. اما این توطئه جنا پتکارانه رژیم در اثر مقاومت قهرمانانه بهشمرگان و اهالی مبارز اشنویه نقش بر آب شد حریان واقع به قرا رزیر بود:
ابتدا جاشهای جنا سکار م علاج سنی مرتجع به روستای "حیرا شیل" حمله کرده و ضمن غارت و آتش زدن روستا به یک سسر ۱۳ ساله و یک دختر ۱۴ ساله تجا وز کردند. سبمرگان جنبش مقاومت به محض اطلاع از اسن وحشیگری به مزدوران رژیم جمهوری اسلامی حمله کرده و تلفاتی سراسر اوارد کردند. حمله سبمرگان سنا به دست اس ضد خلقی داد و مرفمانده عملیات نظامی اس مسفر در "شبه حیرا شیل" ساسروان "محارم سدرک" معروف به "مدرک خونخوار" فرمان اسهدام ۹۲ روستای منطقه اشنویه را م در کرد.
ارتش روزها با هلسکوپتر روستاها را سس



حق تعیین سرنوشت. حق مسلم خلقهاست

گرامی باد خاطر هرفقای شهید



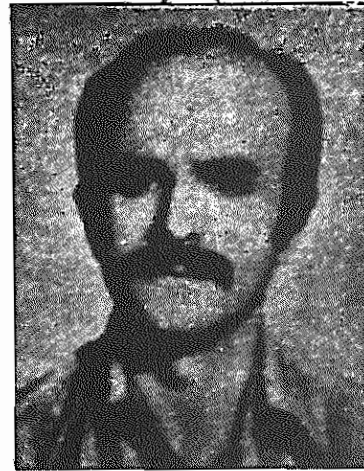
**رفیق شهید
حسن سبحان الهی**

ضو بخش منشعب ازس م خ ا
انضباط انقلابی و تشکیلاتی او و حساسیت
در قبال نظرات نادرست هـ نـ سـ نـ سـ د
همرزمانش بود .
شهادت در زین پرتکجه در تاریخ
۵۴/۹/۲۶



رفیق شهید محبوبه افراز

ضو بخش منشعب ازس م خ ا
علاوه بر فعالیت های تشکیلاتی در داخل
کشور مدتی راد رهبن انقلابیون معانی به
منوان پزشک در جبهه جنگ خدمت کرد .
رفیق همچنین در اداره بخش فارسی
رادیو جبهه خلق برای آزادی ممان
فعالیت داشت .
شهادت در نیمه آذرماه ۵۷



**رفیق شهید هاشم وثیق پور
(لطفی)**

ضو بخش منشعب ازس م خ ا و فعال در
بخش کارگری . رفیق سهم صدای در
انتشار نشریه "قیام کارگر" داشت .
شهادت در ۳۰ آذرماه ۵۴

و جنایات خود در کردستان به استخدام "مزدور"
دست زده است . آنچه که در زیر می بینید اطلاعیه
لشکر ۲۸ سندج برای استخدام "مزدور" میباشد:
زحمتکشان ما می پرسند: براساسی خلق
زحمتکش کرده میخواهد که رژیم جمهوری اسلامی
علاوه بر استقرار آن همه دستگای های سرکوبگر خود
در کردستان به استخدام "مزدور" نیز دست زده
است ؟

السته استخدام مزدور برای سرکوب جنبه های
انقلابی خلفها و زحمتکشان امر تازه ای نیست .
امریا لستهها ، سوبزه آمریکا ثبها وانگلسبها
سارها در کشورهای رودزیا ، کنگو ، عمان ، زشیتر
و . . برای کستار خلقهای این مناطق ، آدمکشان
و حسانکاران حرفه ای را با دادن پول ، استخدام
کرده و میکنند اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی
برای کستار خلق کردهمان سبوه امریالستهها
را بکار گرفته است
کارگران و زحمتکشان !

مدای اعتراض خود را سر علیه این همه
جناسات رژیم جمهوری اسلامی در کردستان بلند
کنید و ضی حمایت از خلق کرد ، توطئه های
جناسکارانه رژیم در کردستان را افشا نما شد .
سازمان سکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۹/۵

استخدام مزدور برای کستار خلق کرد!

دوشنبه ۱۳۵۹ آذر ۳۰ کیهان

**لشکر ۲۸ سندج
سرباز استخدام
می کند**

یافت طرح زیر میباشد:
بسه عالی لشکر ۲۸ سندج
برای تکمیل کادر سربازی
احتیاج به تعدادی سرباز دارد
کسانی که تمایل به استخدام
بطور قراردادی به مدت یکسال
در لشکر مزبور را دارند میتوانند
همه روزد از ساعت ۱۰ الی ۱۴
عیراز روزهای تعطیل به مرکز
مقر بک کادرواقع در حجابان
بیروزی (قریب آباد سابق)
مراجعه وقت نام کند .
شرایط استخدام عبارت است
از: حداکثر سن ۲۵ سال ، دارا
بودن برگ خانه خدمت .
دارا بودن سلامت جسمی بد
تاییدادار بهمداری ارتش -
همراه داشتن شناسنامه و تکدیار .

تهرات - غیرگزاری پارس -
لشکر ۲۸ سندج برای تکمیل
کادر سربازی خود گروهی از
داوطلبان خدمت کرده را که از
سازمت جمعی برخوردار بوده
و حداکثر سن آنها ۲۵ سال باشد
برای مدت یکسال استخدام
میکند . متن اطلاعیه ای که از
سوی ستاد مشترک ارتش جمهوری
اسلامی ایران در ایروزابطا منتشر

اگر برای سرکوب خلق کرد ، کستار
اهاالی شهرهای کردستان و روستا ثبها ن سیدفاع
و برای قتل عامهائی نظیر "قارنا" ها و "قلاتان" ها ،
"کاشی ما مسید" ها و "ابندر قاش" ها ، ارتش ،
با سداران ، جاشهای آدمکش و اعزام افراد منقضی
خدمت ۵۶ به کردستان کافی نیست ، رژیم
جمهوری اسلامی اکنون برای گسترش آدمکشها

روستای "شاواله" را هفتادند . بعلمت نبودن
بیشمرگان در این مسیر (در حقیقت پیشمرگان
حزب دمکرات در این منطقه خیال جنگیدن
نداشتند) ، مزدوران رژیم برآ حتی وارد روستای
شاواله گردیدند ، ثبها در این روستا نیز مانند
روستا های قبلی به قتل و غارت روستا ثبها ن
زحمتکش پرداختند . مزدوران فد خلق ، وحشیا نه
بیرمردی را بقتل رسانده و عده زیادی از اهالی
روستا را زخمی و ناقص العضو نمودند . سپس
با سداران و جاشها ، خانه ها و علوفه دامی
روستا ثبها ن را به آتش کشیدند .

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی پس از غارت
سه روستای یاد شده با خمپاره ۱۲۰ میلی متری
به روستای "دشت قور" شلیک کردند و اولی خمپارهها
به روستا اصابت نکردند . قتل و غارت در روستاهای
کردستان توسط ارتش و با سداران و جاشها ،
همچنان ادامه دارد .

توضیح:

به علت تراکم مطالب روز ، از آوردن متن
مما حبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس
در این شماره معذوریم .

گرانی: فقر و فلاکت برای توده‌ها و درماندگی برای رژیم

بحران عمیق اقتصادی ایران که در مقطعی از رشد خود منجر به سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه گردید، بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی نیز کماکان عمیق‌تر و گسترده‌تر گردید. سطح زندگی توده‌ها و به‌خصوص کارگران و زحمتکشان با سرعت بی سابقه‌ای، دائماً تنزل کرده و می‌کند. این امر در بالا رفتن سرسام آور قیمت مواد مورد نیاز توده‌ها از طرفی و ثابت ماندن (و یا حداکثر افزایش ناچیز) دستمزدها، خود را بخوبی نشان می‌دهد. علاوه بر آن بیکاری نیز چون بیماری همه‌گیر، گسترش و حشمتناکی یافته است.

بعد از همه‌جا نماندن جنگ ارتجاعی کنونی قحطی و گرانی ناشی از جنگ نیز "قوز بالا قوز" گشته و گلوئی زحمتکشان در جنگال هیولای گرانی بیشتر فشرده می‌شود. بیهوده نیست که بحث راجع به گرانی اجناس، امروزه بحث روز توده‌ها و موجب اعتراضات گسترده (هرچند هنوز کم‌دانه) شده است. این اعتراضات و همه‌گیر شدن آنها موجب وحشت رژیم جمهوری اسلامی را فراهم کرده است. بطوریکه مسئولان رژیم از ترس تکان این ناراضی‌ها به مبارزات گسترده توده‌ها و برای جلوگیری از تکرار هر آنچه دو سال قبل بوقوع پیوست، و منجر به سقوط رژیم شاه گردید، به دست و پا افتاده و مذبح‌ها نه به تلاش‌های همچون جیره‌بندی مواد سوختی و قند و شکر (که مقدمه جیره‌بندی سایر مواد است) پرداخته است. برای آنکه به با وجود حشمتناکی افزایش قیمت‌ها در سایر کشورها، با استفاده از آمار دولتی (که طبعاً رقم‌ها را بسیار بیشتر از واقعیت نشان می‌دهند)، میزان افزایش قیمت مواد ضروری و مورد نیاز توده‌ها را نسبت به سال گذشته مورد بررسی قرار می‌دهیم:

جدول شماره ۱

نام محصول	درصد افزایش قیمت از مرداد ۵۸ تا مرداد ۵۹
تخم مرغ	۳۵/۵٪
لبنیات	۲۷/۲٪
نان	۱۲/۵٪
برنج	۴۹/۹٪
آرد و فراورده‌های آن	۲۷/۶٪
گوشت قرمز	۶۵/۲٪
مرغ	۱۶٪
ماهی	۵۶/۳٪
روغن حیوانی	۵۷/۸٪
روغن نباتی مایع	۷/۶٪
روغن نباتی جامد	۷٪
دخانیت	۲۹۲/۳٪
پوشاک	۲۵/۲٪
معالج ساختمانی	۲۸/۴٪
اثاثیه خانه	۲۸/۴٪
حمل و نقل و ارتباطات	۳۵/۱٪



عمل خنثی می‌شود. بنا بر این در طی یکسال دستمزدها تعبیر چندان نمی‌کنند ولی افزایش قیمت‌ها چنان است که طبق آمار دولتی قدرت خرید مردم (و در واقع درآمد آنها) به میزان ۲۲/۶٪ کم می‌شود. این میزان افزایش قیمت مربوط به قبل از گسترش جنگ نا عادلانه کنونی است و حال

جدول شماره ۲

مایحتاج مردم	خوراکیها و دخانات	پوشاک	اثاثیه خانه	حمل و نقل و ارتباطات	درمان و بهداشت	تحصیل و مطالعه	کالاها و خدمات متفرقه
درصد افزایش قیمت از سال ۵۷ تا مرداد ۵۹	۴۸/۲٪	۲۷/۴٪	۲۸/۲٪	۴۶/۷٪	۱۳/۴٪	۲۵٪	۵۹/۶٪

آنکه صف‌های طویل برای خرید ما بحتاً اولیه، نایابی بسیاری از این ما بحتاً و حیره‌بندی برخی از مواد، خود بهترین گواها افزایش فوق‌العاده و با زهم بیشتر قیمت‌ها نسبت به مرداد ماه است. یک نمونه آن سه برابری قیمت بنزین است (علاوه بر جیره‌بندی آن) که خود موجب افزایش قیمت حمل و نقل گردیده و افزایش قیمت سایر کالاها را موجب می‌شود.

رژیم با کمک دستگاه‌های تبلیغاتی سعی دارد با بنظر و نمود کند که گویا صرفاً این حسگ است که قیمت‌ها را تا بدین حد بالا برده و گرانه می‌توانست آنها را می‌رکند. در صورتیکه بررسی افزایش قیمت‌ها بعد از قیام مهین ماه و روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، بخوبی نشان می‌دهد که روند افزایش قیمت مربوط به جنگ نبوده و جنگ فقط آن را تشدید نموده است. با زهم آمار خود رژیم را شاهد می‌گیریم (هرچند که این آمار تعدیل شده و صرفاً سیانگروشه‌ای از واقعیت هستند): به جدول شماره ۲ رجوع شود

کلا ما بحتاً عمومی توده‌ها در مرداد ۵۹ نسبت به سال ۵۷ (سال روی کار آمدن رژیم کنونی)، به میزان ۳۱/۵٪ افزایش قیمت داشته است و درآمد‌ها کماکان تغییر قابل توجهی نکرده‌اند.

این افزایش بی‌رویه، قیمت‌ها، از طرفی موجب فقر و فلاکت توده‌ها می‌گردد و از طرف دیگر بی‌انگیزه‌بودن مردم از رژیم جمهوری اسلامی در بر خورده به بحران اقتصادی است که نه تنها نتوانسته است آنها را می‌رکند و با تخفیف دهد، بلکه عملاً در مقابل آن لنگ انداخته است. چرا که بحران اقتصادی موجود که ناشی از گزندگی سیستم سرمایه‌داری وابسته است، چنان عمیق و ریشه‌دار است که رژیم‌های فرتوتی چون جمهوری اسلامی را با رای مقاله‌ها آن نسبت، افزایش فقر و فلاکت، ناراضی توده‌ها را بیشتر و موج اعتراضات آن را گسترده‌تر می‌نماید. و سر نوشتی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان می‌آورد که برای سلفش، رژیم شاه همراه آورد.

حل بحران کنونی به دفع سوده‌ها و مالش آمدن بر مشکلاتی چون گرانی، نسیان رمان امکان پذیر می‌گردد که حکومت جمهوری دمکراتیک خلق تحت رهبری طیفه‌کارگر برقرار شود و ما را بسوی سوسیالیسم، تنها راه نجات انسانها از فقر و ستم و استعمار رهمنون گردد!

★ ★ ★

به جدول شماره ۱ رجوع شود بطور کلی میزان متوسط قیمت‌ها در مرداد ماه ۵۹ نسبت به مرداد ماه ۵۸ برابر ۲۲/۶٪ افزایش داشته است. در مقابل این افزایش سرکچه‌آور قیمت‌ها، دستمزدها غالباً ثابت مانده اند و یا افزایش ناچیزی داشته‌اند. مثلاً افزایش مزد کارگران که حداقل آن از ۵۶۷ ریال در روز به ۶۳۵ ریال در روز افزایش یافت. حدوداً ۱۳٪ می‌باشد. در صورتیکه با کسر شدن قسمت‌های از مزد کارگران ما نند سود ویژه (که قسمت قابل ملاحظه‌ای از مزد کارگران بود) همین ۱۳٪ هم

(ب) - کلیه آمارهای این مقاله از گزارش مرداد ماه ۱۳۵۹ ما را از اقتصاد بانک مرکزی ایران است.

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم

گرانی بنزین و اعتصاب رانندگان تاکسی

سرکرده داد، ما پس از این موافقت رژیم ما هیت خود را نشان داده و ۶۴ نفر از رانندگان مبارز تاکسی را بعنوان ضداقلاب از رادسوم معرفی کرده و به آنها بنزین نمیدهد.

همدان

رانندگان تاکسی اسن شهر هم در روز چهارشنبه ۵۹/۸/۲۱ در یکی از پمپ بنزین ها دست به اعتصاب زدند. نمایندگان فرمایشی و مسئولین رژیم به تکیا پوافتا ده و با علم کردن مسئله جنگ سعی در تفرقه اندازی ما بین رانندگان داشتند، ولی با اینهمه تا روز شنبه اعتصاب ادا نمیدادند و در این روز با قبول دادستانی مبنی بر دادن بقیه پول تا آخر ماه اعتصاب پایان میگردد.

مسئله مشترکی که در هر دو اعتصاب تهران و همدان رانندگان تاکسی وجود داشت وجود نمایندگان فرمایشی و سازشکاران و فقدان یک رهبری واقعی و منسجم بوده است.

زنجان

روز ۲۱ آبانماه همزمان با تهران و شهرهای دیگر رانندگان تاکسی زنجان نیز برای اعتراض به گرانی بنزین دست از کار کشیدند. از ۲۲۵ تاکسی زنجان فقط کمتر از ۲۵ تاکسی که رانندگان نشان از فالانژهای حزب جمهوری اسلامی هستند کار میکنند که با اعتراض قاطع رانندگان دیگر مواجه شدند. رانندگان با وعده مسئولین مبنی بر رسیدگی به خواستهها نشان از روز بعد حاضر به کار میگردند.

مشهد

ساعت ۸/۳۰ صبح ۲۱ آبانماه رانندگان تاکسی و مسافرکش مشهد در اعتراض به گرانی بنزین دست از کار کشیدند و در مقابل شرکت تعاونی تاکسیرانان جمع شدند. رئیس شرکت سعی بسا کرد تا اعتصاب آنها را بکنند، ولی رانندگان فریب توطئه ها را نخوردند و میگفتند: "اره ما نظور که با رسال ۴ ریال ما به التقات پول بنزین را ما دادند، اما مال هم ۲ تومن را خواهند داد!" و با این ترتیب عدم باور خود را به وعده های ارتجاع نشان میدادند. راننده ها میگفتند اگر دولت نمخواهد کلک بزند ما در همان پمپ بنزین مخصوص تاکسی ها که همسه بنزین می گرفتیم، بنزین بدهند و لیتری ۱۰ ریال بگیرند.

در اسن اعتصاب کلیه رانندگان تاکسی شرکت کرده بودند و با سازمان حیدرآباد که مسافر سوار نگردند بودند دستگیر کرده بودند و دستگیر همکاران نشان برای آزادی آنها جلوگیری مرکز "جمع شدند".

تهران - روز چهارشنبه ۵۹/۸/۲۱ پس از اینکه دولت اعلام نمود که رانندگان تاکسی و تاکسی بار با بنزین رالیتری ۳۰ ریال بپردازند، در حدود ۲۵۰ نفر از رانندگان تاکسی در یکی از پمپ بنزینهای خیابان جمهوری جمع شده و دست به اعتصاب زدند. آنها سر راه تاکسی های دیگر را که در حال حرکت بودند گرفته و آنها را هم دعوت به اعتصاب نمودند و اعلام کردند تا وقتی که بنزین لیتری ۱۰ ریال به آنها داده نشود کار نخواهند کرد. در همین حین نمایندگان سندیکا که از وابستگی به رژیم میباشند به دادگاه انقلاب مراجع میکنند و برای به سازش کشادن رانندگان قول دولت مبنی بر پرداخت ما به التقات و بنزین را تکرار کرده و از آنها می خواهند به اعتصاب پایان دهند، اما نمایندگان قبول نمی نمایند، زیرا، ما هیست نمایندگان سندیکا فرمایشی برای بیان روشن بود، این سندیکا یک سندیکا زرد میباشند و با اینکه رانندگان تاکسی هر ساله مبلغی بعنوان حق عضویت پرداخت میکنند، اما تاکنون نه تنها قدمی در جهت منافع رانندگان برنداشته بلکه از مناسبات و اتحادیه آنان با گشاد بازی ها و ولخرجیهای خود، پولی را که بایست صرف بیمه رانندگان بشود، حیف و میل میکنند. رانندگان تاکسی بدلائیل مختلف و از جمله شرایط ویژه صنفی آنان، فاقد تشکیلات مستقل و منسجم میباشند و آخرین نماینده واقعی آنها بنام "علی پور" در رابطه با اعتراض به طرح ترافیک، از طرف رژیم دستگیر شده است.

در مقابل سازشکاری های نمایندگان، رانندگان سخت ایستادگی نموده و حاضر به زدن بنزین نبودند، آنها میگفتند: "اینها همه نقشه دولت است اگر میخواهد بقیه پول را به ما پس بدهد پس چرا حالا داره آنرا میگیرد؟" اینها وعده سرخرمن است چون تا حالا ما به التقات ۸ ماه پیش را نپرداخته است.

با مقاومت رانندگان، روز اول اعتصاب به پایان میرسد. در روز دوم وقتی نمایندگان اتحادیه مقابل و مت رانندگان را میبینند از در دیگر وارد میشوند و به رانندگان پیشنهاد میکنند که بنزین رالیتری ۳۰ ریال بزنند و آنها بقیه پول را از بودجه اتحادیه که حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان میباشد، میپردازند و بعد از دولت میگیرند. اکثر رانندگان حاضر میشوند که با این شرط بنزین بزنند، اما با زهم عده ای مخالفت میکردند و میگفتند این پول هم مال خودمان است، اگر فردا این پول تمام نموده ما و ما ثل بدکی و روغن نمیدهند، اما نمایندگان با گرفتن جواب مثبت از رانندگان به دادستانی رفته و با نماینده دادستان به محل اعتصاب برگ میگردند و دادستان انقلاب به آنها قول میدهد که ظرف ۱۵ روز بقیه پول بنزین را به اتحادیه

جریان گرانی بنزین و عقب نشینی رژیم در ادا مه مبارزه رانندگان تاکسی این واقعت را با ردیگر بشود میرسانند که این توده ها هستند که در مبارزه شان خواسته های خود را از حلقوم ارتجاع بیرون میکنند و رژیم ارتجاعی را که میخواست با سوءاستفاده از "موقعیت جنگی" بنزین را برای رانندگان تاکسی هم گران نماید در مقابل اعتصاب سرتاسری رانندگان تاکسی و ادا ربه عقب نشینی کردند.

کرج

روز ۸/۲۱ رانندگان تاکسی بخا طر گران شدن قیمت بنزین (لیتری ۳۰ ریال) دست از کار کشیدند و خواستار برگشتن قیمت ها به لیتری ۱۰ ریال شده اند. با آنکه رژیم قبول داده است که ما به التقات قسمت را پس از مدتی بپردازد، رانندگان این شرط را نپذیرفته و میگویند این وعده است چون در دوره بعد از قیام هم به آنها قول داده بودند که ما به التقات قیمت بنزین که ما میباشیم به ۴۰۰ ریال میرسد به آنها پرداخت گردد.

هم چنین موتور سواران حصارک کرج هم بعنوان اعتراض به گران شدن بنزین در جلوی فرمانداری اجتماع کرده و دو نما بند را برای مذاکره پیش فرما دادند و میفرستند: فرما نسیدار فریبکار ریشخند داد بنزین (به قیمت قبل) بده و نما بنده را می کشند و از آنها می خواهند که بقیه را دست به سر نما بده که آنها قبول نکرده و جریان را برای بقیه افشا مینمایند.

تصحیح و پوزش

مناسبات پیکار شماره ۸۲، اغلاط چاپی زیادی دارد ما ضمن پوزش از خوانندگان بیکار اغلاط مهم را تصحیح میکنیم.

۱ - در صفحه ۹ سطر اول مقاله تلاش رژیم برای آزادی گروگانها... سوسال شوبنیستبای و قیام فدائی (اکثریت) صحیح است. اشتباهات چاپ شده بود.

۲ - در صفحه ۱۲ سطر اول، مقاله پیمانها نموده های جنگ زده... غم ز دست دادن والدین و فرزندان و هستی خود صحیح است. اشتباهات چاپ شده بود.

۳ - ادا مه مقاله جنگ و ادب و های ضد انقلابی در صفحه ۱۸ ستون سوم، سطر ششم است. اشتباه عنوان آن در اول ستون دوم زده شده است.

۴ - ادا مه ملاحظات (ما شاء الله تعالی) در صفحه ۱۸ اول ستون دوم است. عنوان آن اشتباه زده شده است. (السنه متاسفانه ادا مه ملاحظات در صفحه ۱۴ نیز تکرار شده است.)

۵ - در صفحه ۲۱ ستون دوم، سطر دوم از آخر (با ورق) مقاله بنده سوسال امیرالاسلم... سادسی امیرالاسلم صحیح است، اشتباه امیرالاسلمی چاپ شده بود.

بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

رزمندگان و راه‌کارگر: از حرف تا عمل سوسیال شوونیستهای خجول در حرف رژیم را ارتجاعی می‌نامند ولی در عمل خلاف آنرا تبلیغ می‌کنند

یکدیگر در تضاد قرار می‌گیرد، چرا که آنان نیز از رویزیونیسم منشا می‌گیرند و رویزیونیسم چیزی جز بورژوازی در پوشش مارکسیسم نیست. یکی از وظایف ما کمونیستها آشکار کردن شعارهای دروغین اپورتونیستها و نشان دادن دورویی شعار و عمل آنان به توده‌هاست. لنین در مورد عدم اعتقاد به شعارهای اپورتونیستها هشدار می‌دهد:

"برای اینکه بتوان به ما هیت مبارزه حزبی بی برد، منشا دیدگفتار ما وارد است بلکه باید تاریخ واقعی احزاب را بررسی نمود، این بررسی منشا پیدا شدن قدرتها پیرامون آنجیزی با شده که خود احزاب در برابر خود می‌گویند، بلکه باید در اطراف آنجیزی با شده که این احزاب بیدار عمل می‌نمایند و نیز در اطراف این با شده که آنها مسائل مختلف سیاسی را چگونه حل میکنند در مورد موریکه سیاسی منافع حیاتی طبقات مختلف جامعه یعنی، ملاکین سرمایه داران، دهقانان، کارگران و غیره نمایان می‌آید. چگونه رفتار می‌نمایند." (لنین، احزاب سیاسی در روسیه، تاکید از خود لنین است.)

یکی آنکه بورژوازی را انقلابی نامید و از مبارزه توده‌ها بر علیه آن جلوگیری کرد و دیگر آنکه نام بورژوازی را ارتجاع گذاشت، منتها آنقدر صفات نیک و مترقی برای آن تراشید و آنقدر آن را رنگ آمیزی کرد که مبارزه برای سرنگونی آن همدستی با امپریالیسم تلفی شود! طبیعی است بورژوازی در صفوف طبقه کارگر بهر دو شکل ضوق عمل میکند. احزاب باطن توده و رنجبران و رویزیونیستهای مرتد فدائشی (اکثریت) وظیفه اولی را بر عهده دارند و راه کارگر و رزمندگان در غالب دومی به ارتجاع بران خدمت میکنند. با این وصف که هنوز رزمندگان و راه کارگر از التقاط نظریات انقلابی و ضد انقلابی، رویزیونیستی و مارکسیستی کاملاً بیدار نشده و دچار تناقض هستند.

اگر رزمندگان و راه کارگر التقاط خود را بسودن ساخت واقعی ما هیت ارتجاع بشکنند

● اما پس از قیام دیگر به پیچوجه سخنی هم از مبارزه علیه امپریالیسم نمی‌توان بیان آورد. چرا که خرد بورژوازی مرفه سنتی و جناح‌های متفاوت بورژوازی متوسط که قدرت را یکسف گرفته، به نگهبانان سیستم سرمایه داری وابسته بدل شدند، دیگر به پیچوجه سخنی از مبارزه با ارتش، سیستم بیروگراسی وابسته (دولت) و سرمایه داری وابسته نبود. اکنون حاکمان در قدرت خود کمر به حفظ و حراست آن بسته بودند و بدین ترتیب سخنی هم از استقلال نمی‌توانست در میان باشد.

آنچه لنین می‌گوید یک معیار اساسی است. باید به اعمال سازمانهای سیاسی توجه داشت. نه به آنچه که ادعا میکنند. بورژوازی نیز بسیاری سخنان فریبنده دارد، رویزیونیستها هم دم از انقلاب و سوسیالیسم می‌زنند و... ولی آنچه که کمونیستها را از نمایندگان سیاسی طبقات غیر پرولتری متمایز می‌سازد، اینست که تنها در حرف خواهان رهائی زحمتکشان نیستند. بلکه به آنچه که می‌گویند، تا پای جان وفادارند. بورژوازی در هر لباسی که باشد (و از جمله در هیت رویزیونیستها) با سخنان ظاهراً فریبش می‌خواهد شده‌ها را با فریبید، بسوی خویش جذب کند و آنها را به بند بکشد و غارت و استعمار و سرکوب نماید. سخنان نشان به آرایش فاحشه‌پیری آراسته است، آزادی، استقلال، رفاه زحمتکشان، سوسیالیسم... دکانهاشی برای فریفتن توده‌هاست. یکی از مهمترین مضامین تبلیغ و ترویج ما کمونیستها نیز همین خواهد بود که دروغ بودن مواعد بورژوازی را برای توده‌ها آشکار کنیم و توده‌ها را آنچنان مجهز کنیم که در پس همه حرفها، منافع طبقاتی جریبهای سیاسی را بشناسند و به آسانی میزان وفاداری آنها را به اعمالشان، درک کنند. ما باید توده‌ها را آنچنان آموزش دهیم که به شعارهای بورژوازی (در هر لباسی) اعتنا نکنند و تابعیت طبقات دیگر را از اعمالشان و نه از حرفهایشان دریابند. غما حرف و عمل اپورتونیستها نیز بسا

میتوانند در صفوف مارکسیسم هم چنان جای داشته باشند، در غیر اینصورت در منجلابی که پیش از این اکثریت فدائیان در غلغلیدند، خواهند افتاد. ما اینک تناقض رزمندگان و راه کارگر را در برخوردشان به قدرت سیاسی آشکار می‌کنیم.

ارتجاع حاکم

"مستقل و ضد امپریالیست" است

رزمندگان معتقد است رژیم جمهوری اسلامی رژیمی است مستقل: "رژیم جمهوری اسلامی علیرغم اختلافات درونی آن سیاسی مستقل از امپریالیسم است - البته بیرون از محدوده اقتصاد دوساثل تولیدی و جنگی - (فعلات تروویزیونیستی جدائشی سیاست از اقتصاد داری نداریم. بیچاره در داخل وجه در خارج از کشور دنبال می‌نمود، و در مجموع از نظر سیاسی حکومتی غیر وابسته و مستقل از امپریالیسم را اداره می‌کند، که چنین حکومتی با سیاست "نه شرقی، نه غربی" آن برای امپریالیسم و ارتجاع منطقه تحمل نا پذیر بود. و با "این حکومت غیر وابسته که در نتیجه... وضعیت مستقل و غیر وابسته آن برای امپریالیسم تحمل نا پذیر و نا مطلوب بود" و از همه مهمتر رزمندگان معتقد است: "رژیم جمهوری اسلامی گوجه بدفاع از استقلال سیاسی ایران پرداخته... و نیز

کاژوتسکی از سیاست خرد بورژوازی ما با نه و فیلستر منشا نه نمونه‌های بیرونی مینماید و خیال میکند (و این خیال بوج راه توده‌ها تلقین مینماید)، که گویا با شعار دادن موضوع تغییر میکند. تمام تاریخ دموکراسی بورژوازی این توهم را فاش می‌سازد: دموکراسیهای بورژوازی برای فریب خلق همواره هرگونه "شعاری" را که خواسته‌هاش، داده‌اند و همواره هم خواهند داد. ولی مطلب در ایستکه ما دقت نمودن آنان تحقیق گردد گفتار را کردار مقابل شود به عبارات پر داری ابد آلیستی یا شیادانه قناعت نگردد، بلکه واقعیت طبقه‌تی مورد تفحص قرار گیرد. (لنین، انقلاب پرولتری و کاژوتسکی مرتد، تاکید از خود لنین است.)

ما با همین ملاک مارکسیستی که لنین معین میکند، می‌خواهیم گفتار رزمندگان و راه کارگر را با کردارشان بر اساسی ترین مسئله مارکسیستی یعنی قدرت سیاسی مورد تحقیق قرار دهیم و ثابت کنیم که چگونه رهبری این سازمانها، خاک به چشم هواداران نشان می‌شاند و تحلیلها نشان را که در خدمت بورژوازی است با شعارهای دروغینشان می‌بوشانند.

رزمندگان و راه کارگر بزرگ پرچمی دروغین

بدوشیوه میتوان به بورژوازی خدمت کرد.

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

«مبارزه در راه استقلال سیاسی و جلوگیری از بازگشت سلطه سیاسی امپریالیسم، نقش موثری در پیشبرد روند مبارزه طبقاتی ایران داشته و با مبارزه جهانی در جهت نابودی امپریالیسم هموست و از آنجا که بدون فدا امپریالیست بودن نمی توان از امپریالیسم استقلال داشته رزمندگان با آرایش ارتجاع حاکم دعا میکند که گویا خرده بورژوازی حاکم با سیاستهاش سد راه امپریالیسم بوده است؛ "ولی سیاستهای خاص خرده بورژوازی از قبیل "اشغال سفارت"، "برخورد به گروهکها"، "اصلاحات ارضی" و... در داخل و سیاست پان اسلامیت و حمایت از جنبش های اسلامی ضد رژیم های ارتجاعی غرب و مخالفت با حکومت های سرسپرده و مزدور امپریالیسم در خارج از ایران، سد راه تا میسر منافع سرمایه داری و امپریالیسم بود و دقیقاً همین سیاستهای خرده بورژوازی... در جهت ضدیت با منافع امپریالیسم و ارتجاع منطقه عمل کرده است." (نقل قولهای فوق از ضمیمه رزمندگان، ۳۵، دربار جنگ، ۲۰۰ آورده شده است. ضمناً همه تاکیدات از ما است) راه کارگر نیز در همین زمینه می گوید:

"حکومت اسلامی یک حکومت وابسته به امپریالیسم و دست نشاندۀ آن نیست، بلکه حکومتی است مستقل. جنگ عراق با حکومت اسلامی بیش از آنکه با حکومت اسلامی باشد، با خلق ماست. زیرا اگر در نتیجه این جنگ و از طریق این جنگ حکومت اسلامی سرنگون شود، ایران استقلال سیاسی خود را از دست خواهد داد" (راه کارگر، ۴۳، برای دفاع از میهن، تاکیدات از ما است.)

گرایش نیرومند و تشدید یافته رویزیونیستی رزمندگان و راه کارگر در درک اشتکار می شود و التقاط و دورویی شعار و عمل آنان در کجاست؟ ما در بیگار رتئوریک شماره ۱۰، در مورد تئور و تروتسکیستی - رویزیونیستی خرده بورژوازی فذ خلق - فدا امپریالیست سخن گفته ایم و اکنون بی آنکه دوباره به این بحث بپردازیم مختصراً میگوئیم که استقلال از دیدگاه کمونیستها دارای چه مفهومی است و رویزیونیستها چگونه استقلالی را تبلیغ میکنند.

مبارزه با امپریالیسم و استقلال از مبارزه با نیلیم، امری پوچ و بی معناست برخلاف ترهات رویزیونیستی، امپریالیسم در آسمان نیست و با دشنام دادن نیز نمیتوان فدا امپریالیست بود امپریالیسم همواره از طریق ارتجاع داخلی مستقر میشود و بدون مبارزه با ارتجاع داخلی سخنی هم از استقلال و یا مبارزه علیه امپریالیسم نمی توانند در میان باشد. مبارزه علیه امپریالیسم جزئی از انقلاب پرولتاریائی و جبهه جهانی سوسیالیست است و اگر چه استقلال واقعی از امپریالیسم تنها و تنها تحت رهبری طبقه کارگر امکان پذیر است، اما بدان معنا نیست که خرده بورژوازی نیز نمی تواند دست

به مبارزه علیه امپریالیسم بزند و حتی در مقطعی تا حدودی دارای استقلال سیاسی (البته ناقص و ناپیگیر) نباشد. اما چگونه؟ مبارزات خلق الجزایرتا بیرون راندن امپریالیسم فرانسه در ۱۹۶۲ تحت رهبری خرده بورژوازی انجام گرفت و الجزایر در سالهای اول انقلاب تا حدودی استقلال نیز داشت اگر چه هم اکنون بورژوازی بوروکرات وابسته به سیستم امپریالیسم جهانی بر الجزایر حکومت میکند) اما چه تفاوتی میان الجزایر آن زمان و رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد؟ مبارزه خلق الجزایر فدا امپریالیستی بود، نه بخاطر دشنام دادن به امپریالیسم و یا قطع روابط دیپلماتیک

پهلوی) ما شند سابق کارگزار امپریالیسم آمریکا نبود. اما این سرمایه داری بعینسوا عملکرد سرمایه جهانی امپریالیستی در کشورهای تحت سلطه وابسته به امپریالیسم جهانی تلقی میشود. استقلال از امپریالیسم تنها به معنای مبارزه با ارتجاع داخلی نمیتواند باشد. در حالیکه سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی تابع ارتجاع داخلی یعنی بنا بر مقتضیات سرمایه داری وابسته انجام میگیرد، دولت یک ارگان طبقاتی است و سیاستهای این دولت و بخصوص اینکه این دولت چه طبقاتی را بخاطرکند ام طبقات سزکوب میکند، ارتباط لاینفکی با این مسئله دارد که این دولت ارگان استثماری است

● اپورتونیستهایی چون راه کارگرو رزمندگان که نمی توانند واقعیت مسلم سرکوبگری رژیم جمهوری اسلامی را نفی کنند، این نکته مهم را از قلم می اندازند که این سرکوب سود کدام طبقات انجام میگیرد. آیا سیاست سرکوب انقلاب سیاست امپریالیسم جهانی نیست آیا درست در زمانی که اساسی ترین سیاست رژیم جمهوری اسلامی بر اساسی ترین سیاست امپریالیسم جهانی منطبق است میتوان سخنی هم از استقلال گفت. آیا سیاستها و مبارزاتی که با تمام قوا از سوی جمهوری اسلامی ادامه دارد، میتواند رژیم جمهوری اسلامی را مستقل نامید؟

طبقات ستمکش بود که ام طبقات استثماری است. اپورتونیستهایی چون راه کارگرو رزمندگان که نمی توانند واقعیت مسلم سرکوبگری رژیم جمهوری اسلامی را نفی کنند، این نکته مهم را از قلم می اندازند که این سرکوب سود کدام طبقات انجام میگیرد. آیا سیاست سرکوب انقلاب سیاست امپریالیسم جهانی نیست. آیا درست در زمانی که اساسی ترین سیاست رژیم جمهوری اسلامی بر اساسی ترین سیاست امپریالیسم جهانی منطبق است میتوان سخنی هم از استقلال گفت آیا زمانیکه با زسازی نهادها و ارگانهای وابسته به امپریالیسم چون سرمایه داری وابسته، ارتش و دولت با تمام قوا از سوی جمهوری اسلامی ادامه دارد. میتوان رژیم جمهوری اسلامی را مستقل نامید؟ اساسی ترین سیاستهای جمهوری اسلامی منطبق بر خواستها، نیازها و اهداف امپریالیسم جهانی است و بدین ترتیب سیاستهای جمهوری اسلامی نیز وابسته به امپریالیسم جهانی است. رژیم شاه اساساً وابسته به یک امپریالیسم بود و یک سفارتخانه سیاستها را به او دیکته میکرد، بهمین خاطر او را یک زنجیری امپریالیسم می نامیم. اکنون هنوز هیچ سفارتخانه ای سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی، بعث عراق و سوریه و... را به آنها دیکته نمی کند. اما سیاستهای این دول، از سوی ارتجاع داخلی دیکته میشود، این سیاستها در جهت حفظ و استحکام سرمایه داری وابسته است و از این جهت سیاستی وابسته به امپریالیسم تلقی میشود. جهان به دو اردوگاه متخاصم امپریالیسم و سوسیالیسم (پرولتاریائی کشورهای امپریالیستی، بقیه در صفحه ۲۰

امپریالیسم (که رژیم بعث، عیدی امین و بسیاری دیگر از مرتجعین سالها به قطع صوری روابط خود با امپریالیسم پرداخته بودند). بلکه بخاطر مبارزه با سرمایه های امپریالیسم در الجزایر بجزمبارزه مستقیم با ارتش اشغالگزار امپریالیسم فرانسه، کشور نوبنیاد الجزایر، به یه هسای امپریالیسم، یعنی فتودا لیسم فور در حمله قرار میداد بدین ترتیب سیاست این کشور نوبنیاد سیاست امپریالیسم فرانسه در تضاد قرار میگرفت. در ایران پیش از سقوط شاه خائن، خرده بورژوازی مرفه سنتی هرچند ناقص و ناپیگیر، رژیم وابسته شاه خائن را هدف قرار میداد. فرمان اعتماد عمومی او برخی نهادها و ارگانهای ارتجاعی را فلب میکرد و هر چند فیرا در ارتش برادرم است و... ارتجاع داخلی بطور کامل مورد هجوم قرار نمیگرفت. اما بهر صورت در مجموع مبارزه ناپیگیر محدود و ناقص فدا امپریالیستی از سوی رهبری خرده بورژوازی مرفه انجام میگرفت. اما پس از قیام دیگر بهیچوجه سخنی هم از مبارزه علیه امپریالیسم نمیتوان به میان آورد. چرا که خرده بورژوازی مرفه سنتی و جناحهای متفاد بورژوازی متوسط که قدرت را بکف گرفتند، به نگاهبان سیستم سرمایه داری وابسته بسدل شدند. دیگر بهیچوجه سخنی از مبارزه با ارتش، سیستم بوروکراسی وابسته (دولت) و سرمایه داری وابسته نبود. اکنون حاکمان در قدرت خود کمر به حفظ و حراست آن بسته بودند و بدین ترتیب سخن هم از استقلال نمی توانست در میان باشد. رژیم ایران که در زمان شاه خائن بطور کامل تحت سلطه امپریالیسم فاشیست آمریکا قرار داشت اینک با ضربه دیدن کارگزارانش (سلطنت

بمناسبت سی و هفتمین سال انقلاب آلبانی

آلبانی سوسیالیستی و دستاوردهای درخشان سوسیالیسم (۲)

مسار در شماره گذشته درباره انقلاب آلبانی و دستاوردهای سوسیالیسم در این کشور توضیح دادیم و مطرح نمودیم که چگونه کشوری کوچک، اما تحت هدایت مارکسیسم-لنینیسم و حزب پرولتاریا علی‌رغم محاصره همه‌جانبه امپریالیست‌ها و سوسیال‌امپریالیسم می‌تواند در راه ساختن سوسیالیسم پیروز شده باشد. به پیش‌رو در اینجا می‌کوشیم تا بخش دیگری از دستاوردهای حزب کارآلبانی را توضیح دهیم.

مبارزه علیه نپوتیسم

همان‌طور که میدانیم مارکسیسم-لنینیسم در مبارزه بیکر علیه انپوتیسم و رویونیسم و رشودیت و ناسمج‌میبدا کرد. بدون مبارزه ضد رویونیستی، پرولتاریای جهانی هرگز نمی‌توانست مبارزه برای کسب قدرت سیاسی را به پیش ببرد و سوسیالیسم می‌توانست در راه ساختن سوسیالیسم پیروز شده باشد. توانست در روسیه به قدرت برسد، اگرچنانچه مبارزه‌ستریک لنین علیه پورتونیسم انترناسیونال دوم صورت نگرفته بود. مبارزه علیه انپوتیسم و رویونیسم و وظیفه تخطی‌ناپذیری بود که آن مشخصه اساسی هر حزب کمونیست بشمار می‌آمد. حزب کارآلبانی جزو پیشگروان و لانی بود که پرچم مبارزه علیه رویونیسم مدرن را در اهتزاز نگاه داشت.

چنین‌ا‌زی‌پروزی یوگسلاوی در مبارزه علیه اشتغالگران فاشیسم تیتویبه قدرت رسید، اما سوسیالیسم به سرعت به خیانت و ارتداد در غلبتید و در نزدیکی و همگاری با امپریالیست‌های غرب به حمله علیه شوروی سوسیالیستی و رفیق استالین دست زد. حزب کارآلبانی در مقابل سوسیالیسم رویونیستی‌های خیانتکار یوگسلاوی به مبارزه قاطعی اقدام نمود، و بنحوی که خروش‌مرد در آوریل ۱۹۵۷ خطاب به رفقا انور خوجه و محمد شیخو گفت: شما در قیال رویونیستی‌های یوگسلاوی "روش غیرعینی" اتخاذ کرده و "به بزرگ‌کسردن نقاط اختلاف با آنها" برآمده‌اید و خواهان آن شدتاً "بناحق به آنها حمله نشود".

مبارزه علیه خروشچینسم

اما حزب کارآلبانی با اتکاء به مارکسیسم-لنینیسم نتوانست تنها به مبارزه علیه تیتویستی خود را ادامه دهد، بلکه مبارزه ضد رویونیستی خود را علیه خروشچینسم گسترش بخشید. رویونیستی‌های خروشچینی با پرچم دروغین و ننگین "تکامل خلقی مارکسیسم-لنینیسم"، "مبارزه علیه دگماتیسم"، "مبارزه علیه کیش شخصیت استالین" و... به

تعرض علیه دیکتاتور پرولتاریا و مارکسیسم-لنینیسم پرداختند. رویونیسم خروشچینی جزو حاکمیت طبقاتی بورژوازی نوین در شوروی چیز دیگری نبود و به همین لحاظ مبارزه‌ای گسترده جهت افشای چهره‌گریه آن امر ضروری و حیاتی بود. حزب کارآلبانی در کنار حزب کمونیست چین پرچمداران این مبارزه انقلابی بودند. ابتدا رویونیستی‌های شوروی میکوشیدند تا با شرمش حزب کارآلبانی را همراه خود بکشانند، آنان با زبردخت ۴۲۲ میلیون روبل قدیم که شوروی برادران را تا ۱۹۵۵ به آلبانی داده بود مورد "بخشش" قرار دادند. اما هدف آنان "رام کردن" کمونیستی‌های آلبانی بود. لیکن کمونیستی‌های آلبانی که به مارکسیسم-لنینیسم وفادار بودند مبارزه خود را ادامه دادند. خروشچف در آوریل ۱۹۵۷ خطاب به هیئت نمایندگان آلبانی در مسکو گفت:

"شما آلبانی‌ها طبیعتاً تندوخن و سگ‌ارست هستید، ما نمیتوانیم شما به توافق برسیم، بحث را متوقف کنیم." پرواضح است که برای رویونیستی‌های که سازش با امپریالیسم را در دستور قرار داده بودند، پایداری برآرمان کمونیسم عملی "خن و سگ‌ارستی" بود، اما کمونیستی‌های آلبانی از این اشتها مسسات نه‌را سیدند و به افشای رویونیسم همچنان ادامه دادند، زیرا بدستی معتقد بودند که "دفاع از یک‌کمی مارکسیسم-لنینیسم مبارزه بر علیه رویونیسم و تقویت هشباری در زمره وظایف اساسی حزب کارآلبانی است".

روییونیستی‌های شوروی و یوگسلاوی به تعرض پرداختند، آنها از یکسوی است‌سازش با امپریالیسم آمریکا را به پیش برده و مطرح کردند که یکسری از سردمداران ورش‌جمهور آمریکا "انسان‌های معقولی هستند" و "صمیمانه خواهان صلح و همگاری با اتحاد شوروی اند" و از سوی دیگر آنها حمله علیه حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی را گسترش بخشیدند. درکنگره حزب کارگری رومانی در بوخارست در ژوئن ۱۹۶۰، همایش‌های نمایندگی احزاب کمونیستی و کارگری شرکت نمودند. خروشچف کوشید تا حزب کمونیست چین را بی‌ثبات به نیروی اصلی جبهه کمونیستی‌های پیگیر از اردوگاه احزاب کمونیستی اخراج نماید. او میدادست که پیشرفت خط ضد انقلابی‌اش و حاکم کردن مشی کنگره-استم-ساز احزاب دیگر در گروانفرا دوفرده کمونیستی‌های پیگیر و از جمله حزب کمونیست چین است. به این

لحاظ حزب کارآلبانی بطور قاطع به دفاع از حزب کمونیست چین پرداخته و به افشای نوطه-های خروشچینی دست بازید. خروشچینی‌ها از سال ۱۹۶۰ به بعد فشارهای همه‌جانبه خود را علیه آلبانی سوسیالیستی گسترش بخشیدند. آنها ارسال کالا، تجهیزات صنعتی و نظامی به آلبانی را متوقف ساختند و از دادن گندم خودداری کردند تا مارکسیسم-لنینیسم را خفه سازند، اما کمونیست‌های آلبانی می‌کوشیدند تا هزینه بیشتر رویونیستی‌ها را افشا کرده و احزاب کمونیستی را به مرزبندی علیه خروشچینسم بکشانند. در نوامبر ۱۹۶۰ کنفرانس ۸۱ حزب کمونیستی و کارگری در مسکو تشکیل شد در این کنفرانس هیات نمایندگی آلبانی به رهبری رفیق انور خوجه به ردتزهای رویونیستی خروشچف پرداخته و مطرح نمود که "رویونیستی‌های معاشره‌انسان‌گرا ن جنبش کمونیستی و اردوگاه سوسیالیستی، حاکم‌سازان وفادار امپریالیسم و دشمنان سرخست سوسیالیسم و طبقه کارگر جز دیگری نیستند".

دستاوردهای نوین

بدین ترتیب در عرصه جنبش بین‌المللی کمونیستی و وظیفه متضاد دیکتی خط مشی رویونیستی و دیگری خط مشی کمونیستی پدیدار گشت. مبارزه کمونیستی‌ها و از جمله حزب کارآلبانی نقش‌آزنده‌ای در روشن شدن ماهیت خط مشی رویونیستی ایفا نمود، این مبارزه مارکسیسم-لنینیسم را زنده نگاه داشت و داغ تنگی برپیشانی رویونیستی‌های خروشچینی کوبید.

هنگامی که رویونیسم خروشچینی در شوروی به حاکمیت رسید، بورژوازی و ارتجاع بین‌المللی با بان سوسیالیسم و با جنبش کمونیستی را اعلام کردند، اما مارکسیسم-لنینیسم و احزاب کمونیستی از جمله حزب کارآلبانی در برابر خصمانک ترین توفان غذا نقلاسی بورژوازی جهانی و رویونیسم ایستادگی کردند. رویونیسم خروشچینی - برزخنی فریه مهلکی بر بیکر جنبش جهانی کمونیستی وارد آورد، به نحوی که یکسلسله از کشورهای سابقا سوسیالیستی به اردوگاه سرما به پیوسته، یک سلسله از احزاب و سازمانها به مراد با رویونیسم و پورتونیسم در غلبتید و انحلال طلبان بر حفسند تسلیم را بلند کردند، اما محنتا نکه لنین پس از انشعاب انترناسیونال دوم، جنبش جهانی پرولتاریا را به پیش راند، پس از خیانت رویونیستی‌های خروشچینی، کمونیستی‌های کبیرو از جمله حزب کارآلبانی پرچم سرخ کمونیسم را در اهتزاز نگاه داشتند و پرولتاریا و خلقهای جهان را ه‌گسرد خود متحد ساختند.

در تداوم این مبارزه بود که کمونیستی‌های آلبانی به همراه حزب کمونیست چین علیه سوسیالیسم امپریالیسم شوروی مبارزه درخشانسی را به پیش بردند، اگرچه این مبارزه از عمق همه‌جانبه‌ای برخوردار نشود، اما چهره مکارانگی



اخراج ۳۰ کارگر در کارخانه سپیمان سپاهان اصفهان

دست‌انگشت‌ها را بر سر کارگران در این حمله خود-داری کشید، ولی حدود ۴۰۰ نفر از کارگران در آتشی شایسته جمع شده و به سخنان امثال گراسه کارگران اجزای کوبان دادند. (فرار است گرسنه ۱۸۴ نفر دیگر در فرصت بعدی اجزای کشند) مدترعا مل در این جلسه از طرف کارکنان و کارگران به پرسوال کشیده می‌شود و چون اوضاع را وحشی می‌بیند این کشیدن است که با عدد در جلسه "اسمی" کارخانه "ترک کشند اس" را ترک می‌کند، گداس عمل مورد اعتراض قرار می‌گیرد. ظهر همین روز کارگران اطلاع پیدا می‌کنند که دو نفر از کمیته کارگری، به ما آمده است و سارا و کنفرانس ما سارا را زربین شهر مسئول سوسی حکم اجزای بودند. کارگران اجزای برای بازگشت مبارزه خود ادامه می‌دهند.

حدی بیش ۳۰ نفر از کارگران کارخانه سپیمان ساها را امضای، اجزای مسود، اس عمل بوسله کمیته کارگری و مدترعا مل صورت می‌گیرد. این کارگران را محرم کشکاری اجزای می‌کشند. و می کارگران (۳۰ نفر اجزای) را اس امرا حرم مسود، به دور یک جمع شده و ساس کمیته کارگری و دیگر عا صروا بسره را برای کارگران امضا می‌کنند. مدترعا مل کارخانه اسکار و حمره مسود ۲ نفر از کمیته کارگری سرکه در آن حوالی بودند به فرار می‌کنند. روز بعد همان ۳۰ نفر در مدترعا مل هجوم برده و خواها را بارت بکار می‌سوسند. بالاخره فرار مسود که در اس آتقی سنا سسر کارخانه جلسه ای با شرکت مدترعا مل برگزار می‌سود تا کارآنها رسیدگی شود. مدترعا مل سعی

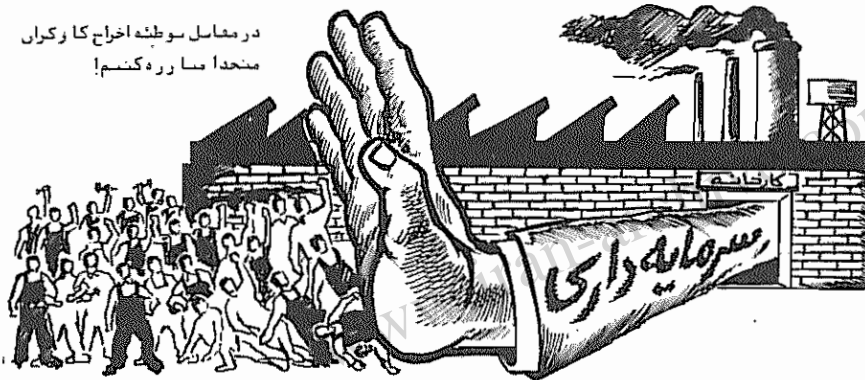
کارگران تولیدارو از پرداخت پول برای جنگ ارتجاعی کنونی خودداری کردند!

چندی پیش در کارخانه تولید ارو اطلاعاتی به تابلو اعلانات زده می‌شود که در آن از کارگران می‌خواهند، هر کس حاضر است، تا آخر سال ۵۹ هر ماه یک روز از حقوق خود را به "جنگ ردگان" بدهد اسم خود را بنویسد. اس کار مورد مخالفت اکثر کارگران قرار می‌گیرد و حاضرین انجام اس کار نمی‌شوند. کارگران همگی می‌کشند که "هرسه و خرج این جنگ را ما باید بدهیم"، "حنگی که به نفع سرمایه داران است". در ضمن مثلا یک روز از حقوق را کم کرده اند، بدون اس که ما بدانیم آن را به چه مصرفی رسانده اند.

قطع ناهار در کارخانه‌ها، تحمیل فشار جنگ بردوش کارگران

چندی پیش در کارخانه سارا (حاده کرج) که نهار روضخانه ۱۰ الی ۲۰ ریال فروخته می‌شد قرار شده که قطع شود و بجای نهار سبزی می‌دهند. این امر نیز در کارخانه سارا نیز جمله کارخانه تولید بلایستی از چند هفته پیش به اجراء آمده است. دریم فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ را بیش از همه کارگران و رحمت کشان وارد می‌کنند و از آنها می‌خواهند که بولند را افزایش دهند و در همان زمان از حقوق و خوراک و پوشاکشان مسزندان. محارح جنگ ارتجاعی کنونی را تا میس کشند. کارگران باید علیه جنگ ارتجاعی کنونی و فشارهای ناشی از آن که سسر آنان تحمیل می‌سود مبارزه کنند.

در مقابل بوطنه اجزای کارگران
منحدا مبارزه کنیم!



تبعید و اخراج در کمرب شهربار و مبارزه کارگران

احسن اسلامی را مورد درخواست قرار می‌دهند و می‌گویند: "اگر ما بکشیم ما را چه کسی اصحاب کرده است؟" حالت است بدنامی که "اللبناری" رئیس احسن اسلامی در گذشته هنگامی که کارگران بر علیه رژیم حاکم مبارزه می‌کردند، می‌گفت: "ما بصوابا رسیم بپهلوی در سمسند" [و حالا! انقلابی دوآ به "بده اسه اللبناری زمانه که مسوجه خم و نعره کارگران مسود می‌کشند ما سوه همسکی اس بوکران بر ما نه داران، به نعره افکنی در س کارگران سردارد، اما ما هوساری کارگران سوس به سکت منحورده، مدترعا مل وانحن اسلامی که کوبا فرار سود ۵۴ نفر را اجزای کشند، در مقابل اسحاد کارگران مسلم مسود، کارگران سبه ساره خود برای بازگرداندن کارگران اجزای ادامه می‌دهند.

حدود دو ماه قبل از ما سکه کارگران کمرب شهربار مسوجه می‌شد که غیر مسلمی که هر مساد از حقوقشان برای ایجاد شرکت ساری کسر مسود، هور حمری از آن سب و سافای کارگران برای سارا بده کرده مسود ما رده مدترعا مل شرکت (علیحانی) تعدادی در سوسپای آسپارانه شرکت واچندده، سب سکم کاری رند، اما مدترعا مل و احسن اسلامی، بحای رسیدگی به حواسب - های سرح کارگران، سمسند حبار نرفرا راز ساسها به جرعه کس و اجزای ۴ نفر از افراد مبارز سوده روز ۵۹/۷/۳۰ حکم آن را در سوسوار سرتک سبب بدهد، اس عمل ساعمران و حمر کارگران مواچ کرده، آسپا سسکل مجمع عمومی مسردارد ولی علیحانی که از احادو همسکی کارگران به وحش امضا سوده، در اس جلسه شرکت می‌کشند. کارگران رئیس واعضای

اضافه کاری کارگران تراکتور سازی تبریز

چندی پیش وزارت کار طی بخشنامه‌ای اضافه کاری را برای کارگران مدفن کرده است. ولی هیات مدیره کارخانه تراکتور سازی تبریز کارگران را (بدون امضا سمسرد) به کار سسر وادار می‌کند، بطوریکه رورهای سسسه و جمعه و روزهای سعطیل کارگران ساید کار کشند. و هر کارگری نسبت به این موضوع اعتراض سانس نهیده به اجزای مسود. اس موضوع کارگران را سسندت بکران کرده است.

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

رویزونیستهای فدائی (اکثریت) به دفاع از سرمایه داری دولتی برمیخیزند! (۲)

مروری بر مبارزات کارگران چیت ری و موضعگیری فدائیان (اکثریت)

است که همیشه متکی بر گروهی از سرمایه داران و اسما رگران هستند. آنها از آنجا شبکه نه به توده ها ایمان دارند و نه مدافع منافع توده ها هستند، در میان سرمایه داران بدنبال سرمایه داران "خوب" هستند تا نوکری آنان را نکنند. در صورتیکه کمونیستها همواره آنچه برایشان اهمیت دارد منافع طبقه کارگر و سرمایه داران است. کمونیستها، دفاع از منافع طبقه کارگر و خلق را وظیفه خود میدانند، نه مانند رویزونیستها، دفاع از منافع گروهی از استثمارگران! بنا بر این در کارخانه چیت ری ما مبنای حرکت خود را نه دفاع از "شورا" قلابی و نه حمایت از "دولت" و ارتجاعی، بلکه دفاع از منافع کارگران قرار دادیم که در شرایط فوق، لازمه اش خارج کردن کارگران از سرگرمایی بین دوشبوری ارتجاعی و هدایت آنها به مسیر درست مبارزاتیشان، با ایحاء دوشورای واقعی خود بود. اما رویزونیستهای "اکثریت" به دفاع از استثمارگران "بنیاد"، در مقابل استثمارگران "گورن" برده ختنه، آنها ما را "آنا رشیست" خوانده و میگویند که بین استثمارگران "بنیاد" و "گورسها" فرقی نمیگذارد و خود تحت پوشش حمله به منافع "گورسها" و اینکه اینها سرمایه داران وابسته و حامیان رژیم شاه بوده اند، در واقع حمایت خود را از استثمارگران "بنیاد" توجیه میکنند. در صورتیکه اولاً، تا زمانی که اکثر کارگران نسبت به شورای قلابی توهم داشتند،

در شماره گذشته سررسی روند مبارزات کارگران چیت ری در سردار قسام، برداختیم و دیدیم که چگونه دوشبوری ارتجاعی، یکی "شورا" و در رأس آن شخصی ستام واتی متکی بر توهم کارگران، و دیگری "سناد مستضعفین" متکی بر قدرت دولتی، برای کسب قدرت در کارخانه، به رقابت با یکدیگر پرداختند و در این میان چیزی که احلا بر اساس مطرح نمود، خواسته ها و منافع کارگران بود. به همین دلیل کار به آنجا رسید که توده کارگران بین این دو دوشبوری ارتجاعی سرگردان مانده و نمی دانستند چگونه باید برای مطالباتشان مبارزه کنند. بنا بر این تا کتیک صحیح کمونیستها و نیروهای انقلابی در این شرایط اهمیت بسیاری داشت و ما تا کتیک صحیح چه بود؟

بگانه شعرا و صحیح و اصولی تحت شرایط مذکور، شعار: "شورای قلابی، نه بنیاد دولتی، یک شورای واقعی" بود که از جانب رفقای ما طرح و تبلیغ میگردید. این شعار علاوه بر آنکه به افشای هر دو دوشبوری فدکا رگری کارخانه می پرداخت، راه اصولی ادامه مبارزه کارگران و در واقع شق سوم را مطرح میکرد، که همانا ایجاد تشکیلات مستقل و واقعی کارگران (شورای واقعی) بود. ما برخلاف رویزونیستهای "اکثریت"، استثمارگران را سه بدو "خوب" تقسیم نمی کنیم، تا آنکه از استثمارگر "خوب" در مقابل استثمارگر بد، دفاع کنیم! این شیوه رویزونیستها و تمامی خائنین به طبقه کارگر

کلی صدمه وارد میشود! و بعد از خواندن چند آیه و مدتی کلی بافی درباره جنگ... گفتند که میخواهد به سوالات احتمالی کارگران پاسخ گوید و سپس با اشاره به سابقه ای که گویا در کارخانه دخیل شده اند مبنی بر اینکه آنها میخواهند خسرو را رهبری کنند، بکلی گویی راجع به مالکیت در اسلام پرداخت و ما لاخره معلوم شد که این "نایب" درست هستند! در مورد "شورا" هم نظر داد که گویا فقط مسائست مشورتی باشد و نه اینکه در کارها دخالت کند. او اشاره کرده است که شورای کارمندان "خوراک" چون در کارها دخالت مسخره و غیر فاضلی (!) بود منحل گردیده است، "مفیدی" بر ضرورت تشکیل انجمن اسلامی تاکید نموده و وعده با لایردن سطح "آگاهی" مکنی کارگران "را مبداء" آنگاه شروع به تهنیت کارگران نمود و گفت که هرگونه توطئه ای (در واقع هم مبارزه ای را شدت سرکوب خواهد کرد و سپس به معرفی سابقه خود و همکارانش پرداخت که چند سال در خارج بوده اند و چ...

کلی صدمه وارد میشود! و بعد از خواندن چند آیه و مدتی کلی بافی درباره جنگ... گفتند که میخواهد به سوالات احتمالی کارگران پاسخ گوید و سپس با اشاره به سابقه ای که گویا در کارخانه دخیل شده اند مبنی بر اینکه آنها میخواهند خسرو را رهبری کنند، بکلی گویی راجع به مالکیت در اسلام پرداخت و ما لاخره معلوم شد که این "نایب" درست هستند! در مورد "شورا" هم نظر داد که گویا فقط مسائست مشورتی باشد و نه اینکه در کارها دخالت کند. او اشاره کرده است که شورای کارمندان "خوراک" چون در کارها دخالت مسخره و غیر فاضلی (!) بود منحل گردیده است، "مفیدی" بر ضرورت تشکیل انجمن اسلامی تاکید نموده و وعده با لایردن سطح "آگاهی" مکنی کارگران "را مبداء" آنگاه شروع به تهنیت کارگران نمود و گفت که هرگونه توطئه ای (در واقع هم مبارزه ای را شدت سرکوب خواهد کرد و سپس به معرفی سابقه خود و همکارانش پرداخت که چند سال در خارج بوده اند و چ...

بقیه از صفحه ۳ گزارشی...
آنجا شبکه اخراج این سه مزدور کارفرما همرا با افشای آنها و ارائه مدرک و سند نمود، شخصی از کارگران تحت تاثیر مزدوران کارفرما قرار گرفته و خواهان بازگشت این سه تن بود. هشت مدیره با اخراج چند تن از ساواکی های ساخته شده توانست موقتا قضیه را فسلده دهد. اما اعمال هیئت مدیره (فلا این هیئت مدیره ما هیئت فدکا رگری خود را ساواکسان داده بود) که فقط بیانشکر قات دودسته مدکا رگری بود، موجب بروز شوهر در میان کارگران مبارز و مترقی گردید که در نتیجه مدتی از هیئت مدیره حمایت کردند و این امر خود موجب به تعویق افتادن انتخابات شورا و کم شدن نفوذ کارگران مبارز در میان سایر کارگران گردید.
از طرف دیگر افرا داخراجی با متوسل شدن به حزب جمهوری اسلامی، تدارک حمله به هیئت مدیره را میدیدند. با آغاز شدت یابی جنگ ایران و عراق، ذهن کارگران از مبارزات صنفی - سیاسیشان دورگشته و توهمشان نسبت به رژیم افزایش یافت. هیئت مدیره اگر چه با جمع آوری کمک و درو برای جبهه سعی کرد از این فرصت بیش آمده حداکثر استفاده را در جهت تبعیت خود بکند، ولی دیری نپایید که خود طعمه جنگ شد! هفته اول آبان مشخص شد که از طرف وزارت صنایع ملی ظاهرا بدون هیچ دلیلی، هیئت مدیره جدیدی برای کارخانه تعیین میشود. بعد از معلوم میشود که عناصرا خراجی بکمک حزب و احتمالا شجونی نماینده کرج در مجلس و آیت الله موسوی اردبیلی که با خسرو شاهی روابط خوبی دارد، موفق به انجام اینکار میشوند. البته انتخاب "نعمت زاده" (ما صاحب کارخانه استیموس) بعنوان وزیر صنایع و معادن، که وابسته به حزب جمهوری اسلامی است، در پیشبرد این امر و کلا قدرتیابی عناصرا وابسته به حزب در کارخانه تاجات، موثر بوده است.

کارگران هر چند از هیئت مدیره قبلی دل خوشی نداشتند ولی از اینکه میدیدند آشکارا دست آورد مبارزاتی آنها یعنی حق انتخاب سه نفر از هیئت مدیره را از آنها میگیرند، خشمگین بودند. هیئت مدیره قبلی با ردیگر ما هیئت لیبرالی خود را نشان داد و بدون هیچ گونه اعتراضی بزدلی و ترس خود را نشان داد و رفت.
هیئت مدیره جدید برای تثبیت موقعیت خود روز یکشنبه ۱۱ آبان یک مجمع عمومی تشکیل داد. البته قبلا مجمعی از کلیه سرپرستان تشکیل داده و آنها را دلگرم کرده و حمایتشان را جلب نموده بود.
در مجمع عمومی "تراب مفیدی" بعنوان رئیس و سخنگوی هیئت مدیره جدید به تریبون رفته و از همان ابتدا ما هیئت فدکا رگری خود را با انتقاد از زبیر آمدن کارگران، نشان داد. او گفت: این تاخیرها اگر موقع نماز جماعت کیه میخواهم بر گزار کنیم تکرار شوند، سه توبیله

رفقای ما "شورا" را خطر عمده تشخیص داده و آنرا بیشتر افشا می‌کردند، ناشناخته‌ها را هم منظور می‌کردیم مسئله مهم اینست که اتکاء ما به توده‌ها با شدت و متناهی آنها دفاع کنیم نه اینکه ما نند "قداشیا" اکثریت "متکی بر سرمایه‌داران و مدافع منافع آنها باشیم، برای طبقه کارگر و تفرقات نمی‌کنند که سوسیله "گورسها" استعمار میشود یا سوسیله "بنیاد" مهم اینست که بعد از به اصطلاح "ملی" شدن کارخان و آمدن "بنیاد" ما به زهم ما نند سا بسبق کارگران استعمار میشوند و حتی اگر شدت استعمارشان بیشتر نشده باشد، کمتر هم نشده است اینک رژیم جمهوری اسلامی برای فریب توده‌ها و موجه جلوه دادن خود، تمایح موسسات و کارخانجات را "ملی" کردن جا میزند، در اصل مسئله هیچگونه تغییری نداشته است. با دیدیم که لکیت کارخان ندر دست چه طبقه‌ای است اینک شکل اسن مالکیت چگونه باشد اهمیت ندارد. بنابر اسن "ملی" کردن کارخانه (یعنی دولتی کردن آن) توسط دولت سرمایه‌داری، ما هیت استعمار کارگران را نمی‌پوشاند و به همین دلیل "مما دره ملی کردن" کارخانه توسط "بنیاد" به هیچوجه جنبه انقلابی نداشته و ندارد.

ما رویزونیستهای "اکثریت" ادعا میکنند: "این اقدام" (مما دره ملی کردن) از آنجا که منطبق بر منافع و تمایلات توده کارگران کارخانه بود (؟) با استقبال آنان مواج شد. (کا رسرایی شماره ۸۰ صفحه ۶). و با زسی - نویسنده: "مما دره ملی کردن کارخانه و اعلام انحلال شورا توسط "بنیاد" مستضعفین بوده که میارزات پیگیرانه کارگران جیت درحفظ و تثبیت این دستاورد انقلابی (خلع پیدا ز سرمایه دار در کارخانه) از مهمترین تحولات مبارزاتی در جنبش کارگری ایران محسوب میشود. (همانجا) رویزونیستهای "اکثریت" که واقعبین - خلاف منافعشان (که همان منافع سرمایه‌داران و رژیم است) حکم میراند، تصمیم به انگار واقعبین و تحریف آن میگیرند:

اولا - گفتیم که عمل "مما دره ملی کردن" کارخانه فقط در جهت عوا مفریبی و کسب مالکیت کارخانه توسط "بنیاد" بوده و هیچگونه تغییری در استعمار کارگران نداشته و آنها کما کمان و حشیا نه استعمار میشوند. بنابر اسن روشن است که این عمل نه "منطبق بر منافع" کارگران بوده و نه منطبق بر "تمایلات" آنها.

ثانیا - بعد از دستگیری "سماواتی" و انصباب ساواکی به او، "بنیاد" برای یکدوره به سرکوب طرفداران "شورا" پرداخت، تا جایی که آنها را مایوس و ساکت کرد. بعد از این زمان "بنیاد" با اتکاء بر روشهایی که هدفش نفوذ در میان کارگران بود، توانست بتدریج پایسه کسب کند. البته در این شرایط، کارگران که طی یکدوره منازعه تجربیات بسیاری کسب کرده بودند، بسیار محتاطانه با "بنیاد" برخورد می‌کردند. از کارگران که تحت تاثیر

ها بیهوی مهندس ترجمان (رئیس بنیاد) قرار گرفته بودند، مدتی دچار این توهم شدند که تکنداسن آقای ترجمان که آنقدر با کورسها مخالف است، طرفدار کارگران باشد. ما خیلی زود دریا فتنده که این یکی هم در استعمار کارگران دست کمی از آن یکی ندارد و بقول معروف، "سگ زرد برادر شغال است!" کارگران در مبارزات بعدیشان بخوبی این واقعبینان را نشان دادند (وما به آنها اشاره خواهیم کرد). ما رویزونیستهای "اکثریت" مدعی "استقبال" کارگران از امر "مما دره ملی کردن" میشوند. آنها به اینهم اکتفا نکرده و کلا مبارزات کارگران را در جهت "حفظ و تثبیت این دستاورد انقلابی" (!) وانمود کرده و "ملی" کردن کارخانه توسط "بنیاد" را "قطع بد ز سرمایه‌دار" مینامند! اینگونه تحریفها فقط از عهده رویزونیستهای برمی آید.

آنها برای دفاع از منافع سرمایه‌داران (و در اینجا دفاع از "بنیاد" و رژیم) و موجه جلوه دادن خیانت خود به کارگران، به آنجنان شیوه‌هایی شیدا نه و دلگشا را نه متوسل میشوند که روز را شب و شب را روز جلوه میدهند. اگر آقایان "اکثریتی" در کارخانه با کارگران صحبت میکردند، به خوبی میفهمیدند که کارگران تا چه حد از "بنیاد" و رئیسش در کارخانه مهندس ترجمان، متنفرند. لابد بخاطر آنکه وقت تلف نشود و تولید کارهاش پیدا نکند، آقایان رویزونیست، فرصت پیدا نکرده اند با کارگران صحبت کنند؟! ولی لاقبل میتوانستند در رویزونیستهای کارخانه هنگام گفتگو با کارگران واقعبین را دریا بینند. مسئله این نیست که "اکثریتی" ها خواسته‌ها و گفته‌های کارگران را نمی‌دانند، بلکه مسئله اینست که منافع طبقاتی این "آقایان" ابحا می‌کنند که از منافع سرمایه‌داران (بنیاد) و رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، دفاع نمایند. رویزونیستهای "اکثریت" که "بنیاد" را مترقی و ما دره کارخانه توسط آنرا "افسندام انقلابی" جلوه میدهند، با پدیداری کارگران روشن کنند که "بنیاد" چه نوع مناسباتی را در کارخانه

با ساداری میکند؟ و چه نوع مالکیتی سرکارخانه اعمال میشود؟ آیا بجز مالکیت سرمایه‌داران و مناسبات سرمایه‌داری در کارخانه وجود دارد؟ از این گذشته آیا "بنیاد" حتی قدمی هم در جهت کاهش استعمار کارگران برداشته است؟ (که نازه سرداشتن چنین گامهایی هم جز انجام با راهی اطلاعات نخواهد بود تا حد رسیده "اقدام انقلابی") روشن است که خیر! ضد

کارگری بودن "بنیاد" و پاسداری آن از مناسبات سرمایه‌داری چنان واضح است که حتی کارگران نا آگاه که ما هیت امرکا ملا برایشان روشن نیست، از روی اقدامات ضد کارگری فراوانی که در این مدت توسط "بنیاد" انجام گرفته، بهی به ما هیت ضد کارگری و سرمایه‌داران آن برده اند. برای نمونه به چند مورد از این اقدامات که موجب خشم و نفرت توده کارگران گردیده اشاره میکنیم:

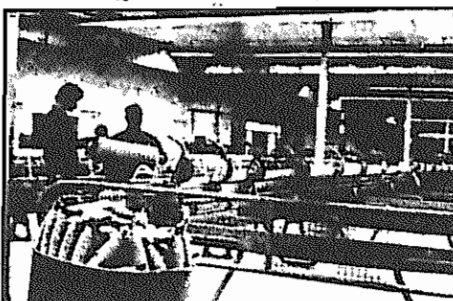
۱- برای انداختن دعوا و جابجایی قبل از عید، بمنظور لغو سود ویژه
۲- انتشار اعلامیه‌ها و بیخنا مه‌های ضد کارگری که در آنها کارگران را جهت استعمار بیشتر، تحت فشار قرار داده اند (از جمله مقررات انضباطی شده در مورد غیبت، خارج شدن از سالن برای شپا روشا مویا گرفتن اجازه برای رفتن به شرکت شاعونی یا مرخصی که میبایست موجب رضایت سرکارگر، سرپرست و رئیس سالن را فراهم نمود...)

۳- سرگردانن افراد دانشی چون "شرابی" و "خان محمدی" که قبلا با مبارزه کارگران اخراج شده بودند
۴- جلوگیری از تعطیل کارخانه حتی در اوقات تعطیلات رسمی، بعنوان نمونه: یکی از افتخارات مهندس ترجمان اینست که در روز ۱۷ شهریور که ۹۹٪ کارخانجات تعطیل بود، کارخانه چیت ری همچنان کار میکرد. با در روزهای ماه رمضان که ساعت کار رهمه کارخانجات نیم ساعت کم شده بود و حتی بعضی جاها دوروز در هفته تعطیل میکردند، کارخانه به روال سابق کار میکرد. همچنین در ایام جنگ که ساعت کار شبانه کارخانه کم شده بود، کارگران این کارخانه بطابق معمول کار میکردند. و زمانی که کارگران دست به اعتصاب زده و ساعت بعد از ظهر کارخانه را تعطیل کرده و به خانه‌ها می‌پشتان رفته بودند، ترجمان به اخراج عده‌ای از آنها پرداخت که بعلت مقاومت کارگران مجبور به برگرداندن آنها به سرکار گردید.

آری، اقدامات ضد کارگری "بنیاد" که ناشی از ما هیت ضد کارگری آنست، بقدری زیاد است که حتی توده کارگران را هم به مخالفت با آن سوق داده است و این علی رغم تمام تبلیغات و عوا مفریبی‌هایی است که "بنیاد" بکمک رژیم پراها نداخته و در این امر (یعنی تطهیر بنیاد) رویزونیستهای "اکثریت" نیز سنگ تمام گذاشته اند.

رویزونیستها که حرفه‌شان خیانت به خلق و جاکری بورژوازی است، برای پیشبرد مقاصدشان به چنان شیوه‌های تحریف آمیز و قبحانه‌ای متوسل میشوند که بقول آموزگار کبیر طبقه کارگر، رفیق لنین:

"در دفاع از منافع سرمایه‌داران از خود بورژوازی هم بهتر عمل میکنند! و با بدافعه کرده بعلت پیوند تنگ تنگی که بین رویزونیستها و بورژوازی وجود دارد، سرنوشت واحدی هم در انتظار هردوست و آنهم افکنده شدن آنها توسط زحمتکشان به زباله‌دانی تاریخ!



آوارگان جنگ: از دیروز تا امروز چه فرقی کرده اند؟

جنگی ارتجاعی در گرفت و سرمایه داران عراقی و ایرانی جهنمی برافروختند و توده های زحمتکش را با صد حیل و ترفند و وعده بهشت، همچون هیزم به درون آن کوره جنتایتکا را نه ریختند و چسبه خسارتهای هنگفت گه بیبا آردند. ده ها هزار تن از توده ها بقیمت آوارگی جان خود را خریدند و راهی شهرها و بیابانهای دیگر شدند.

سران رژیم جمهوری اسلامی که گوش فلک را مزورانه با فریادهای حمایت از مستضعفین گس کرده بودند، زحمتکشان را آواره و مصیبت زده را، "ضد انقلاب" خواندند و فتوا دادند، که کسی با آنها معامله نکند، به آنها مسکن ندهد، به آنها تسلیح ندهد و سرگرفت زنده را زیت اللله دستگیر شیراز بگیرد تا ما جمعه تهران و با لاف زده آیت - الله خمینی موضعشان همین بود.

اما کمونیستهای راستین بیگانه نبودند. آنها ما هیت ارتجاعی جنگ را افشا کردند، برده های توهمن را در بند و از موضع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، جنگ افروزان و هدفهای ضد - خلقی آنها را افشا کردند و "مخ حنایتکاران را در حین ارتکاب جرم" گرفتند. سازمان مادران موضع فعالترین نیرو بود. رفقای مادر خوزستان در حمایت از جنگ زدگان، و رفقای مادر شیراز لرستان فعالانه به حمایت از آوارگان و بیخانمان رژیم عده ای از رفقای ما را در خوزستان تشر - با را ن کرده و فارس به زندان انداخت و شکنجه کرد و حالا بر ضد رفقای ما و سازمان ما خط و نشان میکشد، دندان قروچه میسود، ما را "آمریکائی (!)" میخواند و فردی بنام دکترا نمی که فرما ننده سپاه پاسداران فارس است بنحو محضکی از تصفیه آوارگان "سخن میگوید! و برای رفقای اسیر

(هوادران سازمان درشیراز)، دادگاه انقلاب زمان جنگ را تدارک می بیند (کسیان ۴ آذر ماه) براستی چرا چنین میکنند؟

مشتاسن آقاسان و سرکردگان نشان سسسی توده ها با زنده رفقای کمونیست ما توانسته اند اولین ضربه فاشگرا را در این رابطه به آنها بزنند و با فضای "دستگیرت" و امثال او رژیم جمهوری اسلامی دشمنان خلق را رسوا کرده اند. رفقای ما با آوارگان جوش خورده اند، چرا که خود را از آنها میداند و آوارگان هم فرزندان انقلابی خود را خوب میشناسند.

هماکنون در نتیجه مبارزات مردم ما هیت ارتجاعی جنگ و نقش آگاهگران کمونیستهای راستین، به ویژه رفقای ما، رژیم "غلطی" که کرده بود آگاهی یافته میگویند خنثیای عراقی خود را مخفی بنما بد. امروز دیگر همه حضرات تکرار میکنند که: "آر سیب دیدگان و آوارگان بخوبی با بدحما بت سود، در اینجا دو نکته وجود دارد: اولاً سیاست جدید رژیم جزعوا مغربی جز دیگری نیست، ما هیت رژیم عوض نشده این رژیم همان رژیمی است که توده های جنگ زده را ضد - انقلابی خواند. این رژیم بنا به ما هیت خود نده دیروز برای آوارگان کار میکرد و نده امروز می تواند کاری انجام دهد، براستی آوارگان از دیروز تا امروز چه فرقی کرده اند که دیروز با "مجازات" شدند، ولی امروز با آزارها محبت کرد؟ دیگر سنگه از نظر آقاسان رهبران رژیم جمهوری اسلامی، حناست را اگر "درجا" افسا کردی "آمریکائی" هستی و اگر بی از هزاران مرگ - و میرونا سودی و خانه خرابی به "غلط کردم" افتادی، آنوقت مسئوی "مکنسی" دو آتش زهی سیشرمی!

★ ★ ★

آوارگان در مبارزه

نظارات جنگ زدگان در تهران

ساعت ۳/۳۰ بعد از ظهر سه شنبه ۲۴ آبان ماه جمعی از آوارگان جنگ زده که افراد مسن هم در میان آنها دیده میشد پس از اعدام رسیده مسئولین وزارت کشور به خواسته های آنها دست به یک راهبیمائی زدند و از طریق خیابان حافظ بسوی شمال حرکت کردند. اغلب آنها جنگ - زدگان خوزستانی بودند در سویی تطاهر کنندگان اتومبیلهای پاسداران حرکت میکردند و با بلند - گوازانها میخواستند که برآکنده بشوند و لسی نمره های گوشخراش این مزدوران سرمایه ددر فریادهای خشم توده های آواره جنگ ارتجاعی کنونی، کم میشد، آنها با قدرت زبا دشمار میدادند که:

"کمک به آوارگان هیش دروغه - گرسنگی، بی - مکنسی اینست شعرا ر جنگ زده" ...

راهبیمائی این توده های جنگ زده بیبا پشتیبانی و استقبال مردم و مفا زه داران طول مسر مواجه بود یکی از دکانداران با اشاره به اتومبیل بزرگ و آمریکا شای پاسداران گفت: "چطور برای اینها سزین فراوان است؟! آوارگان جنگ بهنگام گذشتن از کنار "جا در امداد" میدان حسن آبا دبا مشتبه ای گره کرده به سوی جادرو با فریادهای رسا، نفرت و بیسزاری خود را از جنگ ارتجاعی و خانمان برانداز کنونی نشان دادند.

سفر مقاله ...

چگونه میتوانیم مذاکره خود را عراقی را بسزای توده ها نوحه سازد؟ بهیمن ترتیب رژیم عراقی که جنگ را با سبایا طر بر هم زدن فرا داد ۱۹۷۵ و کسب موضع قویتر در دهانه خلیج و شط العرب با آغا ز نموده و هم اکنون نه تنها بر این نقاط بلکه به مناطق استراتژیک دیگری نزدیک است با فتنه است، چگونه میتوانند، بدون آنکه طرف مقابل را وادار به سدرش خواسته های خود نماید، جنگ و عوارض مصیبت با آن را برای مردم عراقی توجیه نماید.

اما در زمان خواسته های طرفین و حیات سیاسی هر دو رژیم که در صورت دادا مه دراز - مدت جنگ و رشدنا رضائی توده ها به خاطر محدودی خواهد افتاد آنجا کوشش دارند که بهتر ترتیب که شده و با عقب نشینی طرفین از هدفها و مواضعی که در ابتدای جنگ از آن دم میزدند، تن به مذاکره داده و حیات سیاسی رژیم خود را حفظ نمایند. امیراللیستها نیز چنین هدفی را دنبال میکنند و مافع آنها احباب میکنند که از گسرتن وادامه جنگ ایران و عراقی و سقوط رژیمهای هر دو کشور جلوگیری کنند و آنرا - مذاکره "سرا فمندا نه" فرا خوانند.

اما کارگران، زحمتکشان و خلقهای هر دو کشور ایران و عراقی، که تحت ستم و استعمار این رژیمها و امیراللیستها سر میسرنند و در خلال جنگ نمای فتنارومما نشان را بر دوش خود حمل کرده اند، فارغ از آنکه امیراللیستها و رژیمهای حاکم بر دو کشور ایران و عراقی برای آنها نذارک دیده اند، به مبارزه خود علیه این رژیمها و امیراللیستها ادامه میدهند. برای بسیاری از توده ها از هم اکنون روشن است و در آینده با زهر روشن تر میشود که سوزواری این کشورها، از آنجا که در مقابل انقلاب توده ها قرار میگیرند، بناگزیر برای حفظ خود علیه رژیم تمام اختلافاتی که با یکدیگر دارند، تن به مصالحه و سازش داده و قاطعانه سرگوب توده ها را در پیش میکنند.

این روند احتیاج بنا بذرات و ناخاکه به ایران سر میگردند هم اکنون بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر حاکم و مشکلات و مفا شای از جنگ که بر شدت این بحران افزوده است، زمینه را برای رشد هر چه سخت تر نا رضائی ها و فرو ریختن توهمن توده ها فراهم ساخته و جنبش وسیع اعتراضی توده ها را که هم اکنون شا هد پلاشه های آن هتیم بدنیال خواهد ساخت، در عراق نیز کم و بیش وضع از همین قرار است. در این میان، وظیفه کمونیستهاست که با فعالیت و گاروسیع آگاهگران خود با دامن زدن به حرکت اعتراضی توده ها و هدایت، ارتقا، و تشکل مبارزات آنها نقش خود را در رشد و گسرتن جنبش توده ای وسر - انخا مفا سودی رژیمهای حاکم بر هر دو کشور ایران و عراقی تحت رهبری سرولتا را افسا نموده و پرچم نگو همنده جمهوری دمکراتیک خلق را در هر دو کشور به اهتزاز در آورند.



اخبار ومسائل جهانی

رویزونیستهای چینی و سیاستهای جدید آنان

مبارک ۷۹ درمیان درمیان روسیونیستی
جهانگرد "سوشیسم"

"المنبر" را سبب میسر و حلال در جهان
سرما به داری و اینجا دنیا است برای سوشیسم
در عرصه بین المللی این احتمال وجود
دارد که حسن در پی یک بلوک سدی جدید
سازند و رابطه برای تا بین مباح خود در
کنار روسان امیرالسلیم سر فرار کنند
به ما در دگرمانا چین با شوروی بر موله
بما یک کمور سوسالین با شوروی بطور
صلح با ما در برنده به دگمونی ما هستی
شورواشی دارد بر این اساس رابطه حسن
بما به یک کمور شورواشی با دگرگشور -
های سرما به داری در میان خوب جهان امیرا
- لیسینی میسر در است ."

سیر و تحولات حسن در جهان با شدت گشته
سیر می شود ، اخبار دگر کل روسیونیستی
ما "کارلین" دگر کل روسیونیستی اساننا
در یک مطلق است ، این دیدار ، اگر چه بکار
- بگوشان سردگی روزا سرور روسیونیستی
به جهانی با روسیونیستی عروشی ارویانی
بود ، اما بر این حال حسن یک جهان جدید
سود ، دگر کل روسیونیستی بر دگمینی در
صورت "کارلین" سکار مطرح سود گه جنگ جهانی
سوم اصحاب در است . (مجله سوشیسم)

اما بطوریکه اصحاب شورویونیستی به
جهانی سرما سوسالین روسیونیستی به جهان ، جنگ
جهانی سوم را سری هستی و اصحاب سوشیسم
دانسته و آسرا به سوشیسم و روسان میمانند
آنها شور سوسالین امیرالسلیم شوروی را سرور
اصلی جنگ امیرالسلیم سوشیسم را تا دگرگشور
امیرالسلیم روسیونیستی هستی بطور صمیمی
سطلیل هوی را بر ملامت سوشال میگما کند ،
هما بطوریکه سوشال سوشیسم مطرح ما صمیمی است
روسیونیستی در حسن ما حسن ما سوشیسم
ما هستی شورواشی ما همه و ما سوشیسم
سار و سردگی های سوشیسم سر و شوروی
سوسالین ، شورواشی حسن سرما سوشیسم
طنفا هستی سوشیسم سوشیسم سوشیسم سوشیسم

با شورواشی شوروی مینا شد .
این رویدادها بکار دگرگشور ما سوشیسم
روسیونیستی به جهانی سرما ما سوشیسم
شورواشی خود دگرگشور ما سوشیسم
امیرالسلیم شوروی سرما سوشیسم
ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم
سوشیسم سوشیسم سوشیسم
سوشیسم سوشیسم سوشیسم
سوشیسم سوشیسم سوشیسم
سوشیسم سوشیسم سوشیسم

چین: روزیونیستها کمونیستها را به محاکمه کشیده اند

در گذشته کمونیستهای چینی سبب انحرافات
خود را روسیونیستی و ابوریونیستی چینی
به ما ثابت رفتا کردند ، اگر چه در گذشته ما
سیاسی - ایدئولوژیک درختانی علیه روسیونیستی
نیستهای ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم
گرفت ، اما این ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم
- اخراج کامل روسیونیستی از صفوف حزبی
انجام گرفت ، لیکن اگر کمونیستی سوشیسم
لازم را در ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم
- سرخ نداده ، ما روسیونیستی خیا ننگار
سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، در قبال کمونیستی
به جهانی بنگار ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم
به ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، اگر چه
و فتح برین شهمت ها قرار دادند ، بلکه نا آنجا
بیش رفتند که در دادگاه سوشیسم سوشیسم
- ما را به محاکمه کشیدند ، آری امروز در حسن
روسیونیستی این نما سوشیسم سوشیسم
شورواشی ما روسیونیستی را سوشیسم سوشیسم
روسیونیستی به محاکمه کشیده اند ، از جمله
گشانی که محاکمه میشوند "جانگ حینگ" (همسر
رئیس مائو) ، وان هون وان ، "تاوان تان" و
"جان حوینگ" مائو "مما شند ، اسنان در گذشته
ار رهبران سوشیسم سوشیسم سوشیسم
چین بوده و در انقلاب فرهنگی و ما سوشیسم
روسیونیستی سرمد از جمله "تنگ" و "هوا"
نفس سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، اس رهبران اگر چه
دارای سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، ما
سوشیسم سوشیسم سوشیسم را سوشیسم سوشیسم
- هوا "سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، زما سوشیسم
که روسیونیستی از جمله "تنگ" در حزب سوشیسم
های شورواشی کردند ، اسنان از جمله کسانسی
سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، "تنگ" سوشیسم
گردید و را به ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم
ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، در حزب سوشیسم
قرار دادند و امروز اسنان سوشیسم سوشیسم
طوکری ارروی کار آمدن تنگ در سال ۱۹۷۴"
محاکمه شده و چها سرما را ن گردید ، اگر چه
ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، این خائنین
سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، لیکن سوشیسم سوشیسم
کمونیستی سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم سوشیسم
سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم سوشیسم
دهدوان اسکه در ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم

ابوریونیستی اشتی تا سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
آرمان سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
- تا سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
شوروا - روسیونیستی ما سوشیسم سوشیسم
نما سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
کمونیستی ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم
شوروا - روسیونیستی سوشیسم سوشیسم
ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم .

فلسطین اشغالی: دانشجویان می رزمند

حسن بوده ای علیه سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
افراشی سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
برای سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
مما سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
عربی سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
هفته فلسطین سوشیسم سوشیسم سوشیسم
دانشجویان سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
وسعی ارط هرات سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
اردو هسه پیش اس سوشیسم سوشیسم سوشیسم
و ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
آسان سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
کلیه سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
خود را سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
ما سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
نوشته : "فلسطین سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
فرما در دید ، فرما داسنان ، فرما سوشیسم
فلسطین است .

یک خبر : دوهفته پیش انقلابیون فلسطینی
یکی از افراد خائن را که طرفدار طرح خودگردانی
فلسطینی ها در ساحل غربی رود اردن سوشیسم
دشمن همکاری میکردند ، انقلابی کردند ، خلق
فلسطین سوشیسم سوشیسم سوشیسم ، سوشیسم
سوشیسم .

حمایت امپریالیسم از کودتاچیان ترکیه

رژیم کودتاچی ترکیه در حالی که همچنان به
سرکوب کارگران ، کمونیستها و سوشیسم
ادامه میدهد ، از طرف کلیه امپریالیستها مورد
حمایت قرار گرفته است . جدی سوشیسم
آمریکا قرار داد دیدی با دولت ترکیه منعقد



روحانیون بزرگ مورد تأیید آیت الله خمینی چه کسانی بودند؟

قرار گرفته اند می افتند، سیدی از خان نستان ها شپان بنام میر قیصر را بعنوان پادشاه تحت الحمایه انگلیس در عراق بر سر کار می آورند و سید محمد مدرس که از چهره های معروف شیعیان عراق بوده به نخست وزیری می نشاندند و سوازش ارتجاع محلی با امپریالیسم انگلستان، قیام توده ای و فدا امپریالیستی مردم عراق را ناسا تمام می گذارد.

طی این قیام، در حالیکه زحمتکشان عراق، این سرزمین را تبدیل به جهنمی علیه اشغال گران انگلیسی کرده بودند، میرزا محمد تقی شیرازی، طی نامه ای به سفیر ایالات متحده آمریکا در تهران از او دادخواهی میکنند و از دست انگلیس ها پیش او شکایت میبرند و به سند توجه کنید:

"طهران، جناب مستطاب سفیر ایالات متحده آمریکا داد مترافته (که مهربانی او بپاینده باد)

پس از احترامات فاشه و شایسته؛ لازم میداند در شرایط حاضر مطالب زیر را به شما بنویسم:

نظر به اینکه دولت محترم آمریکا (که عدالت پروریش پاینده باد) ندای حقوق بشر و آزادی ملل را بلند کرده است، از طرفی شما که نماینده مین آن دولت محترم هستید و بیخاطر تکمیل و تحکیم حقوق اسلامی که در تشکیل یک دولت عربی باید منظور کرده (۱) لازم است به دولت محترم خود (که عدالتش پاینده باد) مراجع فرمائید.

بر شما پوشیده نیست که هر ملتی اگر در محاصره نیروهای نظامی باشد نمی تواند از آزادی بیخاطر برخوردار باشد. هر چند همه از آزادی عقیده دم میزنند ولی به این شایعه نمی توان دلخوش بود و بسیاری از مردم می ترسند که آزادانه مکتوبات قلبی خود را قاشا سازند. نمودها می هم وجود دارد که این ترس را بوضوح نشان میدهد. بینا بر - این مردم عراق از دولت محترم آمریکا تقاضا دارند آنها را در این امر مهم پشتیبانی نموده و حقوق آنان را استیفا نمایند. (۲)

امضاء محمد تقی شیرازی (۳)

- (۱) - اشارات به مقدمات تشکیل پادشاهی دست نشاندگان انگلیس در عراق.
- (۲) - تاکیدات در این اسناد همه جا از ماست.
- (۳) - اصل اسناد در "موزه انقلاب ۱۹۲۰ عراق" در موزه ملی بغداد موجود است (بمنقل از مجله آفاق عربیه آوریل ۱۹۷۹)

آیت الله خمینی در سخنرانی خطاب به بازاریان قم که در روزنامه های اول آذرماه ۵۹ منتشر شده از یکی از شخصیت های بزرگ روحانی بنام میرزا محمد تقی شیرازی، بعنوان کسی که "جلوی انگلیس ها را در عراق گرفت، یاد کرد. ما در پی تحقیق برآمدیم که این شخصیت کیست و چه مواضعی از لحاظ سیاسی داشته است. در یک بی جوشی سریع معلوم شد که میرزا محمد تقی شیرازی مجتهد بزرگ نجف در حدود ۶۰ سال پیش بوده، مرجعیت او همزمان با جنگ اول جهانی اول، از همپاشیدگی امپراطوری عثمانی و اشغال عراق توسط انگلیس ها و سپس شورش توده ای ۱۹۲۰ عراق، بوده است.

اسنادی هست که رابطه روابط حسنه بین این مجتهد بزرگ و رژیم ارتجاعی ایران در اواخر دوره قاجاریه و با کسانیکه مانده و شوق الدوله خاکن که عاقبت در آذربایجان در ۱۹۱۹ بود. دو سند هم هست مربوط به برخورد آیت الله میرزا - محمد تقی شیرازی با امپریالیست های انگلیسی و آمریکا.

او که بزرگترین مجتهد نجف در آن سالها بود و در جریان شورش توده ای ۱۹۲۰ عراق سوار بر این موج شد و بعنوان "رهبر انقلاب اسلامی ۱۹۲۰ عراق" لقب گرفت، در تلگرافی به "سپرسی کاکس" نماینده مگا را امپریالیسم انگلستان و فرمانروای عراق در تاریخ ۲۷ رمضان ۱۳۳۶ هجری قمری (۱۹۱۸ میلادی) چنین می نویسد: "از شهر مقدس ما مرا که هزاران دروید بر اهل آن شهر باد.

به جناب مستطاب فرمانروای سیاسی کل عراق، سپرسی کاکس، که شان و عزت او بلند باد تا مگر می شما مورخه ۳ رمضان در ۲۴ آن ماه در یافت شد، اینکه پس از شنیدن خبر وفات آقا میرزا محسن مجتهد... شدیداً اسدو هگین و متاسف شده اید، نشانه ای است از احساسات انسانی شما و مقام بلند پاییه حیرت عالی در حفظ حقوق انسانی که وجود این دولت کبیر (بریتانیا) و نیز مقامات فرماندهان و بلکه آحاد افراد انگلیسی با آن سرشته شده اند، امیدواریم که با برابری احت که مقدسات اسلامی را حفظ نمائید و جاننان بی را گرامی بدارید و بدین ترتیب نهایت کوشش را بکار برید تا در تاریخ ما منک از شما بیادگارماند که این بهترین خدمت به دولت عظمای بریتانیا است. روزگار عزت شما پاینده باد. مورخه ۲۷ رمضان ۱۳۳۶ ه. ق.

انگلیس ها بدنبال قیام سراسری مردم عراق بفرسایش بارهبرانی که در رأس جنبش

کرد، طبق این قرارداد بانک مرکزی ترکیه یک قرارداد دو ساله برای دریافت یک و ۹۵ میلیون دلاری با پنج موزه مالی امریکایی امضا نمود پس از این قرارداد، امپریالیست های ایتالیایی یک و ام به میزان ۲۵ میلیون دلار به ترکیه داده اند. بر اساس این و ام ترکیه محبوس است بمیزان مبلغ این و ام، از ایتالیا کالا وارد کند و با لایحه اخیر قرارداد جدیدی بین ترکیه و آلمان غربی منعقد گردید. این قرارداد عبارت از کمک نظامی ۳۰۰ میلیون دلاری آلمان به ترکیه میباشد. بر پایه این قرارداد در رژیم نظامی ترکیه طی سه سال، نانکهای "لشویبارد" و ۲۵۰۰ دستگاه موشک ضدتانک دریافت کرده و سلولهای "۱۰۰ م - ۴۷" و "۱۰۰ م - ۴۸" رتیش مزدور خود را مدرنیزه خواهد کرد.

آخرین خبر اینکه اخیراً یک قرارداد ۱۰۰۰ میلیون دلاری میان ترکیه و امپریالیسم آمریکا به امضا رسید. این قرارداد یک قرارداد نظامی بوده و قرار است مبلغ این و ام در راه توسعه امور نظامی ترکیه استفاده شود. در مقابل امپریالیسم آمریکا اجازه میدهد تا امکانات از تمام پایگاه های خود در خاک ترکیه استفاده نماید.

اخبار کوتاه جهانی

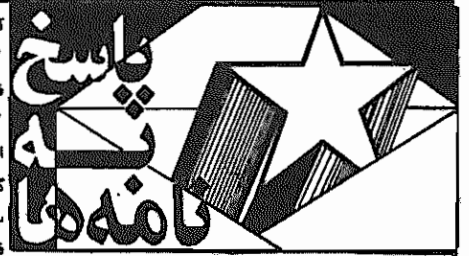
۱ - امپریالیسم آمریکا ۲ هواپیمای جاسوسی آواکس به مصر تحویل داد. بدین ترتیب حنا یکتا را با نکی با هم رژیم سرسپرده سادات را مسلح نمودند تا در منطقه موقعیت خود را در قبال انقلاب توده ها و رقابت شوروی تحکیم نمایند.

۳ - هزاران کشتاورز هندی در شمال شرقی بمبئی دست به تظاهرات خونین زدند. مورد اعتراض کشتاورزان تورم شدید و پایین بودن سطح قیمت های تعیین شده در مورد مواد کشتاورزی از طرف دولت ارتجاعی حاکم بوده است. پلیس رژیم مرتجع اسدراگانندی به سرکوب وحشیانه دست زد. ۹ هزار کشتاورز زحمتکش را دستگیر کرده صدها نفر را زخمی نموده و حداقل ۳ نفر از کشتاورزان را به شهادت رساند.

۳ - هزار و هشتصد تن از کارگران شرکت هواپیماسازی لاکهید در کالیفرنیا دست به اعتصاب زدند تا زنگران که توسط انحصارات استثمار میشوند خواستار افزایش حقوق خود شوند.

۳ - امسال از شوروی ۲۰ هزار رپودی صهیونیست به اسرائیل مهاجرت کردند. امپریالیسم آمریکا به اسرائیل اسلحه میده و سوسال امپریالیسم شوروی متخصصین و مهندسیان دولت اشغالگر را تامین مینماید.





يك نمونه خوب از كار تبليغي يك رفيق

گزارش زیر از رفیق "ش" دانش آموز هوادار سازمان در لالی، نمونه ای مناسب از کار تبلیغی بموقع و بجا در میان توده ها است. رفیق با درک روحیات توده ها به با سخاوتی به مسئله اساسی آنها دست میزند و تحلیل سازمان در مورد جنگ را بر میان توده ها میبرد. رفیق در آ میخستن تبلیغ فدجنگ با توده ها موفق است و توانسته است فلاکت جنگهای غیر عادلانه را برای توده ها توضیح دهد، ضمن آنکه شجاعت و فداکاری توده ها در جنگهای عادلانه را مورد تأیید قرار میدهد. رفیق موفق میشود، نشان دهد که سرمایه داران از این جنگ سود میبرند و توده ها به گوشت دم توب بدل میشوند. از این گذشته این نمونه نشان میدهد که توده ها چگونه آما پذیرش تبلیغات کمونیستی سازمان در محکوم کردن جنگ هستند. پیروزی و موفقیت رفیق مبلغ "ش" و همه پیکارگران آزادی طبقه کارگر را در اینجا ملاحظه انقلابیسان آرزو مندیم

اینک متن گزارش:

جنگ ایران و عراق و برخورد توده های جنگ زده به آن

موضوع پیکار در مورد جنگ خواست توده ها با خلاف خواست توده ها است. مسئله جنگ از دیدگاه "پرولتری یعنی چه؟" حال ببینیم خود توده های زحمتکش در مورد سوالات مطرح شده چه جوابی میدهند...

در پی یک وظیفه تشکیلاتی قدر رفتن به "مسجد سلیمان" را داشتیم. ساعت ۴ بعد از ظهر روز سه شنبه ۵۹/۷/۲۲ بود، یعنی درست هنگامیکه فوج زحمتکشان از شهرهای جنگی ما نند احوال و زخم شهر و زخم دل و... به جاهای نسبتاً امنی روانه میشدند مینی بوس ارجا کتند شد و به قدم مسجد سلیمان بر راه افتادیم. قیافه های تمام مسافرین زرد و حالی کسل داشتند و با بقول یکی از خود آن زحمتکشان که در ماشین بود و میگفت: "حال که ندا شتیم، حال که بدتشرش کردند" بر راستی که او از جنگ "نا عادلانه" تنفر داشت و اگر او تمام جنگی عادلانه بود، نه تنها او از آن تنفر نداشته، بلکه با دل و جان در جنگ عادلانه ای که به نفع شان تمام شود شرکت می جستند و وقتی که دیدم احوال خود را در میان و روحیه مسافرین طوری میباید که تبلیغ مواضع سازمان و مخصوصاً روشن کردن مسئله جنگ امکان پذیر است، با علامیه ای که در جیبم بود، در -

آوردم و شروع کردم از همان اولش بخواندن: "میهن مال کیست؟" یکی از مسافرین دیگر فرصت خواندن بقیه علامیه را ندا دوز و دگفت: "خوب معلومه که میهن مال کیست؟ میهن مسال اونا شی به که خرشون میره" واقعا که راست می گفت، میهنی که سرمایه داران کارگران را به بدترین شیوه ها استثمار میکنند، میهنی که فقر درش پیدا میکنند، هیچوقت نمی تونه میهن زحمتکشان با شه میهن مال زاغه نشینها نیست، میهن مال دهقانی که از با ما تا میل بر سر دوش میبازند، نیست این میهن مال کسی است که منافعی را، شروتنش را تمام میکند، میهن مال آن سرمایه داری است که در بهترین میلیها لمد داده و دیوانه و ابر برای حفظ منافعی داد می کشد: "بروید، بکشید، و بپیرید تا میهن ادرمان باشد." "آری میهن آنها کدما است؟ (میهن آنها کیست)"

در اینجا است که با یک تجربه عینی و واقعا غنی بی میبرم که مواضع پیکار در مورد جنگ، به تمام معنا بیباک و نگرخواسته های زحمتکشان است که سرمایه داران از لومفت آنها را بی ارزش به حساب می آورند...

مسئله جنگ از دیدگاه پرولتری یعنی چه؟

شروع به خواندن بقیه علامیه کردم: "جنگ ایران و عراق جنگی است که جز فلاکت و بدبختی، برای توده های زحمتکش دو کشور چیزی بسیار نمی آورد. مسافرین از ته ما شین آهی کشیدند و گفت: "والله به خدا راست میگه، تنها ما بدبخت - ما هستیم که آواره شدیم، با و رکنید جنگ با لا - شیها سرمایه شینی هاست" بر راستی که چه گفته قشنگ و چه حقیقت روشنی است. سرمایه داران با آن میگها و فانتومهای امپریالیستی شان بر سر منافع خلق جنگ راه انداخته اند راستی مگر همین رژیم جمهوری اسلامی نبود که کارگران را بجرم کمونیست و انقلابی اخراج میکرد (و میکند). مگر همین جمهوری اسلامی نبود که خلق عرب را سرکوب کرد (و میکند) و مگر... پس چطور شده که می خواهد از منافع آنان دفاع نماید. زهی خیال باطل، توده ها خود تصمیم خواهند گرفت. جنگ ایران و عراق چه نفعی عاید زحمتکشان دو کشور میشود؟

همه سکوت کرده و منتظر شنیدن بقیه علامیه بودند. اما بر راستی مگر در درون آن ورق چه بود؟ جز خواسته های توده های زحمتکش؟! منم شروع به خواندن کردم.

"در جنگ دولت ایران و عراق زحمتکشان به گوشت دم توب سرمایه داران مبدل میشوند" من کمی مکث کردم تا ببینم در مورد این گفته نظر آنها چیست؟ مسافرین دست میزدند و گفتند: "ای دست هونا که اینو نوشتن درد نکنه (روبه مسافرین کرده و ادامه میدهد): و الله ما شدم آلت دست به نشت سرمایه - از زبون نفهم، هی ما شیم که با دیدم -

ببینیم، خلاصه هرچی هست ما فقیرا یا بدچورشو بکشیم... آری، این یک حقیقت محض و روشن است که زحمتکشان نمی خواهند گوشت دم توب سرمایه داران شوند و خود آنها آگا هند که در یک جنگ نا عادلانه حفر قفسر، فلاکت و مصیبت چیزی عایدشان نخواهد شد و این هم همان موضعی است که پیکار را تا زده اینجاست که از خوشحالی بر سر خود میباید که واقعا تحویل ما رگبست - لنینیستی تراز "پیکار" و همگام با خواست توده ها از هیچ سازمانی تا بحال درج نشده. اینک می خواهیم تمام قوا فریا دزیم "درود بر آرمان مقدس زحمتکشان" "درود بر سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر"

تا شیر گذاری: مسافرین مینی بوس وقتی که به آخرین ایستگاه رسیدیم می خواستم پیاده شوم اما گرمی دستم را فشرده و حتی یک جوانی هم که در میان آنها بود، وقتی دستم را فشرده گفت: "موفق باشی... آری موفقیت من و رفقای من همان موفقیت آنهاست."

"زننده با ادب کار توده ها" رفقا! با تمام نیروی خود به میان توده ها برویم و ما هیت این جنگ ارتجاعی را برای آنان روشن سازیم. گزارشی از "دانش آموزان هوادار سازمان"

رفیق مسئول دانشجویی ش

از توجه کمونیستی تان به ما مرهنر و نقی که ادبیات م. ل. و انقلابی در عرصه مبارزه طبقاتی دارد، بسیار ایما هم معتقدیم که وظایف سنگینی در این زمینه به عهده جنبش کمونیستی عموماً سازمان با لایح قرار دارد اما در رابطه با مسئله "مفحه هنر و مقاومت - هنر پرولتری" با ایده اطلاعت بر این مسئله که این مفحه کا ملاحظه شده است اما دو مسئله اصلی در کار آن وقفه ایجاد کرده است:

۱ - در برخورد به فعالیت هنری همچون دیگر عرصه ها در گذشته تحرافاتی وجود داشته است، بهاء ندادن به کار برنا مه ریزی شده، نقشه مند و همیشه کم توجهی به وظایف تفکیک شده تبلیغی و ترویجی در این زمینه، و عدم یک سازماندهی کمونیستی و برخورد بر اگما نیستی به فعالیت عملی و... در عمل موجب شده بود که این مفحه وظایفی را که بر عهده دارد بدرستی پاسخ گوید. به همین جهت سازمان هم اکنون مشغول یک تجدید نظر اساسی در این زمینه است که البته چنین امری بهیچوجه به معنی تعطیل صفحه نام برده نبوده است.

۲ - با توجه به مبارزه با طبقاتی و مسائل گوناگونی که ضرورت پاسخگویی به آن در ارگان سیاسی - تبلیغی در دستور قرار میگیرد، سبب



می‌تواند در باره‌ای مواقع استشاری مطالب این معده همچون دیگر مطالب به سوبق بیافزاید طبیعی است که عدم توجه به این امر وقتا شل شدن نقد م برای استشاری مطالب ضروری تر خود سر خورد درستی نخواهد بود.

در آخر، امیدواریم با کار همه‌جا نسه در زمینه هنر نقاشی آگاهانای دریا سخ به وظایف کمونیستی در این عرصه عهده گیریم و همچنان از استقلال و استقامت و دستها دات و مشارکت فعالانه رفقا بهره مند شویم.

موفق باشید!

رفیق طراح

طرح‌هایی که تحت نام: "روزیویوسیم" ساقط منافع بورژوازی در جنبش کارگری "آنترناسیونال لیسیم پرولناریا" از نوع روسی و... فرستاده بودید رسید. لازم دیدیم چند نکته را با شما در میان بگذاریم. دیدگاه سیاسی و حساسیت هنری نان قابل تحسین است، ولی رفیق اگر در خود علاقه‌ای در رابطه با طراحی می‌یابید باید بدون تعارف، بسیار جدی تر به کار بپردازید. یک هنرمند ما رکسیست - لنینیست اگر چه با بد در درجه اول به مضمون آگاهان نسه و کمونیستی آثارش توجه کند و این خصوصیت همه کمونیستهاست، ولی آنچه که کار او را از فعالیت های دیگر متمایز می‌سازد، همان توانایی او برای انتقال آگاهی سوسیالیستی به نوده‌ها به زبان هنر است به همین جهت برای آفرینش آثار بی‌موقع حلقه‌ها نه‌پر توان، ضروری است که هنرمند کمونیست به آموزش جدی در زمینه فعالیت خاص خود، توجهی جدی مسذول دارد ما امیدواریم با کار متشکل در این زمینه شما کمک کنیم که بتوانید هر چه بهتر آثار خود را در حمایت انقلابی نان را در قالب طرح ارائه دهید. اما پیش از همه این شما هستید که باید بطور منظم و بی‌برنامه سعی کنید طراحی را بطور علمی بیاموزید و با کارمندان، آثاری که به روی بیننده تاثیر نکان دهنده برجای نگذارید فریبند دست شما را بگرمی می‌فشاریم

رفیق م - خرم آباد

مضمون اشعارتان نشان دهنده، آگاهی طبقه‌ای، کینه و نفرت فراوان شما از پیدادگری و ستمی است که در سیستم سرمایه‌داری وابسته بر نوده‌های زحمتکش می‌رود. همچنین در اشعارتان بخصوص شعر "درفش شهیدان" قطعاً تی وجود دارد که بسیار نگر و حیه‌ها عرانه شماست، لیکن باید بتوانید احساسات پرشورتان را به بهترین صورت بیان کنید، اگر به عنوان عرصه‌ای از فعالیت انقلابی، شعرا را انتخاب کرده‌اید باید فراوان اشعار انقلابی بخوانید، بگوئید فنون شعرا را بیاموزید و به کار خستگی ناپذیر در این زمینه بپردازید. از شما می‌خواهیم تا اشعار تازه‌تان را برای ما بفرستید.

پیروزی باشد!

رفقای دانشکده ۴۳

پرسیده بودید که چرا ما در رابطه با جنگ تنها با رزمندگان برخورد کرده‌ایم، ملاک ما در اینجا چیست؟

اولا اگر رفقا، بیکیار رثوریک را خواننده باشند، متوجه خواهند شد که ما تقریباً با مواضع کلمه نیروهای جنبش برخورد نموده‌ایم تا نیسان آنچه باعث شده است که ما به رفقای رزمندگان برخورد بیشتری نکنیم، از آنست که این رفقا جزو نیروهای نسبتاً پیگیر جنبش کمونیستی بودند که اینچنین به سرعت سقوط کرده‌اند و ما می‌مثال در برخورد به راهکار رگوروزمندگان طبقاً به رزمندگان بهای بسیار بیشتری می‌دهیم و می‌کوشیم تا لاقلاً بخش اعظم آن به صاف کمونیست‌های پیگیر بر می‌آیند.

رفیق سب

در مورد نظراتی که طبق مدارکی بدست آورده بودی و روش آنرا برای ما نوشتی، هر چه سریعتر آنرا برای هیئت تحریریه ارسال کن

■ نامه‌های زیادی بدستمان رسیده است که ما ضمن تشکر از کلیه رفقا و دوستان، بدلیل محدودیت جا، تنها به ذکر اسم نویسندگان نامه بسنده می‌کنیم.

رفقا محمد زمشهد م، ح - محمد - رسول - شاهین - ب - م، ط، د، آ، مل - فهمیده از کمیته علمین - م، ن، دانش آموزان تهران - فرزانه از قزوین - ح - غ، ر از ارومیه، ص از تبریز - رفقای مرند - ش، م - م، ن از کرمانشاه، م، پرو - ن، ر - سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار غرب تهران - مسئول سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - کرج - ط، ف، ع، برس از دزفول، م، ع - ط از اصفهان - آ، ب، دانش آموزان دار از بروجرد - الف، ا، اصفهان - ی - ف، ا از اسلامشهر

رزمندگان ۱۰۰

خلقهای تحت سلطه و کشور سوسیالیستی تقسیم میشود. هر دولتی که سر علیه امپریالیسم (ویا بیگ‌هاش، ارتجاع داخلی) مبارزه میکند، به اردوگاه‌هایی سوسیالیسم تعلق دارد. ما به ترهات روزیونیستی سه‌چها نیها، یعنی "استقلال" جها ن سوما اعتقاد نداریم. راهکار رگوروزمندگان با یدبه‌این سوال پاسخ گویند که اگر تقسیم جها ن را به دو اردوگاه‌هایی انقلاب و ضد انقلاب با سوسیالیسم و امپریالیسم واردان، جا یگا جمهوری اسلامی در کجاست اگر جمهوری اسلامی مستقل از امپریالیسم است و اقداماتش سدی در جهت منافع امپریالیسم، پس جزو اردوگاه انقلاب است و اگر کشوری است ارتجاعی ستا بر این راه اردوگاه امپریالیسم و ضد انقلاب جها نی تعلق دارد و همچنان که استالین در مسایل لنینیسم معتقد است:

"استخلاص سیاسی ازبندهای امپریالیستی و تشکیل حکومت مستقل و ملی" (صفحه ۹۲).

این کشورها را جزئی از اردوگاه انقلاب جها نی قرار میدهد. پس لازم است رزمندگان و راهکار رگور استقلال رژیم جمهوری اسلامی را از امپریالیسم در اساسی ترین سیاستها بیجا نشان دهند و پس از آن نیز دست از الحاق بردارند و رژیم "مستقل" جمهوری اسلامی لفظ ارتجاعی را اطلاق نکنند؛ ولی اگر نه، سیاست رژیم جمهوری اسلامی چیزی جز حفظ و حراست سرمایه‌داری وابسته (این پایگاه داخلی امپریالیسم) نیست. بدین ترتیب نیز "استقلال سیاسی" رزمندگان و راهکار رگوریک تزویزیونیستی است، چرا که به یک رژیم وابسته به امپریالیسم جها نی، رژیمی که فقط و فقط در جهت حفظ سرمایه‌داری وابسته به سرکوب و کشتار رتوده‌ها می‌پردازد، رژیمی مستقل و جدا امپریالیست اطلاق نمکند، شاید راهکار رگوروزمندگان بگویند ما گفتیم این رژیم سرکوب میکند، پاسخ ما اینست که لیسرا لها سیاست حقوق بشرکارتر، سوسیالیستهای اروپائی این مزدوران امپریالیسم نیز از سرکوب رژیمهای دست‌نشانده سخن میگویند. سخن گفتن از سرکوب تا زمانی که مشخص نشود این سرکوب توسط کدام طبقات و به چه خاطر انجام میگردد، نشانه موضع کمونیستی یک سازمان نیست.

با یدبه توده‌ها گفت که دولت ارگسان سرکوب طبقه‌ای است و سرکوب توده‌ها در جهت منافع طبقات مشخص است و در شرایط کنونی ایران، این سرکوب توده، تنها و تنها در جهت منافع امپریالیسم جها نی و طبقه سرمایه‌دار ایران قرار دارد. رزمندگان و راهکار رگور باید بگویند اگر سیاستها جمهوری اسلامی مستقل نیست و وابسته به امپریالیسم جها نی است، چرا رژیم ایده‌آل برای امپریالیسم محسوب نمیکردد؟ پاسخ روشن است، چه بسیار حکومت‌ها ش که نه تنها وابسته به امپریالیسم جها نی بلکه حتی سگ زنجیری امپریالیسم مشخص محسوب میشوند. ما برای امپریالیسم حکومت ایده‌آل نبوده و بی‌علت نا توانیهای مشخصان، امپریالیسم دست به تعویضان میزند. کودتای اخیر ترکیه بر علیه دولت وابسته سلیمان دمیرل، کشتن پارک چوئگ هی سگ زنجیری آمریکا در کره توسط خود امپریالیسم و کودتاهای متعدد کارگزاران امپریالیسم بر علیه نوکران خودی در آمریکا لاتین شاهان مدعاست.

برای اینکه بیشتر نشان دهیم اطلاق ارتجاعی حاکم به رژیم جمهوری اسلامی از سوی رزمندگان و راهکار رگور بصورت برجعی دروغین برای پوشاندن تزلزلاتنا به ارتجاعی حاکم است به برخوردشان در مورد پذیرش یا عدم پذیرش سرگونی ارتجاعی حاکم در روند مبارزه طبقه‌ای اشاره می‌کنیم. ادا مه دارد.

بازهم تفتیش عقاید بازهم اخراج و... بازهم مبارزه

اخراج و مبارزه فارغ و التحصیلان دانش -
سراهای مقدماتی و معلمین انقلابی :
خراسان - رژیم جمهوری اسلامی با وحشت
از آگاه شدن دانش آموزان، در اوایل خرداد ماه
دست به اخراج ۷۰۰ نفر از معلمین مبارز میزند
معلمین اخراج شده و ایل مهرداد آموزش
و پرورش خراسان با خواست بازگشتن بزرگوار
دست به تحمیل میزنند .

معلمین متحصن پس از شنیدن جواب سر -
بالا از طرف معاون آموزش و پرورش خراسان،
نمایندگان از میان خود انتخاب کرده و بجهت
"اداره گزینش و ارشاد" تهران میفرستند و
آنها پس از مذاکره با موسوی گرمارودی، رضای
اصفهان و موسوی خراسانی (نماینده مشهد
در مجلس) دست خالی برمیگردند. سایر دیگر رژیم
استیصال خود را در پاسخ دادن به خواسته های
دموکراتیک مردم نشان داد .

نمایندگان به علت داشتن مواضع سازش -
کارانه و توهمات لیبرالی، وعده رژیم در مورد
تجدید نظر در باره کسای "اخراجی ها" را قبول
کرده و حتی برای حضور نماینده بنی صدر در
هئیت تجدید نظر در "پاک سازی" طومار جمع می-
کنند. در همین رابطه "بخش معلمین هوادار سازمان
پیکار در مشهد" اعلامیه ای منتشر نموده و در آن
ماهیت "کل رژیم" و موضع ارتجاعی هر دو جناح
رژیم را در سرکوب جنبش های دموکراتیک (از جمله
جنبش معلمین) افشای نماید .

پس از به سازش کشیدن تحصن از طرف
نمایندگان، رژیم دست به تقسیم معلمان اخراجی
زده و استخدام مجدد آنها را منوط به جواب دادن
به پرسشنامه ای که در حقیقت تفتیش عقاید
اخراجیان بوده، میکند. ما در زیر نمونه هایی
از این پرسشنامه به سبک ساواک را میآوریم :
- علت اصلی مخالفت برخی گروه های سیاسی
با جمهوری اسلامی چیست ؟
- نظرتان را چه به کومه له، پیکار، فدائیان ،
حزب دموکرات و... چیست ؟
- طرفدار کدام گروه هستید ؟
- رجوعی به بختیاری ندارید ؟

ساری - ۱۴۸ نفر از معلمین ساری که
بدلیل عضو نبودن در انجمن اسلامی اخراج شده
بودند در تاریخ ۵۹/۷/۸ نمایندگان برای
مذاکره به تهران میفرستند و آنها قول میدهند

رسا تر چون شود، فریاد می گردد !!

کنند، چه معنی دارد؟ "بکنفر جواب داد: "این
معنی را دارد که تا آن خوردن برای "مستضعفین"
حرام است!" خنده مردم، مرد چاق را بیشتر
عصبانی میکرد. دستفروشی که کشتان کشتان بطرف
ما شین برده میشد با خواهش میگفت: "والا کار
نیست"، بخدا دیگر ایسترفها پیدا نمیشد..."
دستفروشی از بالای تاکسی ما را داد: "چرا
اینطوری به اینها التماس میکنی" و یکی از
پا شین جواش را داد که: "تو هم زیاده شاع نبودی
که بدون اعتراض سوار شدی!" این حرف باعث
سند شدن اعتراض دستفروش ها شد ولی چماق
سرکوب این سارقان تری بود، مرد چاق بدرا ننده
گفت "برو"، راننده جواب داد: "برادر! عصب
ما شین کم فاند به زمین بخوره، یک سرمایه دار
هم با او رید جلوی سینه که میزان شود!" "من
گفتم: "به دادش! آنوقت جلوم شین میخوابه!"
... "حتی هزار نفر اینها تا یک سرمایه دار برآید
نیستند" مردم با هلهله تا شید میکردند. مرد
خیلو که از خم سرخ شده بود تشریف برد گفت: "ما
داریم از انقلاب سوا ستفاده میکنید!" تا گذرد
مکانک جواب داد که: "پس چرا مثل شما چماق
نشدیم!" تا کسی با راه افتاد ولی مردم
هنوز بحث میکردند. صداهای آرم مردم آهنگ
خونی داشت، سیاه دقل از قیام افتادم:
زمنه، ناله، فریاد، همه هم سرود، سرودی
به زبانهای فریادهای خشم مردمیکه به تسخیر
با غنا می رفتند!

تبریز - اول سال را ایستاده بودم، بزمی
با دو زنبیل پراز استکان و نمک دان و... سر
دستهایش وحشت زده به اینور آنور میدوید. مثل
شکارچی که از دست شکارچی دررفته باشد. مسرد
میانسال دیگری با تعدادی جوراب و پیراهن...
در پشت چندتا سبد پنهان شده بود، پسر جوانی
بساط خود را که ما دو نفر بود در زیر ما شین
پنهان میکرد. مردم دور تا کسی ساری که چماق
دستفروش سوارش بودند حلقه زده بودند. یک مرد
عینکی چاق دستفروشی را بطرف ما شین هل می-
داد و بیهوشان را خردتجا میگفت "بندازید
تو"، داشتند دستفروش ها را میگردشند. مسرد
زحمتکشی با نیشخند زهرآگینی میگفت: "دارند
سرمایه دارها را میگیرند!" تا گردمکانک
جواب داد: "نه! دارند مزاحمین برادران سرمایه
دار را میگیرند"، تا خدای بیگانه را جلو
حجره و مغازه تجار محترم را بدمنظره میکنند!"
مردم با خنده از این صحبت ها استقبال میکردند
مرد چاق دستفروشی را کشتان کشتان بطرف
ما شین میبرد. دست فروش زحمتکش با طعنه
گفت: "برادر! میخوای مرا سرکار بربری؟! این
صحنه ها مردم را به حرف در آورد:
"پس چرا این سرمایه دارها با زار نمی-
گیرند که خون ما را توشه میکنند" صدای پاسخ
داد: "کفرنگو! آنها خمس و ذکوة خوب
میدهند!" "رهگذری میگفت: "آخه، با اینها
همزن و بچه دارند چه کار کنند؟، زدی که نمی -



سقبه از صفحه ۲۷
میکنند دختر است با پسر، سیاست با...! انگشتان بیاد!
در روزنا مه میزان مورخه ۶ آذر آمده بود
که بعضی از آقایان لیسرا لیا "میزانی" سرای
با صلاح "حفظ و حراست استگونه موجودات معصوم
و مظلوم از آسیب های جنگی" پیش وزیر بهداشت و
مکتبی جمهوری اسلامی میروند و پیرامون مسورت
با "کمیسیون مخصوص استولوزیکی وزارتخانه"
وحشت خود را از اینکه حتی یکی از کودکان بجهت
دست تیروهای انقلابی کمونستی بیفتند نشان
میدهند و سرانجام اجازه شمی دهد که حتی کودک به
این مراجعین تحویل گردد!

اگر نودهای زحمتکش و کودکان نشان میبرند
در نظر وزارت مکتبی بهتر از این است که
احتمالا نسیم انقلاب کمونسم بر آنها بوزد .
سرما به داران و مرتجعین حق دارند اینچنین
از انقلاب و کمونسم ستروند. ■

هستی از طرف رئیس جمهوری برای بررسی به
آن شهر برود که وعده ای شوخالی بیشتر نبوده و
یکبار دیگر ساژنگاری نمایندگان لیبرال،
مبارزه معلمین را به انحراف میکشاند .

خمین - مسئولین دولتی ۱۶ تن از معلمین
مبارز را به جرم آگاهی دادن به دانش آموزان
در اوایل خرداد ماه اخراج میکنند. قابل توجه است
که رژیم با بیرونده سازی ساواک ما با نه ای در
بیرونده یکی از معلمین مبارز اعلامیه ای اریکار
راضعه نمود و او را به فعالیت کمونیستی و
آگاهگران "متمم" نموده است .

اسدآباد - در تاریخ ۵۹/۸/۸ معلمین
اخراجی اسدآباد در بیدارگاه با صلاح انقلاب
فرهنگی رژیم ارتجاعی محاکمه شدند. **جرم آنها**
یکی "آتش زدن پرچم آمریکا" و دیگری فعالیت
آگاهگران در میان دانش آموزان بوده است!
باز هم بگویند رژیم فدای میرا نیست است! ■

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق!

سخنه از صفحه ۱ زهنمود ...

به اینکار بنشیند و آوارگان حاضر نگشتند "گوشت دم نوب" آن رژیم بشوند و فربا دا اعتراضی خویش را بر علیه ارتجاع و جنگ بلند نمودند، تا حدی که رژیم محصوره عقب نشینی و با ملاحظ "حمایت" از آوارگان جنگی شد، اما جنبش زحمتکشان آوارزه خویشانی با او جگری خود، رژیم را بیش از سن و تا کز بیرو در روی آنها قرار میدهد اما وظیفه کمونیستها در این میان چیست؟ کمونیستهای با بیعت با حمایت از این جنبش توده ای و با بسج و سازماندهی آن، در جهت کسرتن انقلاب بکوشند، پتانسیل جنبش آوارگان زحمتکش بسیار بالا است و فقر و فلاکتشان، حتی ممکن است آنها را به حرکتهای شورش بکشانند. از اینرو هدایت و ارتقاء این جنبش امری بسیار مهم و ضروری است. در اینجا میکوشیم شعارهای تبلیغی برای آوارگان را که حول آن باید مبارزات آنها را سازمان داد، بطور مختصر بازگو کنیم:

۱ - شوراها و واقعی میان آوارگان ایجاد باید کرد!

سازماندهی و هدایت مبارزات زحمتکشان آوارزه جنگ، تنها میتواند با یک تشکیلات واقعی و مترقی که از میان خودشان ایجاد شده باشد، امکانپذیر گردد. با بدتر تبلیغات بر روی این شعار تکیه نمود و ضرورت تشکیل آن را بسرای آوارگان جنگ زده توضیح داد. با بدتوضیح داد که آوارگان نمی توانند خواستههای خویش را از این رژیم بدست آورند مگر با مبارزه، و نمایی - توانند این مبارزه را با موفقیت انجام دهند مگر با تشکیلات، تشکیلاتی که بتوانند وظایف گویا کون مربوط به مسئله آوارگان را انجام دهد. تشکیلاتی که بتوانند آوارگان را سازمان دهد، روحیه انقلابی را در آنان گسترش داده و علل آوارگی و سیاست رژیم نسبت به آن را توضیح دهد. تشکیلاتی که بتوانند رابطه بین آوارگان متفرق بوجود آورده و از این طریق مبارزه آوارگان هر منطقه را به منطقه دیگر متصل نموده و با تشکیل "شوراهای سراسری آوارگان جنگ"، قدرت و اتحاد و همبستگی خود را افزایش دهد، از اینرو تبلیغ ضرورت ایجاد شوراهای آوارگان و تلاش برای ایجاد آن یکی از وظایف بسیار مهم رفاقت است.

۲ - مسکن برای آوارگان، تامین باید کرد!

آوارگان جنگی خانه و زندگی خود را از دست داده اند و عموماً درجا درها و در شرایط بسیار سخت زندگی میکنند، با فرارسدن فصل زمستان، سردی در این جا درها بمراتب سخت تر شده و سازمانی در میان آوارگان را گسترش خواهد

داد. تبلیغ شعارها در اماکنی خالی و استفاده از اماکن لوکس مانند هتلها، اماکن سرمایه داران و...، به منظور تامین مسکن مناسب برای آوارگان، یکی از شعارهای مهم تبلیغی است. برای داشتن مسکن مناسب باید آوارگان را دعوت به برپائی اعتراضات گوناگون از قبیل تحصن، تظاهرات و... نمود. این مبارزه صرفاً از طریق مبارزه انقلابی اماکن نامبرده نبوده، بلکه با ایجاد فشار بر برارگانهای دولتی نیز میتواند صورت گیرد. لذا تبلیغ شعار همبستگی نمودن مسکن مناسب برای آوارگان، یکی دیگر از مهمترین شعارهای تبلیغی ای است که رفاقت باید در میان آوارگان تبلیغ کرده و برای سه اجرا در آوردن آن، بکوشند.

۳ - هزینه زندگی، تا موقع بیماری، برای آوارگان، پرداخت باید کرد!

آوارگان جنگی نه تنها خانه و کاشانه خود را از دست داده اند، بلکه کار و شغل خویش و نتیجتاً درآمد خویش را نیز از دست داده اند. به همین علت، آنها قادر به تامین مخارج خویش نیستند و برای گذران زندگی از کمترین امکانات رفاهی برخوردارند. رژیم نیز در بسیاری از مواقع کمکهای جنسی مردم بسرای آوارگان را، به اینها نمیفرشد. برای پرداخت هزینه زندگی از طرف رژیم به آوارگان، باید تبلیغات وسیع برپا ساخت. این حق آوارگان است که در این زمینه تا مین گردند و تنها زمانی که رژیم برای آنان شغل و کار تامین کند، آوارگان خود هزینه زندگی خود را می پردازند. بنا بر این برای تامین کار برای آوارگان و پرداخت هزینه زندگی در موقع بیماری، بشدت باید تبلیغ نمود و جنبش اعتراضی آوارگان را با زهم گسترده تر ساخت و رژیم را به استیصال بیشتری کشاند.

۴ - کمکهای ارسالی، برای آوارگان، بصورت مستقیم ارسال باید کرد!

با بدضمن توضیح ماهیت جنگ، علل آوارزه شد. جنگ زدگان و ضرورت همبستگی مردم مناطقی که آوارگان بدانجا کوچ کرده اند، از بهر برداری ارتجاع جهت جلب حمایت توده ها حتی المقدور جلوگیری کرد و مبارزات آوارگان را بصورت مستقل به پیش برد. بنا بر این در عین حال که باید رژیم را از طریق افشاکاری مجبور نمود تا کمکهای ارسالی برای آوارگان بدون کم و کاست بدست آوارگان برسد، باید بدین تشویق توده های زحمتکش برای کمک مدحک زدگان، ستادی برپا نمود تا کمکها بصورت مستقیم بدست آوارگان برسد و رژیم

با فروش کمکهای جنسی به آوارگان، نتواند از این ندمه کلاهی برای خود ببرد. از اینرو شوراها و آوارگان میتوانند با ایجاد کمیته های نماینده در شهرهای مختلف، این کمکها را مستقیماً جمع آوری نمایند. همچنین میتوانند با بازکردن شمار حساب بانکی، کمکهای مردم را از این طریق تحویل بگیرند.

۵ - اختناق و خفقان، میان آوارگان، افشا باید کرد!

تمركز آوارگان در شرایط مکانی بسیار سخت و پرمشقت و معضلات گوناگون آنان، سبب شده که آوارگان بدرستی ناراضی و اعتراض خود را علیه رژیم حاکم ابراز نمایند. رژیمی که مسئول تمام بدبختیها و فلاکتها و توده ها است، توده های آوارزه چنان از این رژیم و این جنگ فدمردمی بستوه آمده اند که جرقه ای میتواند در خشم آنان را به انفجار رگشانند. رژیم برای اینکه از حرکت در آمدن آوارگان و از فعالیتهای نیروهای کمونیستی و انقلابی جلوگیری نماید، عموماً عمل خود را بر میان آوارگان فرستاده است. این عوامل سعی دارند با ارباب سرکوب دستگیری، مدای توده ها را خفه کرده و نیروهای آگاه را سرکوب کنند. به این لحاظ وظیفه نیروهای آگاه است که در این مورد هوشیاری لازم را بخرج داده و با سازماندهی هر چه منضبط تر فعالیت خود، توطئه های ارتجاع را خنثی نماید و در عین حال به اعتراضات توده ها علیه خفقان پلیسی دامن بزنند.

۶ - ستاد تبلیغاتی، میان آوارگان، ایجاد باید کرد!

شورای آوارگان باید با برپایی ستاد تبلیغاتی در میان سایر توده ها و همچنین در میان خود آوارگان، به افشای ماهیت جنگ و اعمال رژیم در مقابل آوارگان جنگی بپردازند و علل این آوارگی و ضرورت همبستگی میان آنان و سایر توده ها را توضیح دهند. در این شورا کمونیستهای با بیست هر چه بیشتر در جهت افشای رژیم و مجموعه جنایات او فعالیت کرده و توده های آوارزه را با روحیه ای مبارزه جویانه و انقلابی پرورش داده تا بدین طریق بتوان هر چه بیشتر دامن این جنبش را گسترده نمود. کمونیستها باید با بردن آگاهی انقلابی میان آوارگان، مبارزات آنان را در زمینه های فوق بسوی یک مبارزه انقلابی جهت داده و این مبارزه را با مبارزات زحمتکشان علیه گرانای تلفیق کرده و بالاخره به سکوی برای گسترش انقلاب تبدیل سازند.

★ ★ ★

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

بقیه از صفحه ۲۸ تخصص ۰۰۰

حزب جمهوری سفاک پارتیون به یک جناح بورژوازی غالب و خرده بورژوازی مرده سستی، علمبرعم تمام تلافی که در یکا رگیری منحصیمن برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته دارد، اما نمیخواهد این سکا رگیری، موجب ضعف او در حاکمیت شود. او فریاد میرسد تخصص سسار چپ رجویی است، مننها اول مکتب بعد تخصص. و با بقول هادی غفاری (ابن ابعان) "اس که حاکم است بر تخصص" (کپهان شماره ۴ آذر) و چون حزب خود را مظهر ایمان مصادا ن حکومتی را بر مستضعفین شورویزه میکند و میخواهد از لیسرا لیا از تخصص امیریا لیسنی استغنا ده کند، اما خودش در حکومت بماند، او وظیفه جد! منافع اسیر... یا لیسرا بردوش نگیرد امیریا لیا، محوا هد سیستم سرمایه داری وابسته سازی شود، بدور آنکه قدرت او در حاکمیت ضربه سمند و البته قدرت بیشتری را نیز با بدیه کف آورد. حزب می- خواهد "مکتبی ها" "نگهبان منافع امیریا لیسیم با شونده "متخصصین" چرا که سودایی "نگهبانی" را میخواهد بخود اختصاص دهند

ثانیاً - لیبرالها و تخصص شان!

لیبرالها نیز در این سخنان نشان در دفاع از "تخصص"، "علم" و... کوشش برای کسب هر چه بیشتر قدرت نهفته است.

۱- لیبرالها در بازسازی سرمایه داری وابسته، "متخصص" تر از "حزبیها" هستند. سیاستها ویرانه ها نشان در این زمینه متخما نه تراست ننگوگرا آنها و متخصصین نیز در پیش سر لیبرالها هستند. بدین ترتیب دعوا بر سر تخصص، برای این است که لیبرالها، قدرت بیشتری را در حکومت به کف آورند. آنها همواره بدینی ذاتی و حامی - های جناح رقیب اشاره میکنند. انقلاب اسلامی برای مسخره کردن جناح رقیب، اعلامیه "بیدا دگا ه انقلاب" خرم آبا در چاپ میکنند که سر و ته اش معلوم نیست ویرا ز غلط افلاسی و انشائی است و بیسواد ی جناح رقیب را محارری برای حقانیت بخشیدن به خود میکند. آنها نقطه ضعف جناح رقیب را که "داتم کاری" است را بر خن می - کشند و میخواهند بگویند، این ما لیبرالها هستیم که با بد حکومت کنیم، شما بلد نیستید بخوبی سیستم را بازسازی کنید و کارها را خراب نکنید لیبرالها حمله جناح مقابل به تخصص را در خط آمریکا میداند. بدین صدر در کارنا مهرشیس جمهوری میشود:

"آنها شی که علم نندارند و از ارزش علم خیسر نندارند و چون علم نندارند علم و تخصص را تخطئه میکنند، کسان شی هستند که آگا هانسه با نا آگا هانه در خط سلطه قدرتها ی حاکم بر این جهانند. چرا که ما حیبا ن شخص و علم را که سرمایه بزرگ موجودیت کشور ما و بصریت کشور نند با ایحا دعوا حتما می خطرناک می - گریزانند." (انقلاب اسلامی ۲ آذر).

لیبرالها میگویند چون نتنها ما مدخواسیم

کشور را بخوبی اداره کنیم، چون علم و تخصص داریم، هر کس سا "متخصصین" حمله کند، آمریکائی است. و "حزب" هم میگوید طرفداران حضرت آرمگائی هستند. (ما کمونیسم را میگوئیم. دعوا لازم نیست هر دوی شما علمبرغما خلاف در سبوه ها، در حط حفظ منافع امیریا لیسیم هستید!) جان کلام لیبرالها این است، حکومت را ما واگذارند، ما میدانیم چگونه انقلاب را سرکوب کنیم و چگونه سیستم را بخوبی بازسازی خواهیم.

۲ - دعوی شخص یک بعد دیگر نیست دارد. لیبرالها معتقدند که متخصص امور سیا سسی - افصا دی، فرهنگنی و نظامی هستند و روحا نسبت طرفدار حزب منظم امور دیسی، پس بهترین است هر کس کار خود را انجام دهد. زدی میگوید:

"اسلام دنیفا به تخصص اعنا ددارد. وقتی هم میگوئیم "تخصص صرفا در مسائل فنی نیست بلکه در این معاست که اگر من متخصص علوم اسلامی نیستم چون اظهار نظر سبب داشد باشم... هم نظوری که شما میدانید در زمینه مسائل اسلامی دقیقاً اگر بخواهید حکم سری را در یک مورد بدها نید یا بدیهه تخصصی که علمای اسلامی هستند، رجوع بکنیم." (کپهان ۴ آذر).

بدین ترتیب لیبرالها که می بینند بخش اعظم روحا نیت، طرفدار جناح بورژوازی حزب جمهوری اسلامی است، میگویند و را به حربه های حوزه علمیه سرگردانند، تا مشغول بخصمان باشند و کارهای دیگر را به زدیها و طب زاده ها و بی- مدرها و... بسپارند. (ما کمونیستها البته خواهیم گفت، هر دو بیتا نه کما را زحمتکشان به پیش!)

۳- دعوی تخصص یا مکتب یک جنبه دیگر نیز دارد و آن این است که با روحا ن بخشیدن به تخصص لیبرالها مینواند، روابط حسنه تری با "ما در متخصصین انظر لیبرالها" یعنی امیریا لیسیم برقرار کنند. لیبرالها با تعاریف "امیریا لیسیم سندی"، "واسنگی را آنجنسان شریف میکنند که بتوان بهترین روابط را با امیریا لیسیم برای امکان "مدور تخصص ها" یعنی سرمایه گذارهای امیریا لیسینی برقرار سازد منصور فرهنگ یکی از شورویسیهای "انقلاب اسلامی" می نویسد:

"باید "وابستگی" یک کشور را با ناسا ره دنیای خارج یکسان تلقی نمود. در جهان معا صریح کشوری نیست که به خارج از مرزهاش محتاج نباشد... "وابستگی" ارتباطی نه سرمایه گذاری یک کشور در کشور دیگر نندارد... بیبا براسن میتوان گفت که "وابستگی" در اصل یک رابطه قدرتی است." (انقلاب اسلامی - ۴ آذر)

بدین ترتیب دم خوس شخص عرا ن مسود و اسنگی ربطی به سرمایه گذارهای امیریا لیسینی و نیبا ز کشورهای تحت سلطه به امیریا لیسیم (که از طریق استرا سرمایه داری وابسته الزامی شده است) ندارد. وابستگی یک رابطه

قدرتی است. بدین ترتیب امیریا لیسیم سیا سسی است نه اجتماعی. پس چون سیستم شخصی عا در کشورهای امیریا لیسیمی است، پس باید بهترین روابط میان امیریا لیسیم و متخصص های امیریا لیسیمی نسرا نیا وجودا سبب اعد. هماد سرائنگه چون حکومت ایران وابسته نیست! صح اسکانی سدا رده که میا ردها تر جان امیریا لیسیم در ایران سرمایه گذاری کند! تصاد هماد سرمایه داری وابسته ایران نه امیریا لیسیم محتاج باشد. اینکه واسنگی نسبت دعوی تخصصی امیریا لیسیم را میگیریم و از روی سرمایه داران ایران را که سازسازی کامل سرمایه داری وابسته است بررسی آوریم.

این است واقعت نرا در بدیها دتخصص لیبرالها! آنها درس شمارهای علم و تخصص می- خواهد در روابط خود را با امیریا لیسیم موجه کنند چرا که چنین گوشه البته بقول آقای فرهنگ "واسنگی" نمی آورد. حال اگر سرمایه گذارهای امیریا لیسیمی در ایران وابستگی نیست. پس چیست؟ لیبرالها به طای سیان می سپارندش!

کمونیستها و "مکتب حزب و تخصص لیبرالها"

کمونیستها معتقدند این واژه ها کوششی برای پوشاندن جدالهای میان دو جناح ارتجاعی حکومت است. هر دو خواهان سرکوب انقلابند (با شیوه های مختلف، از ادیخواهی سفاکی دروغس لیبرالها که سرخی نیروها چون سجاد بدین را سر فویفته است، نمیتوان سدحنا سنها نشان را در کردسان، شرکتن صحرا و سراسرا بران بیوشا بد). هر دو خواهان بازسازی کامل سرمایه داری وابسته اند. (نماینها ی دورغیس صدا مسرا - لیسیتی حویبها، نمیتوانند دفاع همه حانه آنها را از سرمایه داری وابسته و حفظ حراست منافع امیریا لیسیم بیوشا ند. دعوی دو طرف فقط سرسر شیوه های مختلف این بازسازی است، نه آنظور که نیروهای ما بیکدیگر جنس کمونیستی چون رزمندگان و راهگرا گری می بندا رند و در نتیجه سوی رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) کشنده میشوند. بدین ترتیب ما نه خواهان حکومت "مکتبی ها" هستیم و نه حکومت "متخصص ها" رسرا در هر دو حالت امیریا لیسیم به غارت و استثمار رحمتکشان ما می بردارد و زحمتکشان ما را کسار و سرکوب میکند، ما خواهان حکومت زحمتکشان هستیم ما میخواهیم سرمایه داری را و هینظور باید آرآن را به نرونی نوده ها درهم بگوئیم و این را مرکز از مردم بیهان نمی کنیم ما سده نوده ها بگوئیم که چه حکومتی سود زحمتکشان است. اما در آن حکومت زحمتکشان، ما چه اعتقادی داریم، چه اصلی حاکم است. "مکتبیا" تخصص؟! در این زمینه ما بد سگوئیم که سزای ما کمونیستها "مکتب" مطرح است و درجه اول هم مطرح است. اما کدام "مکتب"؟ اگر "مکتب" حزب جمهوری عقب گرا و در جهت منافع استثمارگران است، باید نولوژی ما کمونیسم

کمکهای مالی دریافت شده

تهران: ۷۷۰۰	س: ۲۹۰۰	ع: ۴۵۰۰
آ: ۷۰۰۰	س: ۲۷۰۰	ع: ۱۲۰۶۰
الف: ۷۰۰۰	ر: ۱۲۷۹۰	ط: ۳۰۰۰
ب: ۴۵۰۰	ف: ۸۰۰۰	س-ع: ۵۶۰۰
ج: ۳۵۰۰	م: ۱۵۰۰۰	م-م: ۱۲۷۷۰
د: ۲۵۰۰	س: ۶۰۰۰	م: ۵۵۰۰
ه: ۵۲۰۰	ن: ۹۰۰۰	ر-الف: ۱۶۰۰۰
و: ۱۰۱۰۰	ی: ۶۹۰۰	ر-انگلیسی: ۱۲۷۰۰
ز: ۱۰۱۰۰	ص: ۷۵۰۰	رفقای دانش آموز: ۱۳۰۰۰
ح: ۱۰۵۰۰	ط: ۷۰۰۰	ر-ناهد (دانش آموز): ۲۳۰۰۰
س: ۵۸۰۰	ق: ۷۳۰۰	اراک: ۱۶۱۰۰
ت: ۸۲۰۰	ک: ۲۸۲۰	ج-الف: ۷۰۰
ث: ۲۰۰۰	ع: ۶۰۰۰	ر-ع-م: ۱۱۰۰
ج: ۱۳۰۰	ع: ۸۵۰۰	رفیق مادر: ۱۵۰۰
د: ۶۰۰۰	ک: ۶۹۲۰	رفیق ع مادر: ۱۵۰۰
ه: ۳۳۰۰	م: ۲۰۰۰	رفیق معلم: ۵۰۰۰
و: ۵۲۳۷۰	ا-ج: ۶۹۰۰	رفقای کارگر: ۳۰۰۰
ز: ۱۷۰۰	ش-ر: ۲۳۰۰	م-دانش آموز: ۱۰۰۰
ح: ۱۳۵۰	ب: ۷۳۰۰	ناهد: ۵۰۰۰
ط: ۱۵۱۱۰	ر-مادر: ۱۲۰۰	تامی: ۲۱۰۰
ی: ۲۲۳۰	ع: ۶۳۰۰	بوشهر: ۵۰۰
ف: ۱۱۹۹۰	ر: ۱۴۰۰۰	ج-م: ۵۰۰۰
ق: ۷۳۹۰	ت: ۴۱۵۰	را-م: ۱۰۰۰۰
ک: ۵۷۰۰	م: ۵۷۰۰	ع-م (کارگر): ۵۰۰
ل: ۱۲۲۰۰	شراز: ۱۲۹۹۰	ل-ب: ۵۰۰۰
م: ۶۹۰۰	ز: ۱۱۵۲۰	رفقای بوشهر هدیبه تان رسید: ۱۱۵۰
ن: ۶۹۰۰	ع: ۶۳۰۰	میان دو آب: ۱۴۰۰۰
ی: ۱۲۸۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	ب: ۶۷۰۰
ز: ۶۹۰۰	ز: ۱۱۵۲۰	شراز: ۱۲۹۹۰
ح: ۶۹۰۰	ع: ۶۳۰۰	ز: ۱۱۵۲۰
ط: ۱۲۸۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	ع: ۶۳۰۰
ق: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	دور رفیق کارگر ساخنما: ۳۰۰
ک: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	رفیق طبیب هدیبه تان رسید: ۲۶۰۰
ل: ۱۲۸۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	ز: ۱۱۵۲۰
م: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	ت-ق: ۱۲۷۷۰
ن: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	ع-کارمند: ۱۰۰۰
ی: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	رفقای دانش آموز: ۵۲۰۰۰
ه: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	رفیق ن-خانه دار رگه طلای سما رسید: ۱۲۳۰۰
و: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	اصفهان: ۱۲۳۰۰
ز: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	سقز: ۱۲۳۰۰
ح: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	الف: ۲۷۰۰
ط: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	س: ۷۹۰۰
ق: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	ج: ۱۱۰۰۰
ک: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	تهران: ۶۷۰۰
ل: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	الف-الف: ۱۱۸۰۰
م: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	ن-مادر: ۶۵۰۰
ن: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	ف-م: ۱۰۴۰۰
ی: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	م-معلم: ۶۰۰۰
ه: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	ک-ب: ۱۰۳۰۰
و: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	ه-ه: ۵۰۰۰
ز: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	ن-ن: ۲۰۰۰۰
ح: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	و-م: ۳۰۰۰
ط: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	س-ف: ۲۰۰۰
ق: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	ع-ن: ۱۵۰۰
ک: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	ب-آرام: ۵۰۰
ل: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	علی کارگر کشف: ۲۰۰۰
م: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	فرزاد کارگر: ۱۰۰۰
ن: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	دانش آموز جنوب: ۵۰۰
ی: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	محللات شرق: ۱۴۰۰۰
ه: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	محللات غرب: ۱۴۰۰۰
و: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	کارگرداروساز: ۵۰۰
ز: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	رفیق رنجی: ۲۰۰۰
ح: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	کمپته تهران: ۱۵۰۰۰۰
ط: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	هایده و فرشته برای بیمرگان: ۱۳۰۰۰
ق: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	رفقا الف-۵۰ و ن-۱۷: ۲۲۰۰۰
ک: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	رفیق فد-۱۲۰ هدیته رسید: ۱۲۰۰۰
ل: ۶۹۰۰	ن: ۱۳۹۰۰	رفقای د-د غرب هدیته رسید: ۱۲۰۰۰

رفیق مادر ۱۰۰۰۰ ریال و لیا سها دریافت شد.
 رفیق مرتضی آ ۲۷۰۰۰۰ ریال کمک مالی اب رسید.
 رفقای هسته کارگری تنگ ۲۰۰۰۰ ریال همراه
 با نامه در قیفا نه تان دریافت شد به امید
 پیروزی و آزادی طیفه کارگر.
 رفیق ع-۵ اطلاعات بستری را برای ما
 بنویس.
 تبریز:
 ر-کارمند ۳۰۰۰ ریال
 مادر بزرگ ۳۰۰۰
 الف کارگر تراکتور سازی ۳۰۰۰ ریال
 کارگر لوله کشی ۱۰۰۰
 ر-ص (با طریسان) ۲۹۰۰
 ر-ح (با طریسان) ۹۰۰۰
 " " ۱۶۰۰۰
 ر-الف ما فکار ماشن ۸۰۰
 ر-انگلیسی تان کسی بار ۱۲۷۰۰
 رفقای دانش آموز ۱۳۰۰۰
 " " ۲۳۰۰۰
 ر-ناهد (دانش آموز) ۵۰۰۰

اراک:
 ج-الف ۷۰۰ ریال
 ر-ع-م ۱۱۰۰
 " " ۱۵۰۰
 " " ۱۵۰۰
 " " ۵۰۰۰
 " " ۳۰۰۰
 " " ۱۰۰۰
 " " ۵۰۰۰
 " " ۲۱۰۰
 بوشهر:
 ب-ج ۵۰۰ ریال
 " " ۵۰۰۰
 " " ۱۰۰۰۰
 " " ۵۰۰
 " " ۵۰۰۰
 " " ۲۱۰۰

سقز:
 رفیق و کارگر ۱۰۰۰ ریال
 هواداران جنس معاومت ۲۵۰۰ ریال
 رفیق مادر جمال برای بیمرگان سازمان ۵۰۰۰ ریال
 میان دو آب:
 ع-د ۱۵۰۰ ریال
 د-بوقار ۱۰۰۰
 دور رفیق کارگر ساخنما ۳۰۰ ریال
 رفیق طبیب هدیبه تان رسید.
 زنجان:
 ت-ق ۱۲۷۷۰ ریال
 ع-کارمند ۱۰۰۰
 " " ۵۲۰۰۰
 رفقای دانش آموز ۵۲۰۰۰
 رفیق ن-خانه دار رگه طلای سما رسید.
 اصفهان:
 رفیق مادر ۵۰۰ ریال
 رفیق هوادار ۳۴۵۰۰
 " " ۳۵۰۰

آغا حاری:
 رفیق کارگر ۱۰۰۰ ریال
 رفیق دانش آموز ۱۰۰۰
 رامشیر:
 ب ۲۱۲۰۰
 رفقای هوادار ۱۰۰۰۰ ریال
 فیروزآباد:
 الف-ب ۵۰۰ ریال
 رفقای هوادار ۱۰۰۰۰ ریال
 شهرکرد:
 سیزن ۲۰۰۰ ریال
 رفیق برای کومه ۱۰۰۰۰

کمکهای مالی رفقای خارج کشور به دلار
 خ ۱۷۷۰-۲۵۵ م ۶۸۰۰-SU-۱۲۹۰W
 رفقای هوادار در سمنا روانستن ۲۶۲۲ دلار شما
 رسید.
 رفیق هوادار در اگلاهما ۱۴۲ دلار کمک مالی ان رسید
 رفیق م-ر-۲۳ مبلغ ۱۴۰۰۰۰ ریال کمک مالی
 برای کومه دریافت شد. مبلغ مذکور به رفقای
 کومه تحویل داده خواهد شد.

بغداد صفحه ۲۳ تخصص
 است. ما به ما رکسسم لشنسما اعتقاد داریم و
 این اندشولوری مرفنی سرن و انقلانی ترین
 اندشولوری عصر ما است. تنها این اندشولوری
 است که برای کارگران و حلقه آزادی واقعی
 بدست ما وارد. تنها این اندشولوری است که
 دامن سرخ و آشتی تابان را استعمارگران
 و ستمگران است. این اندشولوری، اندشولوری
 طیفه کارگران و راهنمای مبارزه طبقاتی تا
 استقرار جامعه کمونیستی میباشد. علاوه بر
 معتمدین آن اصلی که بیس سریده و تکامل بخش
 تاریخ است، مبارزه طبقاتی است. روزیونیستها
 معتقدند که اصل تکامل نیروهای مولده یعنی
 تا کند که با سرقاقتما د، اصل اساسی حکومت
 زحمتکشان است. گرچه کمونیستها با تلافی
 نقی العاده و عظیم یک اصما دمنتحکم متکی به
 توده ها انا دمسکنند و خود کفائی جامعه را
 متکی به سازان نیرومند کارگران و زحمتکشان
 با رما ورنه. اما همواره این سشرفب اقتصادی
 و انقلاب فنی و سولمدی تحت الشعاع منافع
 نارخی کارگران و زحمتکشان قرار دارد. اصل
 مهم سرما سودی طبقات ستمگرو سرما به داراست.
 حکومت زحمتکشان هرگز حکومت منحصن و تکو
 - کراتیای سروروا نخواهد بود. حکومت زحمتکشان
 در عین تا کمد بر سر سرف عظیم تکنیک، تخصص و
 فن سرما به داری جدید ادرا قبال سریدن حکومت
 به متحصن سروروا که حتی لسان ما رکسسم را
 نیز بخود پویا شده اند، احما نخواهد کرد. این
 همان جناسنی است که در حسن، سروری و همسه
 کشورهای روسیونیستی و سوسال امپریالیستی که در
 آن سرماه دای احیا کرده است انجام گرفته است.
 همواره در حکومت زحمتکشان، کارگران در

فالب حزب کمونیست حکومت خواهد کرد و طبقات
 را بطور کامل نابود سازد. آنها شخص را سود
 خویش نگاه خواهد کرد. آنها علم و دانش سرری
 را در جهت اهداف کارگران مودا استقا ده سرار
 خواهد داد. دور جدیترین حکومت سرما به داری خط
 سطلان خواهد کسد که همواره از علم، تکنیک و
 تخصص برای سرکوب و استنما زحمتکشان سود
 حسه است. کمونیستها به حاکمیت طبقات معتقدند
 و در حکومت کارگران همه حیر را در خدمت ما مع
 تاریخی - طبقاتی آمان قرار خواهد داد. دنده
 ما سروروازی رسوای کتونی که دعه سوای
 مدرس یعنی حاکمیت طبقاتی این را عوام برسانه
 درسی الفاظ مکتب با نخص سوسا ند

آبادان - تک آواره جنگ ۱۰۰۰ ریال
 اردبیل - ب-ت ۵۰۰۰
 سرورج - موزه خانه دار ۵۰۰
 سدر عباس - رفیق م-ع-۱۱ ۲۵۰۰ ریال
 همراه با نامه مسمما نه ات رسید.
 سرار - رفقای دانش آموز ۱۳۰۰۰ ریال
 سپهری - الف. که (دانش آموز) ۵۰۰
 " " کارزوی - رفقای هوادار ۱۰۰۰۰
 " " منهد - ه-د-د ۱۰۰
 " " ورا مین - رفیق کسپورز - الف ۱۰۰۰
 " " نظر آنا د - رفقای هوادار ۲۰۰۰۰
 " " سزد - رفقای هوادار ۱۰۰۰۰۰
 " " کوچ - مادر رط. ۲۰۰
 " " بدون کد ۵۰۰

دانشجویان کمونیست و انقلابی، تشبثات باندهای مزدور بختیار و اویسی را در خارج از کشور درهم می شکنند!

مدتی است که دادور دستهای ارتجاعی و مزدور امیریا لیسمنظر بیاندهای اویسی، پالیزبان، بختیار و... با استفاده از مکاناتی که امیریا لیسنتهای غربی در اختیار آنان می-گذارند فدعا لشکر شده اند. آنان میگویند بسا فریبکاری بوده های ناآگاهی را که در اکثر سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی از این رژیم میبیرند بخود جذب نمایند. این باندهای مزدور برای نیل به هدف های ضد انقلابی خویش پس از مدتها فعلا لیت مخفی، دست به فعلیتهای علیه زندگی و اندودر کشورهای مختلف اقدام به تشکیل جلسه و پراکندگی تظاهرات در میان آنان غافل از این هستند که دانشجویان مبارز ایرانی، این صدامی رسای خلقهای انقلابی مادر خارج از کشور، با سخی دندان شکن برای توطئه ها و دسیسه های آنان تدارک دیده اند. فرزندان راستین خلق در کشورهای اروپایی و آمریکا بی پشتوانه غنی مبارزه که از روبروی دانشجویان انقلابی با رژیم شاه جلاد و امیریا لیسنتهای کسب کرده اند، هرگاه که این عناصر خود فروخته در زیر لوای "مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی به توطئه علیه خلقهای زحمتکش دست زده اند، فاطمانه فعلیتهای خائنانسه آنها را درهم شکسته اند. در آمریکا دانشجویان کمونیست انقلابی در مقابل تظاهرات عوامی سر بر آورده امیریا لیسن، خشم انقلابی خلق را به نمایش گزارده اند و پلیس فاشیستی آمریکا به حمایت از مزدوران خود به قرب و شتم دانشجویان مبارز و انقلابی پرداخت.

در هامبورگ نیز تشبثات این باندهای مرتجع برای فروش نشریات خویش در محیط دانشگاهها به برخورد مبارزه جوینان رفقای عضو اتحادیه دانشجویان ایرانی (هواد سازمان ما) و دیگر سازمانهای دانشجویی مترقی مواجه گشت.

در برلین غربی، همزمان با "تاجگذاری" "ولیعهد" تاکام، باندمزدور سلطنت طلبان قرار بر این عنوان "جبهه ناسیونالیستی ایرانی مقیم برلین غربی" یا شعاریتجائی "جنبش مبارزان (!) و پیشتر از آن ایران (!) در مسدود جا ذبه قانون اساسی مشروطه سلطنتی" برای شرکت در تظاهراتی سر علیه رژیم جمهوری اسلامی، در برن، ایرانیان این شهر را بیک "مجمع عمومی" دعوت میکنند.

در همین روز جلسه مشترک کمیته همدان سازمانهای دانشجویان مبارز ایرانی (متشکل از دانشجویان هوادار سازمان پیکار و جنبش سازمان دیگر) در مورد جنگ ایران و عراق تشکیل گردید که در آغاز جلسه دانشجویان مبارز و انقلابی تصمیم گرفتند متحدانه به درهم شکستن جلسه باندهای مزدور و قرار اقدام نمایند. دانشجویان انقلابی

مقیم برلین قاطعانه تجمع این فریبکاران مرتجع را بر هم زدند که منحربه زد و خورد و دولت پلیس گردید؛ مزدوران که از تظاهرات انقلابی دانشجویان مبارز گنجی شده بودند برای گرفتن "انتقام" فعالیت خود را (که از دوران شکنجه انقلابیون در زمان شاه بخاطر گرداگرد) بشماره ای گزاردند و اقدام به زیر گرفتن یکی از رفقا بسویسا اتومبیل کردند که با هشیاری و مقاومت فرزندان انقلابی خلق درهم شکست. پلیس برلین با محاصره محل و بستن خیابانهای اطراف دانشگاهی انقلابی و ۲ مزدور سناهای "سید حسن خراسانی" و منصور حسینی خانی "را دستگیر کرده و رفقای دانشجو را سزا دادند و مزدور فروق به علت شروع به قتل و ضرب و جرح زندانی شدند. در این فعالیت مبارزه جوینان هواداران سازمان محادین خلق نیز متحدها نیروهای کمونیست فعالانه شرکت داشتند.

نکته جالب توجه این جریان شرکت افرا د حزب توده در این "مجمع" ارتجاعیون و استسه با امیریا لیسن و انتخاب یکی از اعلامیین شناخته شده شان بعنوان یکی از نفر مسئولین مجمع فاشیستی سلطنت طلب میباشد. حزب توده هنوز همکاری ریش را با ساو اکیهای مزدور در آنها که ممکن و میسر باشد (از دست ندادند است و به حفظ "اصل" ارتجاعی اش گام افرا رانده است. (۳)

نکته مهم دیگر عدم شرکت ویا بعبارت بهتر خفقان گرفتن هواداران رژیم جمهوری اسلامی (دانشجویان انجمنهای اسلامی هوادار "قدس" و طرفداران "حزب جمهوری اسلامی" بود. اساس مرتجعین که همیشه برای خرابکاری در فعالیت-

اتحادیه دانشجویان ایرانی (هواد سازمان ما) و دیگر سازمانهای دانشجویی مترقی مواجه گشت.

دانشجویان ایرانی در برلین، مقیم برلین غربی، همزمان با "تاجگذاری" "ولیعهد" تاکام، باندمزدور سلطنت طلبان قرار بر این عنوان "جبهه ناسیونالیستی ایرانی مقیم برلین غربی" یا شعاریتجائی "جنبش مبارزان (!) و پیشتر از آن ایران (!) در مسدود جا ذبه قانون اساسی مشروطه سلطنتی" برای شرکت در تظاهراتی سر علیه رژیم جمهوری اسلامی، در برن، ایرانیان این شهر را بیک "مجمع عمومی" دعوت میکنند.

در همین روز جلسه مشترک کمیته همدان سازمانهای دانشجویان مبارز ایرانی (متشکل از دانشجویان هوادار سازمان پیکار و جنبش سازمان دیگر) در مورد جنگ ایران و عراق تشکیل گردید که در آغاز جلسه دانشجویان مبارز و انقلابی تصمیم گرفتند متحدانه به درهم شکستن جلسه باندهای مزدور و قرار اقدام نمایند. دانشجویان انقلابی

وایسمن حزب کمونیست فرانسه - اسپانیا در برلین مقیم در...

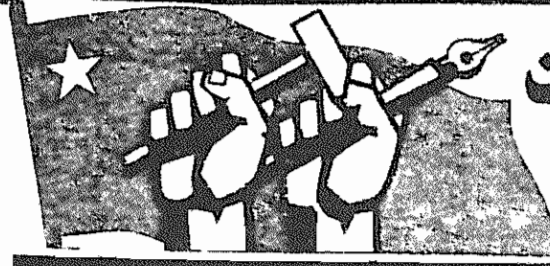
های دانشجویان انقلابی حاضر و آماده هستند، نزدلاندرمقابل مزدوران ساواک و باندهای وابسته امیریا لیسن سکوت پیشه کرده و بسور اختیار خود خیزند. سوادان (همان راهی که در مقابل حقیقت و فاشیسم را مهتری برگزیده بودند). سفارتخانهها و کنسولگریهای رژیم نیز مهر سکوت بر لب زده و عملا به تا شناسایی فعالیتها می سردانند و در این حالت طبیعی است که روزی نامه های رژیم جمهوری اسلامی که با "شما خواندن" فالانزها در مقابل کاخ سفید فضاها ساه میکنند و ساحتها خبر آنها از ادب- تلوزیون بخش منما بس در مقابل دانشجویان انقلابی سکوت اختیار نماید. در تظاهرات "سلطنت طلبان" مرتجع در (روزی که ۱۱ آبان ماه) رفقای هواداران با تفاق نیروهای مترقی دیگر تظاهرات ۲۰۰ نفره خود سها فضا انقلابیون فراری شناختند و پلیس جمع کمترا ضد نفوذ مزدوران بخناری را در میان خود گرفته و ۱۲ نفر از دانشجویان مبارز را دستگیر نمود. ساواک از درگیری جمع مزدوران سر و زهبا شیدا و آنها محصوره ترک محل شدند پلیس در مقابل حصن چند ساحتها دانشجویان مبارز و انقلابی در ساعت هفت محصوره آزاد ی رفقا شدند.

رفقای دانشجویان کمونیست، انقلابی و مبارز خارج از کشور

است که سها طنزنا یط موجوده را داخل کشور سلطنت طلبان مرتجع و باندهای وابسته با امیریا لیسن سکوت در کشورهای غربی به جولان بپردازند و وظیفه انقلابی شما است که بموازا با مبارزه بپیور و قاطع علیه رژیم جمهوری اسلامی و انشای جنابات آن در مسان افکار عمومی جهان، در هر کجا که باندهای مزدور دست به عملی زندند، بهمانه، شما بانگان انقلابی خلقهای ایران سها آنها را برسوزان خراب کرده و سها خود را با زحمتگان مسهن محکمت سا زید.

(۳) - دارودسته مرتجع "حزب توده" و فتنی اسامی عده ای از اعضا و هواداران نشان بعنوان عضو ساواک امنا شد در اطلاعیه ای در مرداد ۵۸ (برلین غربی) اعلام نمودند که "رفیق فمروز شیخ زاده (فروشنده کما بیهای حزب توده در برلین غربی) طی مدتی کوتاه هی به دستور "حزب" سها تظاهرات همکاری با ساواک سها کرده اطلاعاتی برامون بدهد و سها اس دستگاه ساواک در سازمانهای ضد رژیم دستاوردت سها اساعاده از آنها سازمان "مخفی" حزب آسب باید برگردد" لاسامروز هم خواهند گفت که حزب توده می - خواهد سها "نفوذ" در حرمان ضد خلقی سلطنت طلبان از کم و کفک رشان "مطلع" شود. سها سها آنها سها رفقا خود را در "حزب توده" همچنان حفظ کرده اند. اطلاعیه حزب خاشن شده که در این صفحه سها یکسا ردیگر جهره فریبکارانه و مرتجعانه رومونو - نسیسهای حزب توده را سها سها سها زده. حزب سها که ساواک و سلطنت طلبان بسیاری را در خود جای داده است.

هنرمقاومت هنرپرولتاری



احسان طبری "مردن علیه هنر" مارکسیستی رهنمود می دهد

رویزونیستهای "توده ای" هم چون تمام رویزونیستها بدون برده پوشی، هنر فساد مارکسیستی را تبلیغ و ترویج میکنند. صفات نشریاتشان از منظر تریب و است ترین آثمار "هنری" بر شده است و حاشی هنر مبتذل و دروغین اند... و اکنون آقای احسان طبری، بورژوا - رویزونیستی که موش را در راه خدمت بسه سوسال امپریالیسم و بورژوازی خودی سفیه کرده است، بیک قدم در نظریه پردازی های وقیحانه بورژوازی به پیش برداشته و طی مصاحبه ای در یکی از نشریات حزب توده (۱) ضمن صحبت در باره داستان نویسی رهنمودهایی به قلم نویسندگان جوان عرصه کرده است رهنمودهایی که از نظر فاد و انحطاط کم نظیر است و مبتوا ندمونه عربی نی ارگندیدگی معیارهای بورژوا - رویزونیستها در عرصه هنر بشمار آید.

احسان طبری در این مصاحبه گفته است: "یکی از توصیه هایی که میشود کرد این است که نوع قصه ای را که در جهت روحیه خودتان هست انتخاب کنید... "روحیه خودمان"، "خودتان" ... در واقع رهنمودهای این رویزونیست بی تکرار حوبه های گندیده نویسندگان و منتقدین و رشکته هنرا میریالیستی است. اهمیت گفته های طبری در اینست که نشان میدهد هیچ تفاوتی بین رویزونیستهای هنرمند و هنرمندان بورژوازی وجود ندارد، وجه مشترک همه انسان بنا کید بر جسه فردی آفرینش هنری است. و هنر مارکسیستی از ابتدای پیدایش خود را تا چار دیده است که درستی آشتی نا بدیریا هنر فرد گرای بورژوازی بسر برد زیرا خواستار هنر فردی است که روحیات فرد هنرمند در آن به بیگانگی با آرمای نهایی جمعی برولناریا برسد

احسان طبری با ابتدالی شکفت آورا موزن میدهد! ممکن است مثلا فرض کنید دلنا بن خواهد رمانهای تاریخی یا پلیسی یا جاسوسی بنویسد با اجتماعی انقلابی بنویسد یا روانی عشقی بنویسد"

(۱) - محله جوانان حزب، توده شماره های ۲۰۱

به این ترتیب طبری رویزونیست رمان انقلابی را رمان پلیسی وحاشی در یک ردیف قرار میدهد و نشان میدهد که رویزونیستها در عرصه هنر دارای نظراتی هستند که تنها با منظر تریب نوع هنر بورژوازی، هنر تجاری هنری که به آخرین درجه فساد سقوط کرده است همخوانی دارد.

او خود منظورش را بدون ابهام تشریح میکند در مورد داستانهای عشقی بنویسد: "تمام این داستانها شرح این است که مردی است، زنی است عاشق هم میشوند و آخرین به ازدواج منجر میشود یا نمیشود" و در باره رمانهای پلیسی هم توضیح میدهد: "گمان و ویل، نویسنده ای که سر "شرلوک هولمز" را نوشت یکی از نشانیان گذاران این سگ است"

آری کارگذاران سوسال امپریالیسم به داستان نویسان جوان توصیه میکنند که هر نوع داستانی نمیتوان نوشت حتی داستانهایی از نوع پست ترین تفالتهای هنرا میریالیستی. دشمنی این نظرات رویزونیستی با دیدگاههای مارکسیستی در ضرورتی آشکارتر میشود که آنرا با نظرگاههای صاحب نظران مارکسیست - لنینیست در زمینه هنر مقایسه کنیم، به عنوان مثال گورکی تا کیه میکند: "چنان که از ضرورت انقلاب را درک نموده است و ادبیات و طیفه دارد که به قیام کنندگان کمک نماید." - صفحه ۱۶۷ - ادبیات از نظر گورکی.

آری هنر پرولتاریا، هنر مارکسیستی، به نویسندگان خود توصیه میکند که هنرشان را بسه خدمت انقلاب درآوردند و هنر رویزونیستی، هنر بورژوازی به نویسندگان جوان رهنمود میدهد که مطابق روحیه فردیشان اگر مایل بودند داستانهای در مورد حاشیان، پلیس رومانهای مبتذل عشقی بنویسند. و بدینگونه مهرتاشیدر منظر تریب و بیشرمانه ترین آثار رهبری بورژوازی میرسد. به زعم انسان یک داستان نویس جوان میتواند (السته اگر مطابق روحیه اش باشد!) و ساد همچون "بان فلیمینگ" خالسبق جیمز ماند "گمان و ویل" خالق شرلوک هولمز کار گزاران مزدور امپریالیسم، و طیفه تقدسی و منزه کردن پلیس کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری را سه عهده گیرند. اما اگر میخواهد با نظر نویسندگان کمونیست نسبت به این نوع آثار آشنا شود خوب است حرفهای گورکی را بسه

با دآورد: "از این نمونه های خشن که بیک جانی و یک درد تیر و به یک بورژوازی خوب تبدیل میشود در ادبیات بورژوازی فراوان است بورژوازی زرنگی دزد و حبله گیری جانی را مثل نافلابی کار آگاه، با نوق و ذوق مبتسب، امروزه رمانهای پلیسی هنر زیباترین غذای روحی مردم سیرا روپاست. این ادبیات راه خود را در صف کارگران نیمه گرسنه نیز با زکرده و... این ادبیات تمایلی نسبت به فرار زل زرنسگ بوجود می آورد." ادبیات از نظر گورکی اینست تفاوت ۱۸۰ درجه نظرات مارکسیستی و رویزونیستی در زمینه هنر، هنری که حشر توده خاثن و سعد رویزونیستها مبلغ آند هنری که آقای طبری آنرا آموزش میدهد، هنری است که هیچ نشانی از آموزشهای لنینی در آن یافت نمیشود. لنین خود مینویسد:

"هنر بطور خاص با یدرو حبه نبرد طبقاتی، با تلاشهای پرولتاریا برای دستیابی موفقیت آمیز به هدیه های دیکتا توریب در هم آمیخته شود" (در باره فرهنگ پرولتاری)

واحسان طبری رویزونیست میگوید لازم نیست به خودتان در درس بدهید یا روحیه فاسد بورژوازی و مطابق همین روحیه برای کارگران داستان بنویسند، داستانهایی نظیر رمانهای پلیسی شرلوک هولمز!

آری، آنان به موازین مارکسیستی - لنینیستی به عنوان شعبات و دکمهای خشک مینگردند و اساسی ترین اصول هنر انقلابی پشت پا میزنند، هنری که مبتسب با بزاری سرای انتقال آگاهی و حقایق و جرئی حدانسدی! ار مبارزه طبقاتی توده های رحمتکن با شد و در راه هدفهای دیکتا توریبشان به آنتان یاری رسانند اما احسان طبری به زبان دیگری حرف میرند. او نه تنها خواستار انتقال آگاهی ها و حقایق مارکسیستی به توده های بسا خاسته نیست و نمی تواند بدینا شکیلکه برعکس، منظور عرمان میگوید: "دشواری کار اینجاست که داستان نویسی در حقیقت نوعی دروغگویی است ولی ناید سعی کرد بهر جهت تک "دروغ زیبا را تحویل داد". آقای طبری بعنوان شاهدرای اثبات حرفش شعری ارتعاعی مثال میزند که:

"در شعر میباید در فن او
چون اکذب اوست احسان او"

ملاحظه میکنید که تفکرات تجاری به عربیان ترسین شکل، خود را به نمایش میگذارد. سالیهاست که رثا لیسوسوسالیستی در واقعیات زندگی جاری میکبرد و دروازه های فردای روشن راه روی خواننده میگشاید. سالیهاست که رثا لیسوسوسالیستی در برابر هنر نیست و منظر بورژوازی ایستاده و فریاد حقیقت خواهی طبقه کارگر را سرداده است و اکنون بسینید که این رویزونیستهای خاثن

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

ملاحظات کوتاه

شکجه‌های مشروع و مکتبی!

همه چیز مشروع و مکتبی شنیده بودیم الا شکجه مشروع و مکتبی، که اینهمه سلف ما چیست. مطبوعاتی آقای کجوشی ریش زندان او این سر ما روشن شد. کجوشی که چیزی است شبیه همان "استوار" می "دوره گذشته، تا که بر سر بود برای روشن کردن "ملت مسلمان و قهرمان و متعهد" در باره زندان های جمهوری اسلامی توضیحاتی بدهد. اما علت "ناگزیری" این نبود که کارگران و کمونیستها را (دخترها بس) اسلای می زنند، و بحر بیخشان چندا علامه خندان بار "صحنه های اعدام" بنمایش در میا و روندوبها در یک "سیدانگاه" در بشته نیمسا عتبه چند دقیقه ای افرادی انقلابی و کمونیست را بیخمن حرم زندان های ۱۰-۱۵ ساله یا اعدام محکوم میکنند، بلکه علت اصلی "مهمتر" از آنها بوده! آنها دستگیری قطب - زاده را با بد برای لیسرا لیا، این همگامه های حزب جمهوری اسلامی توضیح میدادند. با بدسه انتقادات "مزورانه" سنی صدر که راجع بسسه انواع زندان مسجبت کرده بود با سح میدادند!

آقای کجوشی در توجیه کاری و در ما ستالی قضیه شکجه (که البته بصورت حدالهی و سرعی اجرا میشود) که شرح تعداد شلافها را هم معلوم میکند (نشان داد که بیروهای ضد خلقی در هر لسانس و بیوشنی که ما شنیدیم هیتشان یکی است فقط زبان توجیه کاری آنها فرق میکند. و مگر شوق غمناک این اسب؟ در شهری که سح اسلام - زاده ها نفیسی ها و امثال آنها ن ارمحارات نخت با بند و آخوندهای درباری در "ادانگاه و بسسزه معممین" فقط محکوم به پوشیدن کت و شلوار شوند و احمد رضا کریمی های خاش و دستکرا و اکسپای با تحربه برای ناروحی افلاسیون پارسیازی سا واک جدید (سا و اما) اسکا رگرفته سوند سوححات ریش زندان او این آقای کجوشی السه هسح شعبی بر نمیا نکرد، او و طبعه خود را در حد مسب به سورزازی انجا مسمدهد، همس وس!

وحشت از انقلاب و کمونیسم رژیم رانمی لرزاند

در حکت ارحاعی وحسا بیگارانهای که بسوسله دور زیم بران وعرا بی جران دارد. مساله آوارگان: با دسفرخی نه خود کرفسبه است. سرما به داران که با سگدست در سورجسک مید بخند موروا به دست دستکرا برای ما مسلحاح حما بت از آوارگان و بکهداری اطفال سکناد آنان در از کرده اند. سرم آواران که سرحی همان دوران برده داری عمون و سنی کودگانی را که ظاهرا برای نگهداری بسن خود میبرند اسجا -

شده در صفحه ۲۱

در شصتمین سالروز شهادت

میرزا کوچک خان " سردار جنگل" یاد او و مبارزاتش را گرامی میداریم

میرزا کوچک خان بنیان گذار جنبش جنگل در سیزده آذرماه ۱۳۰۰ بدست مزدوران حکمه یوش رضا خان قلدربشادت رسید. کوچک خان و یاران او در پیگیری نهضت جنگل و برقراری جمهوری کیلان نقش اساسی داشت و بیسما به یک دموکرات انقلابی منسکس کننده تما بیلات مشرقیانه دهقانان در مبارزه علیه فئودالها و رژیم استبدادی و دست نشاندگان استعمار بود در انقلاب مشروطه و مبارزات سالهای نخست زما مداری "رضا خان" مبارزه بیخش مهمی از توده های گیلانی را رهبری میکرد. رژیم جمهوری اسلامی بسا رکوش دارد که از نا موآ و از میرزا کوچک خان و نهضت جنگل به سود خود استفاده کند، در حالیکه "میرزا" علیه رژیم اشنیایاتی که اغلب آنها به پیش اجتماعی و طبقاتی او بر میگشتند، توانست با تبلیغ دموکراتیسم انقلابی و با برداشتهای انقلابی از مذهب، زحمتکشان گیلان را در یک مبارزه مسلحانه توده ای بسیح نماید. او معتقد به انقلاب بود در این راه نیز قدم بر میداشت. گمانیکه در طوفانی ترین لحظات قیامپرشکوه بیهم ۵۷ سال تمامشرو به خلق سلاح مردمی برداختند نمی توانند خود را با مردی که قدم در راه مبارزه مسلحانه توده ای گذاشته و از رهروان مدیون انقلاب بود مفا سبه نمایند. بزرگداشت مبارزات جنگل و میرزا کوچک خان نباید مانع از یادآوری اشتباهات او گردد. بر خوردهای نادرست "میرزا" بیوسه در مناسباتش با کمونیست ها (که به شهادت حیدرخان عموا و غلی منحرفند) ، تمایل به برخی مستشاران مشکوک و گرایش به مسبت سازاریان و... صدمات جدی بر پیگیر جنبش ضد ارجناعی - ضد استعماری مردم ایران وارد کرد ما ضمن درسگیری از فرا زونشیب های مبارزات میرزا کوچک خان ، یاد او را گرامی میداریم. ■

رئالیسم سوسیالیستی آثار ارزش مندی بسسه کارگران و زحمتکشان تمام جهان عرضه کرده است یک به یک این داستانها و رمانها و اشعار و... را ورق بزنید. سطر سطر تا سرشار از صدای بیرونان زندگی است. رئالیسم سوسیالیستی بصورت این معلمس مریح داستان نویسی تف میکشند و نشان خواهد داد که احاز نه مبدهد لفقان فرتوتی نظیر احسان طبری سنان از این سرگرم مسموم کردن دهن برولسا را با بناند، برولسا را بسی که بر حمرج انخلاس در امسرا است. ■

و برآستی خاش، چگونه تفاله های سورزازی را در مصحات تنگین نامها بیسان درج میکنند و علیه هنر پرولتاریا به سبزی خصما نه می سردازد البته احسان طبری رویونیست بربراه هم نمیگوید! اگر ما با دید طبقاتی به رویونیستها و بخصوص به این کارگزاران سوسیال امیرالیسم نگاه کنیم، فی الواقع ایسان مانند شما منبرو - های ارتجاعی تاریخ، به دروغهای زیبنا" و به تخیلهای واهی احتیاج مبرمی دارند. ایسان میخواهند با دروغها بیسان و با هنر دوراز واقعیتشان، واقعبات کنونی را وارونه جلوه داده و حاکمیت خدا انقلاب و ارتجاع را از چشم توده ها بیسان کنند و این طبیعی است که بسسه هنرمند بگویند که با بد "دروغ زیبا" بگوید "هر چه دروغ تر بهتر". این کاملا ما هیت طبقاتی این کارگزاران سوسیال امیرالیسم جوردمی - آید که هنری را تبلیغ و ترویج نمایند که اساسش بر واقع گریزی است. ایسان به جنبش هنری برای تبلیغ سازش طبقاتی و بردن طبقه کارگر به مسلخ سورزازی احتیاج دارند. مثلا ایسان امروز نیاز زده رند به کارگران بگویند: "کارگران ایران در جنگ کنونی شرکت کنید." بنا بر این با بد در هنر شان مبلغ روحیات آشتی - جویانه، تسلیم پذیری و جا کرمنشی نسبت به سورزازی خودی و دروغ بردازی و نیرنگ بازی باشند. ایسان با بد در همه حال رواج دهنده خرافات و ابیده آلیسم باشند.

احسان طبری میکوشد نویسنده جوانان را آنچنان تربیت کند که در داستانها و شعرها و خلاصه در تمام رشته های هنر، کمر همت ببندد تا در انقلابی ترین بخش جامعه یعنی طبقه کارگر، هر آنچه روح بیگانه جویبی و کین خواهی و بیداری است از میان بردارد. داستان نویسی که رویونیستها تربیت میکنند، با بد داستانهای بنویسند تا کینه طبقاتی و هیجانهای یک کارگر را به سوی احساسات و هیجانات مبتذل سورزازی کانالیزه کند: "... بخصوص با خواننده نوعی لج بازی کنند، چون خواننده مرتباً سعی میکند حدس بزند که نویسنده چکار خواهد کرد که مثلا سرنوشت این خانم چطور میشود، آن آقا چطور میشود... شما لج کنید بروید بر خلاف آن مسیری که افکر میکند" (مجله جوانان حزب توده شماره ۲۰)

کمونیستها هنرا نه در خدمت شکم سیران سورزاونه برای سرگرمی و انحراف توجه توده ها از اساسی ترین مسائلشان، بلکه در خدمت میلیونها کارگر "این گلیا، این عاقلان به توان و نیروی آینه" (لنین) قرار میدهند. کار، و مبارزه هر آنچه که زندگی است در هنر پرولتاری جاری میگردد.

همانگونه که مبارزه بر علیه ستم و استثمار زیباست، همانگونه که عشق به خلق و آرمان والای طبقه کارگر زیباست، همانگونه که هنر پرولتاری زیباست، چون آئینه مبارزه با زنا و زنجیرها، مبارزه ها و کینه ها و عشقهای توده های خلق است

تخصص یا مکتب پوششی برای جنگ قدرت

جنگ قدرت در میان هر دو جناح رقیب همان حاکمه بشدت حریبان دارد. ما در این باره سار سخن گفته ایم، اینک میگوئیم نشان دهم که چگونه در پشت سر "واژه" ها شای که همه جا بکار میرسد منافع طبقاتی خود را پنهان میدارند و چگونه در هر کلامشان گوش برای کسب بیشتر قدرت نهفته است. یکی از این واژه ها که بیچاره از اصولی ترین مقوله های مورد اختلاف دو جناح است، دعوی سرپرستی یا مکتب میباشد. ما ثابت خواهیم کرد که کلمات مین اهداف خاصانند، در پشت این الفاظ نهفته است و در واقع این دعواها پوششی برای جدال اصلی یعنی "حکومت برای کدما جناح" است.

اولاً - حزب جمهوری اسلامی و مکتب اش

دعوی اصلی سرسرا این است که سرمتنا غل حماس حکومتی "مکتبی" ها باشد، ما "مختصن ها" پیشی میگوئیم:

"نمیشود در حاکمیت ملامی یک جوان درس خوانده مومن، متقی، مبارک و درودیک آدمی بنحو ویی درس خوانده بجای او سرکار رساند".

و با:

"در اسباب افراد برای مساعی و کارها سؤال اول ارزیابی است این افرادند مکتب الیق است و سؤال دوم از تخصص و مهارت". (جمهوری اسلامی، ۳، آذر).

پس دعوی بر سر حکومت شده ها و حکومت "مستضعفان" و... نیست و بنا بر ما همت طبقاتی سوزناوشی نمی مدها و پیشی ما، نمیتواند هم باشد. دعوی بر سر این است که چه کسی حکومت کند، پیشی در سخنرانی سخن یا مکتب و در دیگر سخنرانیها پس و پیامی سردمداران حزب

یادداشتهای سیاسی هفته

جمهوری سبز در سوئدها و کلمه ها نشان میگویند در جمهوری اسلامی باید "مکتبی" ها و "خط امامی" ها حکومت کنند. و منظور از مکتبی ها هم شخص اسد حزب جمهوری اسلامی و "روحانیت و نیروهای طرفداران حزب" پیشی در سخنرانی روزنامه قدرت را در درجه اول در اختیار رولایت نموده و فقهای شورای نگهبان (که طرفدار حزب جمهوری هستند) را در سنده و در درجه دوم مجلس، سوراغالی قضااتی - بحسب وزیر ووزرا! (طرفداران حزب) و رئیس جمهور را عنوان کرده بود، مکتب مکتبی این! پیشی در حکومت مکتبی ها معتقد است به سپاه مشاغل حماس باید در دست حزب ما بدلسکه "مکتبی" ها "حق نظارت بر همه شئون جامعه را نیز دارند و با طاعت میگویند:

"من این را در پیرایه اسباب عزیزی منکم روحانیت آگاه متعهد حداقل در جدال با همه حاشیه نیام عیاره عنوان معتمدان ملت در حریمان کارهای کنسور برای همه به نظر آید خواهی کرد (یکسردوم) کسی در جمهوری اسلامی مسئولیتهای خود و کلان را مسئول بکنند که با این نظارت بر اجناس مبارکار باشد، آنها شبکه ای نظارت را نمیتوانند تحمل نکنند، خلفا خاصان را بدکسانی بدهند که از این نظارت همه با استفمال میکنند". (جمهوری اسلامی، اول آذر).

جان ما در حرف حزبی ها را پیشی سحوسی بیان میکند: حکومت "جمهوری اسلامی" است و این حکومت هم حزبی نیست مگر با کلماتی که واقعا مکتب اسلام را درک میکنند و اینها کسی نیستند مگر طرفداران ولایت عقبه و پیشی و روحانیون طرفدار حزب و اصولا حاشیه!

شماره دوم صفحه ۲۳

از تجاع حتی از آوردن نام "کار"، "درو"، "تیشه" و "نان" وحشت دارد

اغیراطی بخشنامه ای از ادارات بخت و سط را دیو - نلوسزون خواسته شده است که سرود "جهاد سازدگی" که در آن "کار، درو، تیشه کوبیدن و نان مطرح گردیده به علت نداشتن محتوای اسلامی از طرف نماینده امام در صدا و سماع جمهوری اسلامی ایران، حجت الاسلام محتشمی، از زرده سرودهای قابل بخت حذف گردیده است "را به سوجه مورد استفاده قرار ندهد.

ارتجاع از زبان آوردن کلماتی که برای فریب زحمتگنان در سرودهای تبلیغاتی جای داده اند، هراس دارد، اینان خود شیک می - دانند که "کار"، "درو"، "تیشه" و "نان" و نظایر آنها کلماتی هستند که سازبان برنسونان زحمتگنان میهن ما بسکی ناگفتنی دارند، اینها را "کار"، "درو" و "تیشه" و... ست طبقا نسبی را به بهرین نکلی برای کارگران و دهقانان زحمتگنان ایران نجسم میبخشد، نجسمی که اگر آگاهی طبقاتی ما میزد (که آبیختن محتسوم است) مرکز ریسها شای چون جمهوری اسلامی را بسار خواهد آورد و امروز حسی بصورت حقین بردا ی بیخ برای سردمداران رژیم وحشتی مرکز است - آفرسد، چه دلنسی است دیدن این وحشت بر چهره مرتجعین!

جنايات پاسداران مردم را بياد جنايات ساواك مي اندازد!

سازي - در شب ۱۷ آبان ماه اسامی بسیار از پاسداران همرا با اسامی اتومبیل بسیار سرعت بطرف دریا حرکت میگردند. پس از یک ساعت مردم آن ساحلها به چهره خوسین جوان بسبب ناله ای مواحه شده که اسامی ارکنجه در پاسداران رها شده بود، وی که یک دانشجوی انقلابی بود همرا با رفقا پس دستگیر شده بود و اسامی بسیار دیگران اطلاع نداشت. مردم زحمتگنان حومه سازی با اسرا را رخصان با اسامی بر ما کنند، پیدا وای دانشجوی محروم برداختند.

آری، پاسداران رژیم جمهوری اسلامی، روشهای ساواک را حلی خوب آموخته اند.

منکند، امیران مردم را در مسودویا اسامی را برین چشم مردم، پاسدار رخصی را در اسامی فریاد - جای "مرکز بر اسامی" مردم زحمتگنان، فراری مدهند.

گلوه بجای بنزین

در تاریخ ۱۷ آبان ماه ساعت ۸/۳ صبح (پس دوم سوزا و رو اسامی اسامی مسترد در مکتب - بنزین "سربا سوزره" (حاده خدمت کرج) سر - تحول بنزین به آبجا ما چراهی پس ما اند. مردم به سیمانی از خواست سحی سوزا و رو اسامی در می آند و اسامی بر پاسداران گران می آند و طبق معمول همیشه دست به سراننداری مینند که یک تیره کتف یکی از پاسداران و کلوسه دیگری به پهلوی یکی از سوزا و رو اسامی اصابت

تسلیمت به کارگران وزحمتگنان اینتالیا

ز لوله در اسامی ساجدی هوارتغو را کت و هزاران سوزا و آواره کرد، ما اند. هسته با رفقا شای و کلمه ها سرودش کارگران و زحمتگنان فرار دارد.

ما همصدا با سماعی زحمتگنان همان به طبعه کارگران زحمتگنان اسامی، تسلیمت میگوئیم.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست